

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خودبازی و خودکفایی

از دیدگاه امام خمینی^(س)

تبیان

آثار موضوعی

دفتر بیست و ششم

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	الف
فصل اول: زمینه‌ها و علل خودباختگی و وابستگی	۱
فصل دوم: تلاشها و تبلیغات غرب برای از خودبیگانه کردن مسلمانان	۴۵
فصل سوم: اهمیت استقلال و خودکفایی	۷۱
فصل چهارم: تأکید بر خودباوری، خودکفایی و استقلال مسلمانان و مستضعفان	۸۳
فصل پنجم: فرهنگ و از خودبیگانگی	۹۷
فصل ششم: تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی	۱۱۱
فصل هفتم: زمینه‌های لازم خودباوری و خودکفایی	۱۴۹
تعلیم و تربیت نیروهای انسانی	۱۵۱
توسعه تحقیقات و مراکز علمی	۱۶۰
عزم ملی	۱۶۲
انقلاب، وحدت و عوامل مذهبی	۱۸۰
اعتماد به نفس، تلاش و تحمل مشقات	۱۹۲
ثبتات و امنیت	۲۱۴

۲۱۶	کوتاه کردن دست غارتگران و عناصر فاسد
۲۱۸	سیاست‌گذاریها و قوانین
۲۲۲	توسعه کشاورزی
۲۲۷	فصل هشتم: نتایج و دستاوردهای خودکفایی
۲۲۳	فهراس
۲۳۵	فهرست تفصیلی
۲۴۹	فهرست مأخذ
۲۷۴	فهرست منابع

مقدمه

امروزه ابزارهای اقتصادی و سیاسی تعامل تنگاتنگی با هم دارند و دولتهایی که از این ابزارها برخوردارند بسته به مقتضیات زمان و مکان و درجهت سودجوییهای خود از آنها استفاده می‌نمایند. هرجا که مطامع اقتصادی مطرح باشد ابزار سیاسی به کار می‌رود و هر جا که چالشهای سیاسی جدی شوند، ابزار اقتصادی به کمک می‌آیند، و البته این قاعده فارغ از استثنای نیست.

حال چنانچه جامعه‌ای بخواهد به لحاظ سیاسی واقعاً غیر متعهد باشد، ناگزیر از تقویت مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی خود و نیل به «خودباوری و خودکفایی» می‌باشد. چه آنکه طوفانهای سیاسی که هر از چندگاهی در یکی از بلوکهای سیاسی و اقتصادی وزیدن می‌گیرد، تنها با برخورداری از پایه‌های محکم فرهنگی و اقتصادی قابل رفع می‌باشد، چه در غیر این صورت، آن جامعه از حداقل ثبات نیز بهره‌مند نخواهد بود.

انقلاب اسلامی ایران نوعی از تحولات سیاسی بود که به لحاظ پایه‌های اسلامی آن، بی‌نظیر و در مقام تهدید علیه استعمار، در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد، از این رو بدیهی است که پس از استقرار چنین انقلابی، انواع تحریمهای و تضییقات علیه آن اعمال گردد، با این وصف چنانچه جامعه اندکی ایران که از زمینه‌های مناسب فرهنگی برخوردار است از حداقل امکانات اقتصادی برخوردار نباشد، مقاومت مقابل این تحریمهای چندان به طول نخواهد انجامید. بنابراین توجه و تلاش همه جانبی جوامع

ب / خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

انقلابی در جهت آرمان «خودباوری و خودکفایی» امری است اجتناب ناپذیر و خطر غفلت از آن متوجه اصل انقلاب می‌باشد.

امام خمینی (س)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر انقلاب، هم پیش از نهضت و هم پس از آن همواره بر ضرورت «خودباوری و خودکفایی» تأکید وافر داشته‌است؛ و هر چه به مقطع نهضت نزدیکتر شویم تأکیدات ایشان در این امر جدیت خاصی به خود می‌گیرد، هر چند که خطاب ایشان صرفاً متوجه جامعه انقلابی ایران نیست؛ بلکه تمام مسلمین و مستضعفین را در بر می‌گیرد.

اکنون این رهنمودها در مجموعه تبیان «خودباوری و خودکفایی» گردآوری شده است، تا محققان، پژوهشگران و ارادتمندان معظم له، با غور در آن هر چه بیشتر بازرسی اندیشه ایشان درخصوص کرامت انسانی و چگونگی پاسداری از آن بیش از پیش آشنا شوند، کرامتی که با نهضت‌های اسلامی حاصل و «با خودباوری و خودکفایی» آنها صیانت می‌شود. مخاطب این رهنمودها، مسئولین و دست‌اندرکاران نظام در درجه اول و آحاد انقلابیون و انسانهای کرامت طلب در درجه دوم می‌باشند.

ویژگیهای این مجموعه:

۱. مجموعه حاضر که تلفیقی از دو موضوع «خودباختگی و خودباوری» و «خودکفایی و استقلال اقتصادی» است، به دلیل کم حجم بودن هر یک و تعامل تنگاتنگ میان آن دو در یک مجموعه تحت عنوان «خودباوری و خودکفایی» تدوین گردیده است.

۲. این مجموعه که در گروه اجتماعی حوزه معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) استخراج و تدوین گشته است، مشتمل بر هشت فصل می‌باشد:

فصل اول: زمینه‌ها و علل خودباختگی و وابستگی

در این فصل برای آشنایی ابتدایی و مقدماتی، بیانات امام در خصوص زمینه‌ها و علل خودباختگی و وابستگی گردآوری شده است.

فصل دوم: تلاشها و تبلیغات غرب برای از خودبیگانه کردن مسلمانان

در این فصل تلاشها و تبلیغات غرب به عنوان سیاستی استعماری، که مسلمانان را از

خود بیگانه کند تا امور خود را به یکباره به استعمارگران بسپارند، مطرح و نظرات امام در این باره گردآوری شده است.

فصل سوم: اهمیت استقلال و خودکفایی

در این فصل مطالب مربوط به «اهمیت استقلال و خودکفایی» جهت خروج از سلطه استعمارگران گردآوری شده است.

فصل چهارم: تأکید بر خودبادی، خودکفایی و استقلال مسلمانان و مستضعفان

آنچه از سوی امام به عنوان دغدغه خودکفایی مطرح می‌شد فقط مربوط به داخل نبود، بلکه ایشان مجموعه‌ای از مسلمین و مستضعفین را در نظر داشتند، که نقطه نظرات ایشان در این خصوص در فصل چهارم آمده است.

فصل پنجم: فرهنگ و از خود بیگانگی

در این فصل، نقش فرهنگ و رابطه آن با خودبادی و خودباختگی از نظر امام مطرح می‌شود. هر جا که فرهنگ، وابسته و مستأصل شود، از خودبیگانگی نمود پیدا می‌کند و هر جا که فرهنگ اصالت داشته باشد خودبادی متجلی می‌شود.

فصل ششم: تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی

در این فصل، در ادامه فصل پنجم، تحول فرهنگی به عنوان مهمترین راه رسیدن به خودبادی مطرح می‌شود. راهی که بدون آن، در هر شرایطی، رهایی از خودباختگی ناممکن است.

فصل هفتم: زمینه‌های لازم خودبادی و خودکفایی

در این فصل نکات مهمی که از لوازم «خودبادی و خودکفایی» می‌باشد، نظریه تعلیم و تربیت نیروی انسانی، توسعه تحقیقات و مراکز علمی، ثبات و امنیت، سیاست‌گذاریها و مانند آن، لحاظ شده است.

فصل هشتم: نتایج و دستاوردهای خودکفایی

معمولانه نتیجه و دستاورد هر امری، مهمترین مقصد و مقصود در یک حرکت می‌باشد و اساساً برای رسیدن به آن تمام برنامه‌ریزیها و... صورت می‌پذیرد. با این وجود پرداختن بیش از حد به توصیف آن، تقویت‌کننده اوهام و باعث فراموشی واقعیات عینی خواهد

د / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

بود. نظرات امام(س) در این خصوص در فصل هشتم آورده شده است.

۳. فهرست تفصیلی در پایان این مجموعه آورده شده که راهنمای مناسبی برای دسترسی به مطالب مورد نیاز محققین است.

۴. علاوه بر عنوانی و سرفصلهای مطالب این مجموعه، برای هر یک از قطعات منتخب نیز عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت آن از تنظیم‌کنندگان مجموعه است و باید به امام منتبه گردد.

۵. تاریخ صدور پیامها و سخنرانیها - بر مبنای صحیفه امام - در ذیل هر قطعه ذکر شده است و مشخصات کامل مأخذ بر اساس شماره مسلسل ذکر شده در پایان هر قطعه، در انتهای کتاب آورده شده است.

۶. در تنظیم قطعات منتخب داخلی هر یک از فصول و عنوانین فرعی ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف حضرت امام ملاک بوده، نه توالی منطقی مطالب. در پایان لازم می‌دانیم از آقایان: دکتر علی محمد حاضری و علی اکبر علیخانی که تهیه بخش عمده‌ای از مطالب مربوط به خودبازتگی و خودبازی حاصل تلاش آنان است و همچنین از برادران ارجمند محمدرضا قرایی و محمود دارینی که ما را در تنظیم و تدوین این مجموعه یاری رسانده‌اند تشکر و قدردانی نماییم.

تعاونت پژوهشی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

فصل اول

زمینه‌ها و علل خودباختگی و واپستگی

گمان به پیشرفت
غرب در همه علوم

ما از اروپاییان چنان وحشت کردیم که یکسره خود را باخته و علومی که خود در او تخصص داریم و اروپاییان تا هزار سال دیگر نیز به او نرسند به سستی تلقنی می‌کنیم کسی که منطق الشفاف و حکمة الاشراق و حکمت متعالیه صدرای شیرازی دارد به منطق و حکمت اروپاییان که باز در کلاس تهیه است چه احتیاج دارد اینها گمان کرده‌اند که اگر مملکتی در سیر طبیعی پیشرفت کرد در سیر حکمت الهی نیز پیشقدم است و این از اشتباهات بزرگ ماست و یکی از تبهکاریهای نویسنده‌گان مشرق اسلامی باید دانست.(۱)

* * *

خبانت زمامداران

همینکه اسم مستشار امریکایی روی یک کسی آمد دیگر برای او این زمامداران بیهوش و خودسر ما خطوا و اشتباه یا خیانت و دزدی قائل نمی‌شوند این بیدادگران خود پسند لغت عربی را که از فرهنگ خدا و دین اخذ شده و در عین حال با بهترین اسلوب و زیبایی توسعه‌ای بی‌پایان به فرهنگ ما داده به جرم آنکه به گفته اینان لغت اجنبی است از کشور می‌خواهند بیرون کنند لکن اختیار

یک کشور را به دست مشتی اجانب می‌گذارند و آن را با کمال
بسیاری قدم اصلاحی می‌دانند این را جز بی‌هوشی یا
خیانتکاری می‌توان نامید؟ (۲)

* * *

وقتی کشورهای استعمارگر با پیشرفت علمی و صنعتی یا به
حساب استعمار و غارت ملل آسیا و آفریقا، شروت و تجملاتی
فراهم آوردن، اینها خود را باختند. فکر کردن راه پیشرفت
صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند! همین که
آنها مثلاً به کره ماه رفتند، اینها خیال می‌کنند باید قوانین خود را
کنار بگذارند! رفتن به کره ماه چه ربطی دارد به قوانین اسلامی؟
مگر نمی‌بینند که کشورهایی با قوانین و نظامات اجتماعی متضاد
توانسته‌اند در پیشرفت صنعتی و علمی و تسخیر فضا با هم رقابت
کنند، و با هم پیش بروند. (۳)

* * *

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت داشتمد باشد؛
اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل
نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل
نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست
عمال سیاه خود، مدرسه^(۱) را کوپید. ما را می‌کوبند؛ شما ملت را
می‌کوبند. می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت
و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای

مرعوب شدن در
مقابل پیشرفت‌های
غرب

اسرائیل دشمن
استقلال کشور

۱. مدرسه "فیضیه" قم و مدرسه "طالبیه" تبریز که همزمان مورد پورش و حشیانه عمال شاه قرار گرفتند.

شروتی نباشد، ثروتها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکند.(۴)

۴۲/۳/۱۳

* * *

این شخص شاه است که اجانب بویژه امریکا را مسلط بر تمام شئون کشور کرده و مخازن آن را بیدریغ تقدیم آنان نموده و به آنها مصونیت داده و آنان را، حتی بر ارتش حکمفرما کرده است و ایران را مصرف کننده‌ای خاضع در برابر امریکا نموده است.(۵)

۵۷/۳/۲۰

* * *

[با] اصلاحات ارضی به هم خورد اوضاع دهقانها. و وقتی که به هم خورد اوضاع آنها، چاره نداشتند که رو بیاورند به شهرستانها. آمدند شهرستانها و این شد. وضع بیچاره‌ها اینطور شد. از آن طرف وضع زراعت ما به هم خورد. ایرانی که مرکز زراعت بود، شاید آذربایجان ایران بس بود برای ایران [و] باقی آن را باید صادر کنند، الان به اندازه یک ماه، سی روز یا سی و سه روز، آنهایی که اطلاعات دارند و حساب کردند می‌گویند ایران به اندازه سی و سه روزش برای خودش چیز دارد، باقی آن را باید از خارج بیاورند!(۶)

۵۷/۷/۲۱

شاه عامل نفی
استقلال کشور

اصلاحات ارضی،
ضد خودکفایی

* * *

ما یک دسته اشخاص رعیتی هستیم که می‌خواهیم خودمان روی زمین خودمان گندم یا جو بکاریم، و خودمان بخوریم. شمایی که آقای امریکا هستی و از آن طرف دنیا آمدی این طرف، دستت را گذاشته‌ای و همه مخازن ایران، مخازن نفت و مس و همه چیز، فولاد و همه چیز ایران را دارید می‌برید؛ شما دستت را بردار، ما خودمان اینها را هرجور دلمان می‌خواهد چه [اداره] می‌کنیم. می‌گوید: نمی‌توانید! خوب به تو چه؟ من عبایم را نمی‌توانم درست بپوشم، به شما چه ربط دارد؟ حالا شما بیایید عبای من را بگیرید، چون من نمی‌توانم عبایم را بپوشم؟ و حال آنکه دروغ می‌گویید؛ شما نمی‌گذارید. (۷)

استعمار،
مانع خودکفایی

۵۷/۷/۲۹

* * *

محتوای این «تمدن بزرگ» در ایران عبارت است از یک دسته عمله، یا به شکل عمله، به شکل - فرض کنید که - فرهنگی و عمل برای این اربابها، نفت را حمل کنند و بدنهند به حلقوم آقای کارت و رفقای او! عملگی کنند اینها یا یک قیمت کمی، یک اجر کمی و نفتها را حمل کنند برای آنها. سد هم می‌خواهند بسازند باید کارشناس بیاید، اوامر کند و نقشه به قول خودشان بکشد؛ برای نقشه کشیدنش چند میلیون دلار می‌گیرد که یک نقشه بدهد. یک شب بنشیند، یک نقشه‌ای می‌دهد - یا دو شب - آن وقت چند میلیون دلار او می‌گیرد! خوب ما چی؟ شما عملگی باید بکنید! مaha عملگی باید بکنیم، ما آجر باید حمل بکنیم! کاری دیگر از ما نمی‌آید. چرا نمی‌آید؟ برای اینکه ما فرهنگ نداشیم، ما نتوانستیم که خودمان سد خودمان

محتوای تمدن
بزرگ شاه،
وابستگی همه جانبه

زمینه‌ها و علل خودباختگی و وابستگی / ۷

را بسازیم.(۸)

۵۷/۸/۱۱

* * *

ما ارتشمان که با مستشارهای امریکا دارد اداره می‌شود،
پایگاههایی که در چندین جای مملکت ما درست شده است که
امریکایی‌ها درست کرده‌اند، نفتمن هم که دارند آنها می‌خورند،
گازمان هم که دارند شوروی‌ها می‌برند، ما الان همه چیزهایمان
مستقل و آزاد! و خود ایشان گفتند که لیست می‌فرستادند
امریکایی‌ها، از سفارتها لیست وکلا می‌آمد که شما اینها را باید
وکیل کنید! و چاره‌ای هم جز این نبود.(۹)

غارت و وابستگی
همه جانبه

۵۷/۸/۱۷

* * *

ارتش ما را در تحت حمایت خودشان قرار دادند که بر ضد ملت ما
قیام کند... . در ایران، پایگاههایی درست کردنده که مخالف با
استقلال ما بوده است.(۱۰)

ارتش وابسته،
مانعی علیه استقلال

۵۷/۹/۱۰

* * *

در سالهای طولانی، تبلیغات دامنه‌دار دولتهای شرق و غرب
موجب این شد که ملت‌های مسلم از آنان بازی بخورند و گمان کنند
که ترقیات این کشورهای ضعیف در گرایش به یکی از این دو
ابرقدرت است؛ لکن به هر طرف که تمایل پیدا کردند بعد از مدتی
فهمیدند که آنها جز اسیر کردن اینها و بردن خزاین و غارت کردن

گمان کرده‌اند
گرایش به قدرتها
عامل ترقی است

۸ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

مخازن آنها کار دیگری نمی‌کنند. (۱۱)

۵۷/۱۰/۱۹

* * *

شما ملاحظه می‌کنید که وضع زراعت ما، که یکی از چیزهای بزرگ مملکت است و اقتصاد مملکت ما بسته به اوست، اینها به اسم «اصلاحات ارضی» از بین بردن و آن کشاورزی شما ورشکسته است و شما محتاجید به اینکه از خارج همه چیزها را بیاورید. (۱۲)

اصلاحات ارضی
زمینه‌ساز و استگی
کشاورزی

۵۷/۱۱/۲۰

* * *

اینها^(۱) همه متعهدند، همه مسلمانند، لکن ضعیف‌النفسند! می‌ترسند که مبادا یک وقت میهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست وزیری و آنجا بینند که یک [محیط] محرقی است؛ باید حتماً به فرم غرب باشد؟! (۱۳)

ضعف نفس
در مقابل غرب

۵۷/۱۲/۱۵

* * *

مسئله این است که اینها می‌خواهند که آرامش در ایران پیدا نشود، کاری انجام گرفته نشود. وقتی آرامش نشد و کار برای مردم انجام گرفته نشد، شلوغ می‌شود. وقتی شلوغ شد، آنها به مقاصد خودشان می‌رسند؛ آنایی که اینها را مأمور کردند برای اینکه آن

۱. اشاره به اعضای دولت مؤقت.

کارها را بکنند به مقصد خودشان می‌رسند. والا خانه‌سازی برای مستضعفین و برای مردم کارمند و کارگر و سایر مردم یک چیز بدی هست؟! یک چیزی مخالف با - مثلاً - مصلحت ملت است یا نه، این موافق مصلحت ملت است؟! این را می‌خواهند جلوگیری بکنند. یا کشاورزی؛ آیا کشاورزی برای مملکت ما یک چیزی مضری است که اینها می‌روند نمی‌گذارند بشود؟ یا کار کردن در کارخانه‌ها؛ راه افتادن کارخانه‌ها، این مضر است به حال ملت؟! اینها می‌خواهند آشوب کنند و دنبال این آشوب - شاید - به فکر این باشند که اگر آشوب کردند، در خارج دولتها یکی که می‌خواهند ما را بچاپند، در خارج منعکس کنند که ایران خودش را نمی‌تواند اداره کند، یکی باید برود اداره‌اش کند! یک کوکتا بکنند و همان مسائل را با یک وضع بدتر از سابق پیش بیاورند و ما باز در سالهای طولانی دیگر - تا خدا می‌داند چه وقت - باز زیر همان چیزهایی که پیشتر بوده، باشیم. (۱۴)

آشوب و اغتشاش،
تهدیدی علیه
استقلال کشور

۵۸/۲/۳۱

* * *

هی دم از غرب چقدر می‌زنید! چقدر میان تهی شدید! باید احکام اسلام را با احکام غرب بسنجدیم! چه غلطی است! (۱۵)

سنجرش احکام اسلام
با ملاک‌های غرب

۵۸/۳/۱۵

* * *

حالا باید با همت شماها، با همت همه، من که طلبه‌ای هستم آنقدری که می‌توانم، شماها که بحمدالله قدرتمند هستیم، آنقدری که در قدرتتان هست، کم‌کاری نکنید. بی‌کار نباشید، کار بکنید که

کم‌کاری، مقدمه
نفی خودکفایی

مملکتتان که الان برای خودتان است و از دست غیر نجات پیدا
کرده است، مبادا یکوقتی کمک کاری بشود و ما نتوانیم، شما نتوانید
مملکتتان را اداره بکنید. بعد بگویند اینها احتیاج به قیم
دارند؛ احتیاج به این دارند که یک کسی دیگر باید اداره کند
مملکتشان را. (۱۶)

۵۸/۴/۴

* * *

به هر حال از چیزهای مهمی که در این باب بوده همین قضیه مواد
مخدر بود که با حساب مواد مخدره می‌آید، نه این است که یک
قاچاقچی این کار را می‌کند، یا قاچاقچیهایی؛ خیر، اینها حساب
دارد، اینها روی حساب فهمیدند دانشگاه را باید چه طوری
نگذارند عمل بکند؛ مدارس علمی را باید چه جوری نگذارند کار
بکند - عرض می‌کنم که - جوانها را چه جوری باید نگذارند که
مفید برای جامعه باشند نگذارند رشد بکنند. یک قسمش هم
همین است که با اعتیاد، با هروئین و با تریاک و با امثال ذلك این
کارها را رواج بدھند. اینها یک مسائل حساب شده است؛ شما
اینها را پای چهار تا قاچاقچی حساب نکنید. این «قاچاقچی
بزرگها» این کارها را می‌کنند؛ این دستهای خارجی دارد این کارها
را می‌کند. اینطور نیست که این مفسدۀ هایی که الان در ایران دارد
می‌شود مثلاً شما این را پای یک جمعیتی حساب بکنید که
شلوغکارند؛ نخیر این روی حساب صحیح [و] دقیق پیش
خودشان حساب شده است که باید این مملکت که بناست
اسلامی بشود، و اگر ان شاء الله اسلامی بشود، دست اینها دیگر تا
آخر کوتاه است، نه به نفتش می‌توانند دست بزنند و نه به مس اش

مواد مخدر،
برنامه‌ای حساب
شده علیه استقلال
کشور

می‌توانند و نه به سایر چیزهایش.

اینها می‌خواهند که نگذارند این نهضت به آخر برسد.(۱۷)

۵۸/۴/۱۲

* * *

در طول پنجاه و چند سال رژیم پهلوی کوشش شده است که مملکت ما را از هر جهت عقب بزنند.

از جهت نیروی انسانی که از همه بالاتر است که الآن باید بگردید شما، در سی و پنج میلیون جمعیت بگردید، این طرف و آن طرف، چند نفر پیدا کنید که دولت تشکیل بدهند. یک نفر بخواهید پیدا کنید رئیس جمهور بشود، باید شمع بردارید و دور همه جا بگردید و آیا چه بکنید. اینها نیروی انسانی را بکلی نه به باد دادند، منحرف کردند. یک وقت این است که نیروی انسانی به باد داده شده، یک وقت یک نیروی مقابل با نیروی انسانی درست کرده‌اند! یعنی انسانی که باید متکی به خودش باشد، متکی به ملتش باشد، متکی به عقایدش باشد، این را متحول کردند به یک نیرویی که متکی به غرب است؛ به یک نیرویی که خودش را از دست داده، به خیال خودش، خودش هیچ نیست؛ هر چه هست خارجی‌ها هستند. نه اینکه نیرو را ما از دست داده‌ایم، نیروی مضاد با نیرویی که ما باید داشته باشیم به جای آن نیرو نشسته. درست یک انسانی که باید متکی به خودش باشد و به فرهنگ خودش باشد و به رژیم خودش، این را متحولش کردند به یک آدمی که بدین شده است راجع به فرهنگ خودش؛ راجع به نیروی ملت خودش؛ راجع به همه اینها بدین شده است؛ خودش را از دست داده و به جای یک انسان شرقی، یک آدم

ایجاد بدینی و
خودباختگی در
نیروی انسانی

۱۲ / خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

غربی است.(۱۸)

۵۸/۴/۲۱

* * *

این مصیبت بزرگی که بر ایران و ممالک شرقی، مطلقاً، وارد شده است که گوششان به این است که غربیها چه می‌کنند و چه می‌گویند و چه عمل می‌کنند، و خودشان را از دست بكلی داده‌اند. استقلال فکری خودشان را، محتوای خودشان را، از دست داده‌اند. این ضرری است که بالاتر از ضرر نفت - و نمی‌دانم امثال این - است. این را باید فرهنگ جبران بکند که فرهنگ ما طوری باشد که بعد از ان‌شاء‌الله چند سال دیگر افرادی که از فرهنگ بیرون می‌آیند یک افرادی متکی به نفس که خودشان را ببینند؛ نه تبع ببینند؛ نه دنباله ببینند؛ و گمان کنند که هر چه آنها کردند، ما باید دنبال آنها باشیم. باید مملکت خودشان را و خودشان را مستقل ببینند، و خودشان اداره بکنند مملکتشان را. خودشان با استقلال فکری خودشان، دنبال مملکت و مصالح مملکت باشند.(۱۹)

فرهنگ وابسته،
ضداستقلال و
خودکفایی

۵۸/۴/۲۳

* * *

اسلام هم وقتی می‌خواهند بشناسند، با حرفهای اروپاییها می‌شناسند. حرفهای غربیها را می‌آورند. فلان غربی اسلام‌شناس! اسلامی که غربی‌ها برای ما معرفی می‌کنند! این برای این است که ما خودمان را باخته‌ایم در مقابل غرب، شرق خودش را باخته است. تا این باختگی بیرون نیاید، تا محتوای خودش را پیدا

اسلام‌شناسی
به سبک غربی

نکند، نمی‌تواند مستقل باشد.

استقلال نظامی یک مسئله است؛ استقلال فکری، استقلال روحی، مغز خود آدم مال خودش باشد، همه‌اش توی آن غرب نباشد، هر چه می‌خواهد بگویید: غرب، کی گفته، فلان فیلسوف گفته، فلان چه گفته، این تا شرقیها آن حیثیتی که خودشان داشتند - و یک وقتی قبله همه جا بودند. آن وقتی که آنها وحشی بودند، اینها قبله بودند برای آنها. (۲۰)

۵۸/۶/۱۰

* * *

دردی که برای ملت ما پیش آمد و الآن به حال یک مرض، یک مرض مُرْمن، تقریباً هست، این است که کوشش کرده‌اند غریبها که ما را از خودمان بی‌خود کنند؛ ما را میان تهی کنند؛ به ما این طور بفهمانند، و فهمانندن، که خودتان هیچ نیستید، و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید. آتانورک - در ترکیه من مجسمه او را دیدم - دستش این طور بالا بود. گفتند او دست را بالا گرفته رو به غرب که باید همه چیز ما غربی بشود! یکی از اشخاصی که در زمان رضاشاه و بعد از رضاشاه هم بود و معروف هم بود - حالا من میل ندارم اسمش را ببرم - اولش هم معتم بود، و بعد هم مُکَلا، و بعد هم در «سنا» و اینها راه داشت آن هم گفته بود که همه چیز ما باید انگلیسی بشود! این طور نقشه بوده است، این طور طرح بوده است، که ما را از خودمان بی‌خبر کنند و تهی کنند و به جای او یک موجود غربی درست کنند. طوری باشد که ما اسم مدرسه هم وقتی بگذاریم یکی از اسمایی که غربی‌ها دارند بگذاریم. اسم خیابانهایمان هم به اسماء غربی‌ها نامگذاری

ما خودمان را گم
کرده‌ایم

بشود. دواخانه‌ها و مؤسساتمان هم با آن اسماء. اگر بخواهند خیلی برایش احترام قائل بشوند، آن اسماء را داشته باشد! کتابهایی که در این نیم قرن نوشته شده است، استشهاد صاحب کتابها همه به حرفهای غربی‌ها هست. اگر یک مطلبی را می‌خواهند بگویند، دنبالش می‌گویند این را هم گفته است، و یکی از فلاسفهٔ غرب را اسم می‌برند. هم آنهایی که کتاب می‌نویسند از خودشان بی‌خبر شده‌اند، و هم ماهما و مردم از خودمان تهی شده‌ایم و به جای یک موجود شرقی اسلامی، یک موجود غربی بر ما تحمیل شد خودمان را گم کرده‌ایم؛ و به جای مغز شرقی، مغز غربی نشسته است. تا استشهاد به آنها نباشد، مشتری کم می‌شود. کتابها بخواهند مشتری زیاد داشته باشند، مؤسسه‌ها بخواهند زیاد مشتری داشته باشند، دواخانه‌ها بخواهند که زیاد به آنها توجه بشود، اسماء غرب را باید بگذارند رویش تا اینکه مشتری پیدا بکنند. استشهاد به کلام غربی‌ها بشود تا اینکه مردم توجه به کتاب پیدا کنند. این یک مرضی است در شرق، یک مرضی است. که تا این مرض هست شرق نمی‌تواند صحیح باشد. تا این مرض هست، شرق؛ انگل است؛ تَیَّع است. تا ما یکیمان مریض می‌شود، فوراً راه می‌افتد به انگلستان، به فرانسه، به امریکا.

در زمان محمدرضا، در ذهنم این است که یک لُوزهای می‌خواستند، یکی از این بچه‌های آنها بود - حالا درست یادم نیست - لُوزَتَیْن را می‌خواست عمل کند. می‌گفتند از خارج باید بیاید. نه اینکه اینجا طبیب نبود؛ طبیب بود؛ لکن هم طبیب و هم آن که محتاج به طبیب است از خودشان بی‌خبر بودند؛ خودشان را نمی‌شناختند؛ هر چه می‌شناختند غرب را می‌شناختند. الان هم

هر که مریض می‌شود، در عین حالی که در اینجا طبیب متخصص هم هست، همان طبیب متخصص هم که این معنا را می‌تواند عمل بکند، لکن از باب اینکه مغزش غربی شده است، می‌گوید ببرید او را انگلستان.

چند روز، چند وقت پیش از این، چند تا از اطبای اینجا بودند و من راجع به همین مسائل که خوب، چه شده است که - من این طور می‌گفتم - نگذاشتند طبیب پیدا بشود در ایران و از این جهت است که می‌برند به خارج. او می‌گفت که نه، ما طبیب هستیم. اینها را هم که به خارج می‌برند، در خارج هم اطبای ایرانی زیاد هستند و بسیاری از اینها را هم، همان اطبای ایرانی معالجه می‌کنند! گفتم خوب، بدتر! برای اینکه شما حالا طوری شده‌اید که دیگر خودتان هم نمی‌توانید خودتان را بفهمید؛ خودتان را گم کردید؛ به جای خودتان یک موجود غربی نشسته است. فلاسفه غرب آن هم محتاج به این هستند که از فلاسفه شرق یاد بگیرند. کتابهای ابوعلی‌الآن هم، من گمان می‌کنم تا چند وقت پیش از این و الآن هم هم همین‌طور، مورد استفاده اطبای غرب است. قانون بوعالی رسماً تدریس می‌شده آنجا؛ استفاده از آن می‌شده. لکن این تحفه شرقی رفته غرب، غرب از آن استفاده کرد و ما خودمان گم کرده‌ایم خودمان را، بوعالی را نمی‌شناسیم. (۲۱)

۵۸/۶/۱۲

* * *

تمام توجه‌های به عالم طبیعت ظلمت است. همه غربزدگیها ظلمت است. اینهایی که توجهشان به غرب است، توجهشان به اجانب است، قبله‌شان غرب است، رو به غرب توجه دارند، اینها

ظلمت بودن
غربزدگی

در ظلمات فرو رفته‌اند؛ اولیايشان هم طاغوت است.
ملتهای شرقی که به واسطه تبلیغات داخل و خارج، به واسطه
تعلیمات عمال داخلی و خارجی، رو به غرب آورده‌اند و قبله
آمالشان غرب است و خودشان را باخته‌اند و نمی‌شناسند
خودشان را، مأثیر و مفاسِر خودشان را گم کرده‌اند و خودشان را
باخته‌اند و گم کرده‌اند و به جای آنها یک مغز غربی نشسته است،
اینها اولیايشان طاغوت است؛ و از نور به ظلمات وارد شده‌اند. و
همه بدبختیهای شرقیها هم، از آن جمله ماها، همه گرفتاریهای ما و
بدبختیهای ما هم، همین است که خودمان را گم کردیم، یک کس
دیگر به جای ما نشسته است ولهذا می‌بینید که هر چیزی که در
ایران هست تا یک اسم غربی نداشته باشد رواج ندارد. داروخانه
هم باید اسم غربی داشته باشد. کارخانه‌های ما هم که پارچه
می‌بافند باید آن حاشیه‌اش خط غربی باشد؛ اسم غربی هم رویش
بگذارند. خیابانهایمان هم باید یک اسم غربی داشته باشد. همه
چیزمان باید رنگ غربی داشته باشد. کتاب هم که می‌نویسند
همین کتاب‌نویسها، همین روشنفکرها، بعضی‌شان کتاب هم که
می‌نویسند، یا یک اسم غربی روی آن می‌گذارند؛ یا مطالب را
وقتی ذکر می‌کنند، استشهاد می‌کنند به قول یک نفر غربی. عیوب
هم این است که هم آنها غریزده هستند، و هم ماها! اگر کتابها آن
اسمها را نداشته باشد، اگر فاستونی آن اسم را نداشته باشد، اگر
دواخانه آن اسم را نداشته باشد، کمتر به آن توجه می‌شود. وقتی
به کتاب زیاد توجه می‌شود که از اول که انسان وارد می‌شود هی
اصطلاح غربی ببیند؛ هی الفاظ غربی ببیند. الفاظ خودشان را
فراموش کنند؛ لغت خودشان را فراموش کنند؛ مفاسِر خودشان را
بکلی فراموش کرده‌اند؛ دفن کرده‌اند؛ و به جای آن دیگران را

نشانده‌اند. اینها همه ظلمتهاي است که طاغوت ما را از نور به اين ظلمتها وارد کرده است.

همين طاغوت زمانهای اخیر، زمانهای ما، همینها، دامن زدند به اين غربزدگی. هر چيزی را به غرب نسبت داده‌اند. هر مطلبی را از غرب گرفته‌اند. هر مفْخری را از غرب گرفتند و به خورد ما دادند. دانشگاههای ما هم در آن زمان دانشگاههای غربی بود. اقتصادمان هم غربی؛ فرهنگمان هم غربی. اصل خودمان را بكلی از ياد برديم؛ و به جاي خودمان يك موجود غربی نشانديم. به مجرد اينکه يك کسی مريض می‌شود، می‌گويند باید برود انگلستان، باید بروд اروپا، با اينکه اطبا اينجا هم هست.(۲۲)

۵۸/۶/۱۷

* * *

در آن زمانِ جوانی، من يادم هست که چشم من ضعیف شد، که الآن هم ضعیف هست. و در آن وقت امین‌الملک - خداوند رحمتش کند - طبیب چشم بود. من رفتم تهران برای اينکه چشم را معالجه کنم. يك کسی که با ما آشنا و با او آشنا بود گفت برویم پیش امین‌الملک. و ایشان نقل کرد - آن آقا نقل کرد - که فلان‌الدوله چشمش [ضعیف] شده بود، رفته بود اروپا پیش اطبای آنجا. آنجا پیش آن طبیبی که رفته بود، پروفسوری که رفته بود، گفته بود که اهل کجا هستی؟ اهل ایران، تهران. گفته بود مگر امین‌الملک نیست آنجا؟ گفته بود یا هست، یا نمی‌شناسیم. آن طور که آن آقا نقل می‌کرد، گفته بود امین‌الملک از - مثل اينکه همچو چیزی از ما بهتر است. طبیب خوب داریم، لكن مغزهایمان مغزهای غربی شده است، خود طبیبها هم همین طورند. خودشان هم وقتی پیش

هیچ انگاشتن خود

خودشان بروید می‌گویند دیگر باید بروی اروپا. برای اینکه خودشان هم مغزشان این طوری شده، خودشان را گم کرده‌اند. قدرت را از دست داده‌اند. حیثیت [و] مليت خودشان را از دست داده‌اند؛ و [از] دست داده‌ایم همه‌مان.

تا این ملت از این غربزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی‌کند. تا این نویسنده‌های ما کتابهایشان به این وضع است که هر مطلبی که مال خود ما هم هست وقتی بخواهند بیان بکنند استشهاد به قول فلاں خارجی می‌کنند، فلاں غربی می‌کنند، تا از این واپسگی شماها در نیاید، استقلال پیدا نمی‌کنید. تا این خانمها - شما را نمی‌گوییم. شما توده هستید، آن خانمها را می‌گوییم - تا اینها توجهشان به این است که فلاں چیز باید، فلاں مد [باید] از غرب به اینجا بیاید، فلاں زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می‌شود اینجا هم تقلید می‌کنند، تا از این تقلید بیرون نیاید، نه می‌توانید آدم باشید؛ و نه می‌توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید. تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال را نکنید. تا این نویسنده‌های ما، نویسنده‌گان ما، همهٔ حرفهایشان غربی است، این را دست از آن برندارند، امید نداشته باشند که ملتشان مستقل بشود. تا این اسمهایی که در خیابانها و در داروخانه‌ها و در کتابها و در پارچه‌ها و در همهٔ چیزتان، فقط مساجد است که اسماء خارجی را ندارند! آن هم برای اینکه روحانیون تا حالا به حسب نوعشان آن جور نشده‌اند؛ و الا همهٔ چیز باید یک اسم غربی داشته باشد. هم آنهایی که می‌نویسنند اسم غربی می‌گذارند؛ هم شما که می‌خواهید بخوانید. آنهایی که می‌خواهند بخوانند تا یک

اسم آن طور نباشد به آن اقبال نمی‌کنند. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤْهُمُ
الطَّاغُوتِ^(۱) آنهایی که کافر هستند، کفران نعمت خدا را می‌کنند؛
مستور است واقعیات پیش آنها، در سطح و در تیرگی هستند، که
اینها اولیاًیشان طاغوت است. کار طاغوت چیست؟ يُخْرِجُهُمْ مِنَ
النُّورِ إِلَى الظُّلْمَاتِ^(۲) از نور، از نور مطلق، از هدایت، از استقلال،
از ملیت، از اسلامیت، اینها را بیرون می‌کند و وارد می‌کند در
ظلمتها. در این ظلمات اینها را وارد می‌کنند.

ماها الآن خودمان را گم کردیم، مفاخر خودمان را الآن گم
کردیم. مَآثِرُ خودمان را گم کردیم. تا این گم شده پیدا نشود، شما
مستقل نمی‌شوید، بگردید پیدایش کنید، بگردید شرق را پیدا
کنید. تا ما این طور هستیم، تا نویسنده‌های ما آن طور است، تا
روشنفکرهای ما آن طور فکر می‌کنند، تا آزادیخواهان ما آن طور
آزادی غربی را می‌خواهند، همین است که هست.^(۲۳)

۵۸/۶/۱۷

* * *

اگر ما این واپستگیهای معنوی را، این واپستگیهایی که جوانهای ما
را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود،
اینها را اگر برگرداندیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را،
می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به
غیر نداشته باشیم، و خودمان سرپای خودمان بایستیم و کارهای
خودمان را خودمان انجام بدھیم، و اما اگر چنانچه از این معنا

غربزدگی مانع
استقلال کشور

۱ و ۲. اشاره به آیه ۲۵۷ از سوره بقره.

غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا
باشد، امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد
فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست.
بر همه ماست که از این غربزدگی بیرون بیاییم؛ افکارمان را
عوض بکنیم، اعمالمان را عوض بکنیم، وضعیت فرهنگمان
عوض بشود. (۲۴)

۵۸/۶/۲۲

* * *

آقایان در محیط خودشان، شما در محیط خودتان، این شغلی که
آدمسازی است، آدمسازی کنید.

متبدل کنید این جوانهایی که متوجه شدنده که هر چه هست از
بیرون می‌آید برای ما. از بیرون می‌آید، اما آنها می‌آید که تباه
می‌کند ما را. آنها هیچ وقت یک مطلبی که برای ما فایده داشته
باشد، هیچ وقت این را به ما نمی‌دهند. آنها هر کاری بکنند یک
کاری انجام می‌دهند که برای ما مفید نباشد، یا مضر باشد. باید در
فرهنگ توجه به آن داشته باشید، و کوشش بشود که خودتان را
پیدا کنید. ما گم کردیم خودمان را. ما تمام مفاخر شرقی را کنار
گذاشتیم، و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب. آن هم نه آنی که آنها
دارند؛ آنی که به ما می‌دهند. اگر آنی بود که آنها داشتند، بسیار
خوب، آنها هم در جهات طبیعی جلو هستند. اما آنی که به ما
تحویل می‌دهند، آن مستشاری که می‌آید اینجا می‌خواهد فرض
کنید فرهنگ ما را درست کند، این نمی‌خواهد برای ما فرهنگ
درست کند؛ این می‌خواهد یک فرهنگ غربی برای ما درست کند
که در خدمت غرب باشد و آن هم مستشاری که می‌آید نظامی را

غريبها مطلب مفيد
به ما نمی دهند

می خواهد درست کند آن هم نه یک نظامی می خواهد درست کند که در خدمت اسلام باشد، در خدمت مسلمین، در خدمت ملت باشد. آن می خواهد یک چیزی درست بکند که اگر همه چیز ما را هم بردند، یا مؤید باشد، یا کار نداشته باشد. هر چه از غرب برای ما می آید، یا از شرق می آید که سوغات برای ما می آورند، آنهایی است که ما را تباہ کرده است و می کند. (۲۵)

۵۸/۶/۲۸

* * *

این معنا، که با تبلیغات به ما تحمیل شده -تبلیغات دامنه‌داری که در چند قرن کردند و اخیراً زیاد شده است - که خودتان هیچ چیز نیستید، و هر چه هست آن شرق و غرب است. به جوانهای ما این را تحمیل کردند.

این جوانهای ما، این جوانهای گول خورده ما، خودشان را گم کردند. الان خودشان، خودشان نیستند. مغز اینها شده یک مغز شرقی یا یک مغز غربی. بیش از این نمی‌توانند ادراک کنند، نمی‌توانند بفهمند، که ما هم خودمان کشوری هستیم؛ و ما هم خودمان باید استقلالی داشته باشیم؛ و ما خودمان هم فرهنگی باید داشته باشیم؛ و فرهنگ ما فرهنگ غنی است، نمی‌توانند اینها ادراک کنند. و این برای این است که این قدر از بچه‌این‌قدرتی که توی جامعه آمده است، در ظرف این ۵۰ سال پنجاه و چند سالی و که ما شاهدش بودیم، این بچه کوچک تا آن آخر، تمام تعلیم و تربیتش، تعلیم و تربیت فرهنگ خارجی بوده. فرهنگ از خودمان نبوده، تعلیم و تربیت این بوده، وابستگی بوده. مغزهای این بچه‌های ما را از کوچکی وابسته تربیت کرده‌اند، تا رسیده‌اند به

تعلیم و تربیت ما،
وابسته بوده است

جوانها که حالا می‌بینید که همین جوانها نمی‌توانند تفکر کنند که ما خودمان آدمیم. می‌گویند حتماً باید یا وابسته به مثلاً فلان مملکت باشیم، یا وابسته به فلان مملکت. (۲۶)

۵۸/۶/۲۸

* * *

بالاتر فاجعه‌ای که برای این ملت اتفاق افتاده است در این ظرفهای طولانی، این است که فکرشان عوض شده است. یک فکر غربی شده است فکرشان، توجهشان، همه به این است که ما خودمان چیزی نداریم، از خارج باید بیاید. اینها باید علاج بشود، به آنها فهمانده بشود که ما خودمان همه چیز داریم، غرب به ما محتاج است، نه ما به او. این احتیاج است که آنها را وادار می‌کند که با همه قوا طرفداری از محمد رضا بکنند، برای اینکه می‌بینند محتاج به او هستند، محتاج به این هستند که به این مملکت تسلط پیدا بکنند و از ذخایر این مملکت ببرند. مملکت ما یک مملکت غنی‌ای است، یک مملکتی است که همه چیز خودش را می‌تواند اداره بکند. وسعتش وسعتی است که برای - از قراری که احتمال می‌دهند - برای صد و پنجاه میلیون جمعیت کافی است و ذخایرش ذخایر بسیار ارزنده است و امیدوارم که ذخایر انسانی اش هم رشد پیدا بکند و انسانها انسانهای رشید بشوند. آنهایی که، خواهرهایی که تاکنون داخل در مسائل روز نبودند داخل بشوند، قشرهایی که فکر نمی‌کردند در این امور به فکر بیفتدند. اشخاصی که با قلم و قدم خودشان غربی فکر می‌کردند و دعوت به غرب می‌کردند به خود بیایند و دعوت بکنند به آن چیزهایی که ما داریم. ما همه چیز داریم. فرهنگ ما فرهنگ غنی است. مملکت ما مملکت غنی

خودکم‌بینی و عدم
باور خود

است. مُنتها نگذاشتند که این امور تحقق پیدا بکند.(۲۷)

۵۸/۶/۲۹

* * *

اگر چنانچه ما احتیاج داشته باشیم در ارزاقمان به خارج، این وابستگی برای ما اسباب این می‌شود که در امور سیاسی هم وابسته باشیم. و ما باید وابستگیمان را از اجانب و غرب و شرق قطع کنیم. اگر ما بخواهیم که مملکتمان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است، خودمان فعالیت کنیم، و ننشینیم دیگران انجام بدھند.(۲۸)

۵۸/۸/۶

وابستگی سیاسی،
نتیجه عدم
خودکفایی

* * *

حالا چه شده است که ما حالا باید بعد از اینکه تمدن از شرق طرف غرب رفت، شرق تمدن را صادر کرده به غرب، حالا ما به واسطه یک کارهای ناشایسته‌ای باید عقب‌افتداده باشیم و دستمان را طرف غرب دراز کنیم.

باید شرق سر جای خودش بایستد و خودش را بیابد. تبلیغات زیاد، اسباب این شده است که شرق خودش را گم کرده، ما خودمان را گم کردیم. هر چیز را صحبت می‌شود، می‌گوید باید شما ببینید. اسمائی که در اینجا متعارف بود، می‌گذاشتند، داروخانه باید اسمش اروپایی باشد؛ خیابان هم باید اسم یکی از اروپاییها یا امریکاییها تویش باشد. هر جا می‌رفتی باید این باشد. اجناس هم که درست می‌کردند، خود ایران جنس می‌بافت، بعد

دیگران به ما
فرهنگ نمی‌دهند

آن کنارش باید خط انگلیسی باشد، یا خط لاتین باشد، تا بگویند از انگلستان آمده است این! گم کردیم ما خودمان را. باید پیدا کنیم خودمان را، باید از همه این خیابانها، از همه این داروخانه‌ها، از همه این مؤسسات، این اسماء نحس، خارجیها زدوده بشود. چیزهایی که مربوط به رژیم خارج است، طاغوتی است، تمام اینها باید زدوده بشود. تا اینکه کم کم افکار متوجه خودمان بشود که ما خودمان دارا هستیم؛ و فرهنگ دارد شرق؛ فرهنگ غنی دارد. کسی که فرهنگ غنی دارد چرا برود سراغ دیگران و از دیگران بخواهد فرهنگ را بگیرد؟ و دیگران هم به ما فرهنگ نمی‌دهند. نافرهنگی می‌دهند! دیگران به ما نخواهند یک مطلبی که به درد ما بخورد به ما بدهند. آنها چیزهایی که به درد خودشان نمی‌خورد به ما می‌دهند. شواهد زیاد است در اینکه هر چه به درد خودشان نمی‌خورده است اینجا فرستادند، در صورتی که آن چیزها ممکن است تباہ کند ما را. (۲۹)

۵۸/۸/۶

* * *

باید ما، نه ما تنها، شرق باید، شرق که خودش را که گم کرده پیدا کند. اینها با تبلیغات خودشان ما را همچو به غرب برگردانند و غریزده کردنده که همه چیز خودمان، همه مفاخر خودمان، یادمان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قائل نیستیم. همین چند روز پیش از این یک آقایی - که من نمی‌شناسم - آمد اینجا نشست همچو تُند تُند هی شروع کرد گفتن که آقا ما محتاجیم به آنها، ما محتاجیم به آنها، ما از آنها همه چیز باید بگیریم! من اصلاً جوابش را ندادم. یک همچو مغزهایی است! ما تا نفهمیم که محتاج به آنها نیستیم،

خيال می‌کنیم همه
چیز از غرب است

نفهمیم که آنها محتاج به ما هستند نه ما محتاج به آنها، نمی‌توانیم اصلاح بشویم. شرق همه چیز دارد. فرهنگ از فرهنگ غرب بهتر است، فرهنگ غرب از شرق رفته است، همه چیزش از غرب بهتر است، فقط تهییش کردن از خودش. فقط تبلیغات دامنه‌داری که به وسیله نوکرهای اینها - که الآن هم موجودند در مملکت ما، الآن هم با صورتهای مختلف در مملکت ما موجودند، و مع الأسف اشخاصی دامن می‌زنند به اینکه اینها را بزرگ کنند ما را از خودمان تهیی کردنده به طوری که ما خیال می‌کنیم هر چیز که هست از آنجاست. ما تا خودمان را پیدا نکنیم، تا شرق خودش را پیدا نکند، تا این گمشده پیدا نشود، نمی‌توانیم سرپای خودمان بایستیم. باید از مغزهای ما اسم «عرب» زدوده بشود.^(۳۰)

۵۸/۸/۷

* * *

شرق باید درِ غرب را بیندد؛ در غرب را به روی خودش بیندد. تا غرب راه به اینجا دارد، شما به استقلال خودتان نمی‌رسید. و تا این غریزده‌هایی که در همه جا موجودند از این مملکت نرونده یا اصلاح نشوند، شما به استقلال نخواهید رسید. اینها نمی‌گذارند، ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سرپای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم.

غیر مفید بودن
مرسولات غربی

غرب به ما یک چیزی که مفید به حال ما باشد نخواهد داد و نداده است. غرب هر چه به این طرف فرستاده آنهاهای بوده که برای خودش مفید نبوده است؛ حالا مُضرّ به حال ما باشد یا نباشد مطرح نیست.

من این را مکرر گفته‌ام، و از بس متاثر شده‌ام این را باز مکرر

می‌کنم، که در چند روز پیش از این، چند وقت پیش از این، در مجله، در روزنامه، خواندم که دواهایی که در امریکا قدغن شده است که استعمال بکنند آنجا لکن مجازند که به دنیا ثالث بفرستند! شما ببینید با ما اینها چه نظری به ما می‌کنند! ما را مثل یک موجود زنده شاید فرض نمی‌کنند! والله برای هر موجود زنده، انسان اینطور حاضر نیست که یک دوایی که مُضر است بفرستد و به حیوان بدهد. شما ببینید که ما با چه موجوداتی مقابله هستیم! با چه موجودات کثیفی در امریکا ما مواجه هستیم. امریکا و - ملت را نمی‌گوییم، دولت را می‌گوییم - دولتهای ابرقدرت با ما چه معامله می‌کنند. و ما باز خاضع آنها هستیم! باز برای آنها کار می‌کنیم. (۳۱)

۵۸/۸/۷

* * *

خوب پیش هم هی می‌گفتند نمی‌شود با این قدرتها، نمی‌شود با این قدرتها درافتاد، بباید بسازیم، بباید بسازیم. لکن شما دیدید وقتی ملت خواست، شد. وقتی یک ملتی یک چیزی را می‌خواهد، می‌شود، خدا همراهش است. همان طوری که آنوقت می‌گفتند نمی‌شود این قدرت را به هم زد، و شما عمل کردید و شد، حالا هم که می‌گویند ما نمی‌توانیم مثلاً خودکفا بشویم راجع به چیزها. نخیر، می‌توانیم، و باید همت کنیم و بشویم. (۳۲)

۵۸/۸/۱۱

تبليغات دشمنان
عليه خودکفایی

مع الأسف در بین خود جمیعتهای اسلامی، جمیعت شرقی، در مملکت ما، در مملکت شما، موجودهایی هستند که یا باورشان

اسلام را گم کرده‌ایم

آمده است حرفهای اینها را، که [باید] آدم بگوید اینها بسیار عقب مانده‌اند از حیث افکار. یا باورشان نیست، لکن برای آنها کار می‌کنند که باید بگوییم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می‌خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می‌شود، آنها در بطن جامعه خودشان طرح می‌کنند و می‌گویند، همان طوری که مطبوعات امریکا مطبوعاتی [است] که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، همان مطالبی را که آنها می‌نویسنند، نویسنده‌های ما بعضی‌شان، و گوینده‌های ما بعضی‌شان همان مسائل [را می‌نویسنند]. در ممالک شما هم هست.

ممالک شرق، ممالک اسلامی، تا اسلام را نیابند، نمی‌توانند زندگی شرافتمدانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند. اسلام از دستشان فرار کرده بود. ما الان اسلام را نمی‌دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها، که اسلام را ماگُمَش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید نمی‌توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز، که کعبه معظمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال، گرفته تا آخر بلاد مسلمین، اسلام گُم است پیششان، نمی‌دانند چیست. و لهذا مسلمین جمع می‌شوند در مکه معظمه، در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین، اجتماع معنوی مسلمین جمع می‌شوند و نمی‌دانند چه می‌کنند؛ استفاده اسلامی از آن نمی‌کنند. یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلاً غفلت از همه مسائل مسلمین [است]. باید اسلام را پیداکش کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال

خودشان را پیدا بکنند، ولی مع الأسف ما گم کردیم اسلام را. آن
اسلامی که الآن دست ماست که بکلی از سیاست جدایش کردن؛
سرش را بریدند. آن چیزی که اصل مطلب است از آن بریدند و
جدا کردند، و ماقضی را دست ما دادند. همان ما را به این روز
نشانده است که ما نمی‌شناسیم سر اسلام را، ما نمی‌شناسیم. ما تا
پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را،
نمی‌توانند به مَجْدِ خودشان برسند. (۳۳)

۵۸/۸/۱۱

* * *

این آقایانی که هی می‌روند سراغ اینکه ببینیم چطور یک [قانونی]
باشد، پسند غرب باشد، پسند غرب آن است که ما همه چیزمان را
تقدیمشان بکنیم و بیچون و چرا، این پسند غرب است. اگر آقایان
این را می‌خواهند، این پسند ملت مانیست. و اگر آقایان یک چیزی
خيال می‌کنند که در غرب خبری است، بدانند که در غرب خبری
نیست جز جنایت، جز خیانت. من ملتshan را نمی‌گویم، - این ...
«دولتها یشان». (۳۴)

۵۸/۸/۲۴

* * *

توطنه‌ها در کار است که نگذارند شما جوانها به رشد انسانی
خودتان برسید و این کشور، یک کشور مستقل آزاد باشد.
آنها یکه از این مملکت، از این کشور استفاده می‌برند و همه
منافع شما را می‌برند و می‌خورند و خرج عیاشیها می‌کردند،
آنها باز مشغول توطنه هستند که نگذارند این کشور حال آرامش

خواست غرب در
بی‌هویت کردن ما
«دولتها یشان». (۳۴)

پیدا کند. وقتی که آرامش پیدا نکند، نمی‌شود که اصلاحش کرد. و اگر اصلاح نشود ممکن است که باز به حالهای سابق برگردد. از این جهت باید با بیداری، همه جوانهای محترم عزیز با بیداری توجه داشته باشند که اینهایی که در بین جمعیتها می‌آیند و می‌خواهند با اظهار اسلامیت، با اظهار اینکه ما برای کشورمان دلسوز هستیم، مانع بشوند از اینکه مردم کار بکنند، کشاورزها کشاورزی بکنند، کارخانه‌ها کار بکنند، اینها دوستان شما نیستند. اینها همانهایی هستند که می‌خواهند نگذارند مملکت شما، کشور شما مستقل بشود. (۳۵)

۵۸/۱۰/۷

* * *

می‌خواهند وابسته به غیر باشند. ما را وابسته کردند. از همه بالاتر این است که فرهنگ ما را وابسته به غیر کردند. مغزهای ما را وابسته کردند به غیر. ما عقیده‌مان این شده است که غیر از غرب دیگر کسی نیست. جایی نیست که بشود [به آن اعتماد کرد] ما باید وابسته باشیم یا به شرق و یا به غرب. آدم خوبهای ما می‌گفتند به غرب وابسته باشیم. برای اینکه این مقدار ادراکشان نبود که نه، ما می‌توانیم خودمان بایستیم کار بکنیم. خودمان می‌توانیم سریا بایستیم. ما ترجیح می‌دهیم به اینکه از این تمدنی که ما را فاسد دارد می‌کند دست برداریم و بررسیم به یک زندگی بسیط انسانی. اگر ما یک همچو [استقلال فکری] پیدا بکنیم، و از این تمدن مفسد و فاسد پشت بکنیم به آن، خودمان کم کم خودکفا خواهیم شد. آنچه که ما را نمی‌گذارد به اینکه در هر قشری که داریم خودکفا باشیم، بستگی، وابستگی است که ما به آنها داریم. وقتی

قبله ما،
غرب شده بود

بنا شد که قبله یک ملتی غرب شد، رو به آنجا می‌ایستد و حرف می‌زند. آتابورک عکسش را، عکسش را من در آن وقت که در ترکیه بودم، من مجسمه‌اش را دیدم که مجسمه‌اش این بود، دستش را اینطور دراز کرده بود. گفتند آنهایی که آنجا بودند، که دستش را طرف غرب دراز کرده است و می‌گوید که همه چیز از آنجا باید باشد. و یکی از به اصطلاح دانشمندان ما که در زمان سابق بود و بعد هم فوت شد، او در ایران گفته بود که ما تا همه چیزمان انگلیسی نشود نمی‌توانیم درست کنیم خودمان را. یک همچو مغزهایی که همه چیز را از آنجا می‌دانند. و مع‌الأسف دامن زدند تمام تبلیغاتی که بوده است در عرض این سالهای طولانی، دامن زدند به اینکه به ما باور بدھند - به ما - و تحمیل کنند به ما که خودمان آدم نیستیم. تحمیل کردند به ما، تا یکی دلش درد می‌گیرد برود اروپا. یکی می‌خواهد چند تا کلمه چیزی یاد بگیرد برو اروپا. شما اگر اینهایی که رفتند اروپا و تحصیل به خیال خودشان کردند بیاورید با آن کسی که صحیح در اینجا تحصیل کرده باشد، البته اینجا هم تحصیل صحیحی برای ما درست نکردند، اگر مقایسه کنید می‌بینید که اینکه رفته اروپا، رفته تفریح بکند، رفته کاغذ بگیرد بیاید اینجا، تحمیل مردم بشود، اجازه بگیرد؛ اجازه تحمیل به مردم. این دلیلی را که به جوانهای ما می‌دهند خیلی آسانتر و زودتر است از آنکه به خودشان می‌دهند. برای اینکه خودشان می‌خواهند دانشمند بشوند، ما را می‌خواهند نگذارند. ما را همچو کردند که هرچه هست از آنجاست و خودتان هیچ چیز نیستید.

این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم. که ما هم هستیم در دنیا. که شرق هم یک جایی است. همه‌اش غرب نیست.

شرق هم یک جایی است که خزانش بیشتر از همه جا و متفکرینش بیشتر از همه جا بوده است. تا آن وقتی که ما را اسیر کردند، طب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب، لکن مع الأسف قضایا چه شده است، و دسته‌بندیها چه جور بوده، و تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند، به طوری که ما دیگر خودمان را هیچ می‌دانیم. این را کراراً من گفتم. فاستونی را در کارخانه اصفهان می‌بافند، پشتش می‌زنند انگلیسی! برای اینکه تا انگلیسی نباشد بازار هم نمی‌خرد آن را. من و شما هم نمی‌خریم. باید انگلیسی باشد تا بخرید. خیابانهای ما اگر بخواهد [رونق داشته] باشد، خیابان روزولت؛ آن روزولتی که ما را به این مصیبت نشاند و آمدند این مرد را، به قولی که خودش گفت: «صلاح دیدند که من باشم اینجا». و خدا لعتشان کند که همچو صلاح‌دیدی را کردند. باز خیابان باید خیابان روزولت، خیابان چرچیل، خیابان کذا. شما بروید بگردید در همه خیابانهای غرب. من که نمی‌دانم، اما من گمان ندارم که اسم یکی از سلاطین ما مثلًا ... در آنجا باشد، مگر اینکه بخواهند بازی بدنهند ما را. (۳۶)

۵۸/۱۰/۱۴

* * *

باید عرض کنم که تا ملت شرق خودش نفهمد این معنا را که خودش هم یک موجودی است، خودش هم یک ملتی است، شرق هم یک جایی است، نمی‌تواند استقلال خودش را به دست بیاورد. اینها در طول زمانهای بسیار طولانی با تبلیغات بسیار زیاد، حتی به دست خود قشرهای ملتها، خود حکومتها، طوری کردند که ملت شرق خودش را بکلی در مقابل غرب و در مقابل

شرق مکتبش را گم
کرده است

ابرقدرتها باخته است و گم کرده خودش را، مکتبش را گم کرده.
مکتب بزرگ اسلام که رأس همه مکاتب است، و در شرق
است، شرق او را گم کرده است. تا این مکتب را پیدا نکند شرق و
نفهمد مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک
موجودی است و کشورش هم یک کشوری است، نمی‌تواند مقابله
کند با غرب. برای اینکه هر جور مقابله‌ای که بکند، آنها روی آن
تبليغاتی که دارند اين مقابله را خشنی می‌کنند. شماها فکر اين
بکنيد که مملكت خودتان را هر کدام در هر جا که هستيد بيدار
کنيد ملت خودتان را. ملت خودتان را بفهمانيد که شما هم یک
موجودی هستيد. شما هم مکتب داريد. شما هم ذخایر داريد.
شما هم همه چيز داريد. و آنها از دست شما همه چيز را گرفته‌اند.
و از همه بالاتر اينکه انحراف در ملتها پيش آوردند. جوانها را
منحرف کردن. یک انحراف، انحراف مکتبی است که مکتبهای
خود شرق را، مکتب بزرگ اسلام را منحرفاً به مردم تحويل دادند.
عرضه کردند. آنکه اسلام است نبود و چيز دیگری مبتذل در
دست مردم دادند. و آن مکتبهای مبتذلی که در خود آنجها هم که
این مکتبها بوده است شکست خورده‌اند. در اینجاها او را ترویج
کردن. به طوری که جوانهای ما شیفتۀ آن مکتبها شدند. (۳۷)

۵۸/۱۰/۲۰

* * *

الحمد لله مسلمين هم عده‌شان قریب یک میلیارد هست، و هم
ممالکشان یک ممالکی است غنی، ثروتمند و هم افرادشان افراد
لایق؛ لکن آنها بی که می‌خواهند در این ممالک حکومت کنند به
واسطه تبلیغات سوئی که در طول چند صد سال تقریباً کرده‌اند و
مسلمین را از خود
مأیوس کردن

نفوذی که در دانشگاهها، در جاهايی که مراکز تربیت ابنای مسلمین است کرده‌اند، مسلمین را طوری کردند که از خودشان مأیوس شدند؛ یعنی خودشان را گم کردند. باید مسلمین جدیت کنند مجده خودشان را پیدا کنند.(۳۸)

۵۹/۲/۳۰

* * *

یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیبها. آن وقت که مملکت شما را، آنها می‌آمدند و همه آن کارهای خلاف مصالح شما را می‌کردند، برای اینکه ملت یک ملتی بود که خوابش کرده بودند، مخمورش کرده بودند، تهی کرده بودند ملت را از خودش. خودش را، اصلش نمی‌شناخت. هر چه می‌دید غرب می‌دید، هر چه می‌دید مراکزی که مراکز قدرت بود می‌دید، قدرت خودش را فراموش کرده بود.(۳۹)

۵۹/۶/۵

ملت را خواب کرده
بودند

* * *

شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه‌ای می‌آورند. شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می‌آورند که ما را مترقی کنند، ترقی به ما بدھند. غرب تا ما را در سطح پایین نگه ندارد، نمی‌تواند از ما استفاده کند. کوشش آنها این است که ماهها، این ممالک اسلامی، این ممالک مستضعف در یک سطح پایینی از همه امور باشیم. هر امری را که آنها برای ما بیاورند؛ یک امر استعماری است؛ یعنی اگر طب را برای ما بیاورند طب استعماری است. اگر دارو برای ما صادر کنند آن هم استعماری است. اگر

از غرب برای ما
تحفه نمی‌آورند

دانشگاه برای ما بخواهند درست کنند آن هم دانشگاه استعماری است. همه چیز را آنها می‌خواهند به طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد. و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم. (۴۰)

۵۹/۸/۲۸

* * *

آن که می‌تواند ما را وابسته و در دامن امریکا یا شوروی بکشد، دانشگاه است، برای اینکه همه چیز ما در دانشگاه است. همت کنید با هم دانشگاه را اصلاح کنید. هی نتویسید که چرا دانشگاه باز نمی‌شود. آن دانشگاه نباید باز بشود. دانشگاهی که امثال «شریف امامی» را تربیت می‌کند نباید هم باز بشود. (۴۱)

دانشگاه وابسته،
منشأ وابستگی

۵۹/۹/۲۷

* * *

آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً در کشور ایران پیدا شده است، این است که در رژیم سابق شأن و مرتبت؛ عبارت از آرایش مهُّوع و لباسهای کذا و منزلگاههای کذا بود؛ و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است به واسطه همین تحول در قشر بانوان، دیگر آنها یی که با آرایشهای فاسد و لباسهای فاخر می‌خواستند فخر فروشی کنند در بین جامعه نسوان ما محکوم‌اند و خجالت زده‌اند. آن روز، بانوان اسلامی ما خجلت می‌کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در آن مراعات شده باشد [ظاهر بشوند] طبقات ضعیف هم اگر این کار را می‌کردند، خجالت می‌کشیدند در بین قشرهای فاسد و

مُددگرایی

مرفه برونده، امروز امر به عکس است؛ آن اشخاصی که دارای آن طور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنماییهای مُعَسِّد بودند، آنها احساس شرم می‌کنند در بین شما. این تحول یک تحولی است که بالاترین تحول است در جامعه. جامعه ما از بانوان - یعنی بعضی بانوان - زمان محمدرضا و رضاخان برگشتند به یک بانوانی که زینب گونه شدند و تابع فاطمه. آن روز تابع آرایش اروپایی بودند و اینکه باید از اروپا طرح لباس بیاید. امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام بپسند مقبول است. این یک تحولی است که بالاترین تحولات است در جامعه ما. نگه‌دارید این تحول را. توجه کنید به اینکه دستهای فاسد و قلمهای فاسد و گفتارهای فاسد شما را به اغفال نکشاند و شما را برنگرداند به حال سابق. (۴۲)

۵۹/۱۲/۲۵

* * *

اساس همه شکستها و پیروزیها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است. غربیان و در سابق انگلستان و بعد از او امریکا و سایر کشورهای قدرتمند دنبال این بودند که با تبلیغات دامنه‌دار خودشان به ممالک ضعیف بباورانند که ناتوانند، بباورانند که اینها نمی‌توانند هیچ کاری انجام بدهند؛ اینها باید در صنعت، در نظام، در اداره کشورها، دستشان به طرف قدرتهای بزرگ از شرق و غرب دراز باشد. آنها باید می‌خواستند مخازن این کشورهای ضعیف را ببرند، نقشه‌های درست فکر کرده آنها این بود که مردم این کشور را، ملت این کشورها را، باورشان بباورند که خودشان ناتوانند؛ ناتوانی را به خورد کشورهای مستضعف بدهند و خود مردم باور [کنند] که ما

نمی‌توانیم صنعتی را خودمان ایجاد کنیم و نمی‌توانیم لشکری را خودمان اداره کنیم و نمی‌توانیم اداره مملکت خودمان را بکنیم. این باور که به وسیله تبلیغات غربی‌زدگان در این ممالک پیاده شد، این کشورها را به تباہی و عقب‌ماندگی کشاند. هر کاری را که انسان باورش این است که ضعیف است نسبت به آن کار، نمی‌تواند آن کار را انجام بدهد. هر قدر، قدرت ارتشی زیاد باشد، لکن قدرت روحی نداشته باشد و باورش آمده باشد که در مقابل فلان قدرت و فلان قدرت نمی‌تواند ایستادگی کند، این ارتش محکوم به شکست است و هر کشوری که اعتقادش این باشد که نمی‌تواند خودش صنعتی را ایجاد کند این ملت محکوم به این است که تا آخر نتواند و این اساس نقشه‌هایی بوده است که برای ملل ضعیف دنیا قدرتهای بزرگ کشیده‌اند و قلمفرسایانی که در راه آنها قلمفرسایی می‌کردند و غربی‌زدگانی که وابسته به آنها بودند، این مطلب را به طور وسیع تبلیغ کردند، به طوری که این ممالک باورشان آمده بود که هیچ کاری از آنها ساخته نیست و هیچ امری از امور کشوری و لشکری و صنعت و سایر اموری که در تمدن بشر دخالت دارد از عهده اینها ساخته نیست و باید از غرب و از قدرتهای بزرگ اینها تبعیت کنند، لشکر شان مستشار لازم دارد و کشورشان مدبّر. این باور مادامی که در کشورهای جهان و کشورهای مستضعف هست، برای خاطر همین باور تا آخر مبتلا و وابسته هستند.

شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی‌توانید صنعت درست بکنید و نمی‌توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است خودتان آنها را درست بکنید، تا این باور هست، نمی‌توانید که انجام بدهید. (۴۳)

گرایش به غرب به
خاطر القائلات غلط

کسانی که از آنها هستند یا افکارشان آن نحو افکار است یا - به اصطلاح - خودشان صلاح ملت را می‌دانند، که وابسته باشد. خوب، هستند اشخاصی که متدين هم هستند، نمازخوان هم هستند، شاید نماز شب هم می‌خوانند، اما افکارشان این طوری پرورش یافته؛ یعنی، از بچگی به گوش اینها خوانده‌اند که این کشورهای ضعیف بدون وابستگی یا به این طرف یا به آن طرف، بدون این، برایشان امکان استمرار حیات نیست! وقتی هم وارد شدند در مدرسه، توی مدرسه این را به گوششان خوانده‌اند. وقتی هم وارد شدند در جامعه، هی این در گوششان خوانده شده است، در روزنامه‌ها تبلیغ شده است، در مجلات تبلیغ شده است، همه جا این مطلب پیش آمده است که شما خودتان نمی‌توانید خودتان را اداره کنید. اگر از دامن شرق فرار کنید، به دامن غرب باید پناهنده بشوید! این اشخاص متدين هم که نمازخوان هم هستند، متدين هم هستند، لکن این معنا در ذهنشان هست که چون شوروی الحاد ذاتی دارد و اصلاً مبدأ قبول ندارد، ما اگر از او فرار کنیم و ناچاریم [با] یک جایی پیوند حاصل کنیم، باید به طرف غرب برویم، و حالا امریکاست. اینها نه اینکه غرضشان این است که - مثلاً - یک صدمه‌ای به اسلام وارد بشود، نه، اصلاً این طوری پرورش پیدا کرده‌اند؛ فکرشان این طوری است؛ صلاح را این می‌دانند. (۴۴)

۳۸ / خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی جهت و
من با باتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام
اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. (۴۵)
۶۰/۶/۳۱

وابستگی فرهنگی،
نفي استقلال در
تمام ابعاد

آن مغز متفکرها بی که از ایران فرار کردند، آنها بودند که تفکرشان
را برای آنها داشتند، برای خارجیها به کار می انداختند و اگر یک
نفر متفکری که وطن خودش را می خواهد، اسلام را می خواهد،
کشور خودش را می خواهد، این معنا ندارد که فرار کند. کجا فرار
کند و لهذا بهتر این بود که این مغزهایی که برای خارجه و برای
امریکا و برای شوروی در ایران کار می کردند، اینها بروند و
مغزهای متفکری که برای خود کشور عمل می کنند، آنها
باشند. (۴۶)

۶۰/۱۲/۱۷

مغزهایی که در
خدمت اجانب
بودند

کشور مال خودمان است، وقتی مال خودمان است، معنا ندارد که
یکی دیگر بیاید اداره اش کند، باید خودمان اداره اش کنیم. آن جور
نبایشد که سر هر کارخانه ای باید کسان دیگری بیایند و بیایند که
نگذارند اینجا پیشرفت کند. آمدن، برای این بود که کارها را آنها
تکفل کنند، پادویی را به اینها بدهند. شما، ایرانیها بیش از اینکه
پادو باشند، بیش از اینکه در یک اداره ای پادو باشند، در یک جایی
که صنعت است کاری به آن نداشته باشند. (۴۷)

۶۰/۱۲/۱۷

مستشاران خارجی
مانع استقلال و
خودکفایی

* * *

یکی از امور دیگری هم که باز من گفته‌ام این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سرتاپایش فرنگی مآب است، این معلوم می‌شود خیلی عالی مقام است و چنانچه مثل سایر مسلمانهاست، این خیلی عقب افتاده است. عقب افتادگی و جلو رفتن را به این می‌دانستند که فرنگی مآب باشد؛ یعنی، فرض کنید فرم لباسش چه جور باشد. فرم کفشش چه جور باشد، یا - مثلاً - هرچه که از خارج می‌آید صرف بکند. مصرفي بار آوردند ما را، برای همین جهت، ما را مصرفي بار آورده‌اند. امثال «تقی زاده» که در این ایران یک وقتی قدرت داشته‌اند، تقی زاده گفته بود که ما باید سرتاپامان انگلیسی باشد یا فرنگی باشد و باید اینطور باشیم تا اینکه آدم بشویم. آدم بودن را به کلاه و کفش و لباس و بزرگ و امثال ذلک می‌دانستند. و آن چیزی که تعلیمات انبیا بود که انسان را باتقوا، قدرت تقاو، قدرت انسانیت، با علم، با عمل، آنها را اینطور می‌دانستند. میزان انسانیت را تقاو و علم می‌دانستند. اینها به جوری کرده بودند که بین مaha اینطور - بین خودشان اینجور نیست - بین مaha اینطور جلوه داده بودند که آدم اگر بخواهد پیشرفته باشد، حرف وقتی می‌زند به حرف خود مادری اش نزند، وقتی صحبت می‌کند در هر چند کلمه، دو - سه تا کلمه انگلیسی هم باشد، دو - سه تا کلمه - فرض کنید - که اروپایی هم باشد. تمام اینها چیزهایی بود که به ما تزریق کرده بودند، خائنهای داخلی زیادتر و الهام هم می‌گرفتند از آن خائنهای خارجی و ما را اینطوری داشتند بزرگ می‌کردند. اگر یک مدت دیگری این ایران - خدای نخواسته - به دست این رژیم فاسد باقی مانده بود، ما دیگر هیچ باید باشیم، از

بین تمام رفته باشیم.(۴۸)

فرنگی شدن، نشانه
مقام بود

ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را پذیریم که می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکا به تخصص خود کرده‌اند. شما ببینید که محمدرضا چه ضربه‌ای به روحیه پزشکان ما زده، او با طبیبان به گونه‌ای برخورد کرده بود که - مثلاً - برای یک عمل جزئی باید روانه خارج شد. این خود نقشه‌ای بود برای تضعیف روحیه متخصصین ما تا خیال کنند در تمام زمینه‌ها عقب افتاده هستند. ما امروز باید مصمم باشیم تا در تمام رشته‌ها جلو بیفیم. (۴۹)

٦٠/١٢/٢٥

تضییف متخصصین
داخلی برای نفی
استقلال کشور

* * *

وقتی که اشراف - به قول خودشان - و اعیان و متمکنین و یال و کوپالدارها متصدی امور یک کشور شدند، قهرآینه‌ها مردم را به حساب نمی‌آورند. این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر، از خودشان خاضع‌اند و در مقابل ضعفا و ملت خودشان، جابر و ستمگر. شما اگر ملاحظه فرموده باشید، معامله این دولتها یعنی [را] که ما داشتیم سابق، با مردم مقایسه کنید و معامله‌شان را با سفارتخانه‌های خارجی، اینها شخصیت خودشان را - شخصیت هم نداشتند - بکلی از دست می‌دادند. و به آن چیزی که در ذهن من است، یکی از سفرا - حالا یا سفیر انگلیس بود، یا یک جای دیگر - آن صدر اعظم وقت را پاشد گلویش را گرفت توی اتفاق و زد او به دیوار. در مقابل او، آنها سپر می‌انداختند، لکن در مقابل مردم، آن قدر به مردم ظلم می‌کردند و آن قدر به خیال خودشان به بزرگی و امثال ذلک رفتار می‌کردند که همه می‌دانید. (۵۰)

٦١/٦/٧

اشراف در مقابل
بیگانگان خاضعند

* * *

اتکال به نفس، بعد از اعتماد به خداوند منشأ خیرات است. و اگر کشورها ما را آرام بگذارند، مردم همه امور را اصلاح می‌کنند. مهم این است که شما خودتان را بسایید؛ زیرا در رژیم گذشته، ما خودمان را گم کرده بودیم و آنها هر کاری که می‌خواستند کردند و به ما تزریق کردند که شما توانایی انجام کارها را ندارید و دانشمندان ما از آنها توسری می‌خورند. و این بود وضع ما، و مردم ما هم می‌گفتند: برای چه کسی کار بکنیم؛ چون همه چیز ما وابسته است. و مصیبت بالاتر این بود که جوانان ما با دستور مستشاران خارجی عمل می‌کردند و منافعشان به جیب اجانب می‌رفت. و قهرآهنگی هر کسی که می‌خواست در چنین محیطی انسان مستقلی باشد، توسری می‌خورد و از مسائل مأیوس و افسرده می‌شد. (۵۱)

۶۱/۷/۲۶

دانشمندان ما
توسری می‌خورند

یکی از امور بسیار مهم که آنها کارهای خودشان را با آن انجام می‌دهند مأیوس کردن قشرهای مختلف کشور است. مأیوسشان بگتنند از اینکه ما کار ازمان می‌آید. کوشش داشتند در رژیم سابق به اینکه مردم را از همه چیز مأیوس کنند، «ما نمی‌توانیم، باید از غرب درست بشود، ما همسایه کذا داریم». کوشش می‌کردند در این معنا و کسانی که در مجلس پیدا می‌شد احیاناً که مقابل بایستد، آنها یا همان ایادی خود آنها در مجلس می‌کوییدند آنها را، و یا اگر نمی‌شد آنها را از بین می‌بردند. مأیوس می‌کردند مردم را از اینکه بتوانند خودشان یک کاری انجام بدهند، طبیب بتوانند آپاندیس را معالجه کند. این دردآور بود هر وقت من فکرش را می‌کنم متأثر می‌شوم از اینکه در زمان محمدرضا برای یک آپاندیس از خارج

کارشناس می‌آمد تا
خود ما نفهمیم

طیب آوردن، و این سرکوبی اطباء محترم ما بود. کارشناس از خارج می‌آوردن، ارتش حتماً باید کارشناس اش از امریکا بیاید. یا اگر آن وقت بود از جای دیگر بیاید. برای ما کارشناس می‌آوردن. برای کارخانه‌های ما کارشناس می‌آمد. می‌آمد که نگذارد خود شما بفهمید. کارشناس ارتضی می‌آمد که نگذارد ارتش چیز بفهمند. نه این که می‌آمد به آنها تعلیم کند، می‌آمد که جلوی تعلم را بگیرد. (۵۲)

٦٢/١٠/١٣

* * *

شما می‌دانید بیشتر کسانی که در دانشگاه بزرگ شده‌اند در عین حال که بعضی از آنان نماز هم می‌خوانند ولی معتقد‌ند ایران باید زیر نظر کشورهای بیگانه باشد. می‌گویند ایران نمی‌تواند خودش را اداره کند. آیا ایرانی که با تمام فشارها خودش را حفظ کرده و انقلابش را به کشورهای دیگر صادر و ملت‌های دیگر را بیدار نموده است، نمی‌تواند خودش را اداره کند؟ (۵۳)

٦٤/١/٢٧

* * *

این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست

دانشگاه

استعماری، موجب

خودکم‌بینی

تفرقه، حریه

استعمار عليه

استقلال

زمینه ها و علل خودباختگی و واپستگی / ۴۳

که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیدهای بومی آنان تمام
توان خود را صرف شایعه ها و دروغهای تفرقه افکن نموده اند و
میلیاردها دلار برای آن صرف می کنند. (۵۴)

۶۸/۳/۱۵

* * *

فصل دوم

تلاشها و تبلیغات غرب برای از خود بیگانه کردن مسلمانان

استفاده‌های
ناصحيح از مظاهر
تمدن غرب

الآن این مظاهر تمدنی که در جاهای دیگر - در ممالک پیشرفته - از آنها استفاده‌های صحیح می‌شود، وقتی که آمده است در مملکت ما یا مملکتهاش شبیه به مملکت ما، استفاده‌هایی که از اینها می‌شود استفاده‌های فاسد می‌شود؛ مثلاً سینما. ممکن است که کسی در سینما نمایشهاشی که می‌دهد نمایشهاش اخلاقی باشد، نمایشهاش آموزنده باشد، که این را هیچ کس منع نکرده؛ و اما سینماشی که برای فساد اخلاق جوانهای ماست، و اگر چند روز جوانهای ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متuarف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد... و اینها می‌خواهند همین بشود. یعنی تمام برنامه‌هایی که اینها درست کرده‌اند، برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری، هرچه درست کرده‌اند استعماری است. می‌خواهند اینها جوانهای ما را یک جوانهایی بار بخورند که به درد آنها بخورند، نه به درد مملکت خودشان بخورند؛ یا فاسد بشوند، یک عضو فاسدی بشوند. اگر یک مدتی این جوانها در این مراکز فسادی که اینها درست کرده‌اند و در

اختیار جوانها گذاشته‌اند....

آن قدری که مراکز فساد در تهران - آن بیشتر از کتابخانه است، بیشتر از مراکزی است که برای تعلیم و تربیت است - برای این است که می‌خواهند این جوانها به طرق مختلفه... بیکاره و بیمار بار بیایند؛ دیگر در مقابل این استفاده‌جوهای خارجی نتوانند کاری [بکنند]؛ یعنی بی‌تفاوت باشند نسبت به آنها. این جوانهایی که تریاکی بار آمده‌اند، هروئینی بار آمده‌اند، شارب‌الخمر هستند، قمارباز شده‌اند - عرض بکنم - در مراکز فساد و فحشا رفتند، اینها دیگر همان عیاشیها را تمام مقاصد خودشان می‌دانند و عالم هرچه بشود، آنها بی‌تفاوتند نسبت به آنها. و آنها می‌خواهند که این نسل جوانی که ممکن است یک ثروت بزرگی برای یک مملکت باشد و این مملکت را جلو ببرد، این نسل جوان را کاری بکنند که به عقب برگردد، یعنی چیزی بشود بیفایده؛ یک امر بیفایده‌ای، یک ثروت بیفایده‌ای برای مملکت بشود. این یکی از کارهایشان است که می‌کنند. (۵۵)

۵۷/۱۰/۱

* * *

شما بهتر می‌دانید که اینها به دانشگاه‌های ما، به دبیرستانهای ما، به دبستانهای ما چه خیانتها کردند. شماها می‌دانید که شماها را می‌خواستند عقب نگه دارند نگذارند که یک انسان اسلامی، یک انسان با قدرت، یک انسان با هدف بار بیاید. تعلیمات از اول تعلیمات اعوجاجی، انحرافی و برنامه‌های انحرافی بود. می‌خواستند جوانهای ما را به عقب برانند تا استفاده‌های خودشان را بکنند، تا ما در همه چیز محتاج باشیم، در علم محتاج باشیم و

تعلیمات انحرافی

برای عقب راندن

جوانان

در اقتصاد وابسته و محتاج باشیم.(۵۶)

۵۷/۱۲/۱۷

* * *

و یکی از مصیبتهای بزرگی که برای این ملت بار آورده است اینکه ملت را نسبت به خودشان هم بدین کردند. این معنا که ما اگر یک مریض پیدا بکنیم در تهران، الان هم می‌گویند که اینجا نمی‌شود، بروید به - مثلاً - انگلستان، بروید به پاریس! این یک مطلبی است که از دست آنها برای ما پیدا شده است. یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها. شما گمان می‌کنید که در آنجا اطبای آنها همچو هستند که اگر کسی برود آنجا چه خواهد شد! همین مریضهایی که در اینجا اگر یک دقیق بکنند معالجه می‌شوند، وقتی بروند آنجا معلوم نیست درست معالجه بشوند. اینطور نیست که اطبای آنها یک معجزه‌ای می‌کنند و اطبای ما اینطور نیستند. این یک مطلبی است که برای تبلیغاتی که اینها کردند، ما به خودمان هم حتی سوءظن پیدا کردیم؛ یعنی خودمان هم باختیم خودمان را. شما گمان نکنید که اینجا اطبایش - ایران اطبایش - کمتر از اطبای آنجا باشد. الان بسیاری از اطبای که در امریکا هستند ایرانی هستند. گفتند شاید قریب پانصد تا یا بیشتر طبیب ایرانی هست که اگر طبیبهای ایرانی بیایند، اختلال پیدا می‌کند در امریکا! اینطور نیست که اینهایی که رفتند و تحصیل کردند و یا در همین جا تحصیل می‌کنند، اینها کمتر از آنها باشند. نخیر، اینها هم همان طور هستند. اینها هم مثل آنها یا بهتر از آنها هستند. ما در آنجا - فرانسه - هم که بودیم گاهی مثل‌گرفتاری پیدا می‌کردیم، اطبای را می‌دیدیم خیلی از آنها چیزی که فوق العاده باشد من که نفهمیدم! و اشخاصی هم

با تبلیغات آنها
به خودمان
سوءظن پیدا
کردیم

که رفتند باز با همان حال مرض برگشتند. اینجا جوابشان دادند رفتند آنجا، آنجا هم همین حال بوده است. این برای این است که اینها جدیت کردند در این سالهای طولانی که ما را تهی کنند از مغز خودمان. یعنی ما را همچو غربزده کنند که چیزهایی هم که پیش خودمان بهتر است به [آن] سوءظن پیدا کنیم، و عقیده‌مان این باشد که نه اینطور خوب نیست؛ خوب است که آنطور باشد. حال آنکه مسئله اینطور نیست و همچو نیست که آنها در این مسائل عقلی یا در مسائل طبی خیلی جلو باشند. خوب، بله هستند اما نه اینطوری که ما توهم می‌کنیم. (۵۷)

۵۸/۱/۸

* * *

هی تو گوشش نخوانند که فرنگ - نمی‌دانم - اروپا، امریکا. هی تو گوشها خوانند این را؛ همه چیز باید از آنجا باشد؛ همه چیز ما وابسته باید باشد، اخلاقمان هم باید وابسته باشد؛ وقتی هم که آزادی می‌خواهیم یک آزادی غربی می‌خواهیم؛ ما باید غربی باشیم؛ یک آزادی می‌خواهیم که همان شبیه آزادی غرب باشد. این معنا به این زودی از توی مغزهایی که شستشو شده است، چهل - پنجاه سال، بیست - سی سال و به جای مغز ایرانی مغز اروپایی آمده است، به جای فکر ایرانی فکر غربی جانشین آن شده است - این - به این زودی نمی‌شود رفعش کرد. این محتاج به یک طول مدتی است که فرهنگ یک فرهنگ مستقل؛ نه یک فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند. آنها برای ما دیکته کردند. فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الان عوض شده؛ غربی شده، وقتی هم حرف می‌زنیم حرفمن غربی است.

وابستگی روحی
پیدا کردیم

وقتی اسم خیابان می‌گذاریم اسم خیابانهای غرب را می‌گذاریم؛
اسم اشخاص غربی را می‌گذاریم: خیابان «روزولت»! خیابان
«کنדי»! خیابان کذا. اینها غربزدگی است. در تمام اروپا بگردید
یک خیابان «محمد رضا» پیدا نمی‌کنید؛ یک خیابان «نادر» پیدا
نمی‌کنید. خیابانهایمان هم خیابان غربی است! تعارفهایمان هم با
هم تعارف غربی است. آداب و معاشرتمن هم، با هم معاشرت
غربی است. همه چیز. ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم. این
وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است. (۵۸)

۵۸/۳/۹

* * *

تبلیغات کرده بودند که ما را از خودمان به خودمان بدین کرده
بودند. محتوای ما را بیرون کشیده بودند. ما یک آدمهایی بودیم که
همه‌اش توجهمان به غرب بود. الان هم که ملاحظه می‌کنید، الان
هم همین طور است. الان هم که ما می‌گوییم اسلام، شما
می‌گویید: «اسلام، اسلام» یک گروههایی هم دور هم نشسته‌اند و
می‌گویند: دمکراتیک، دمکراتیک. چرا؟ برای اینکه اینها همچو
غربی شده‌اند، همچو غربزد شده‌اند، نمی‌توانند تصور بکنند که
یک کشور با برنامه اسلامی می‌تواند اداره بشود. اینها غفلت از این
می‌کنند، یا خودشان را به غفلت می‌زنند، که هفتصد - هشتصد
سال این اسلام بر همه ممالک حکومت کرد. حالا می‌گویند نه!
جمهوری اسلامی نه؛ جمهوری دمکراتیک! این برای این است که
محتوا ندارند اینها. اینها را [با] تبلیغات همه جانبه‌ای که کردن
همه را از آن باطنشان بیرون آورده‌اند؛ مغزهایشان را به اصطلاح
شستند و به جای آن غرب را نشانده‌اند. استقلال فکری را از ما

استقلال فکری را
از ما گرفتند

گرفته‌اند، استقلال خودمان را، شخصیتمان را، از ما گرفته‌اند. ما استقلال شخصیت‌آن نداریم. و باید فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا بکنیم. توجه بکنیم به تاریخ اسلام که بینیم اسلام در دنیا چه کرده و چه کارهایی اسلام کرده. که اینها یکی که می‌گویند که از اسلام کاری نمی‌آید، یا می‌گویند که آن دیگر مثلاً قدیمی شده است اینها، از بابت این است که نمی‌فهمند، اینها بسیارشان مختلف نیستند اصلش. توجه نکردن. برای همین معنا که محتوا را غریبها کشیدند؛ و به جای آن تزریق غربیت کرده‌اند لهذا همه چیز را می‌گویند از آنجا بیاور.(۵۹)

۵۸/۳/۲۰

* * *

تبلیغات خارجی و دنبال آن هم تبلیغات داخلی، اسباب این شد که ملتهاي ما را از اسلام جدا کردن و دولتهاي ما را هم جدا کردن. و مع الأسف تبلیغات به طوری شد که جوانهای شرق تمام آمالشان را به تحقق معانی غربی خرج کردند؛ و تمام حیثیت ملی خودشان را، بعض از جوانهای ما، فدای غرب کردند. و این یک شکست روحی بود که برای ما از همه شکستهایی که داشتیم بالاتر بود.(۶۰)

۵۸/۳/۲۱

با تبلیغات، جوانان
ما را دچار شکست
روحی کردند

آنقدر تبلیغات کردند از غرب، از جلو رفتند غرب، آنقدر تبلیغات کردند که جوانهای ما را از همان دانشگاه، غربی بار آوردند. از همان دانشگاه روی تعليماتی که استادی، بعضی از استادی - را -

غربزده کردن
دانشگاهها

که اینها از خود آنها بودند، تبلیغات کردند، جوری که جوانهای ما جوانهای شدند که به درد آنها می‌خورند؛ نه به درد کشور ما. مغزهای اینها را شستند. به جای مغزهای انسانی و ایرانی، غربی گذاشتند، به حیث [که] اعتقاد بچه‌ها و جوانان ما این شد و حالا هم شاید خیلی شان این باشد که باید همه چیز ما غربی باشد. به طوری تبلیغات کردند که الآن هم همین طور است.

در عین حالی که طبیب داریم، یکی که مریض می‌شود می‌گویند اروپا باید ببریم! این برای این است که خودمان را از دست دادیم. استقلال فکری دیگر حالا نداریم. همه‌اش دنبال این هستیم که غرب چکاره است. (۶۱)

۵۸/۳/۲۱

* * *

آنچه که به نظر من مهم است این است که در زمان این پدر و پسر نالایق - بیشتر در ایران واقع شده است این است که - با تبلیغات دامنه‌دار هر طرفی اینها کاری کردند که - مهم این است که محتوای ما را از ما گرفتند و ما را همچو مؤمن به غرب کردند که حاضر نیستیم غیر از مطالب غرب چیزی را قبول بکنیم: جوانهای ما تقریباً خیلی‌ایشان اینطور شدند که از یک ایرانی متتحول شدند به غربی. و این یک خطری است برای یک کشوری که اصلاً خودش را دیگر قبول نداشته باشد؛ ... اجنبی را قبول داشته باشد به جای خود. یک کس دیگر نشسته باشد و، با اصطلاح شما، مغزشویی شده. آنها را شستشوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را، اسلامیت خودشان را شسته‌اند به جای آن غرب را نشانندند. به حیثی که ما اگر چیزی هم خودمان داشته باشیم، باز دستمان را

با تبلیغات، جوانان

ما را شستشوی

مغزی دادند

دراز می‌کنیم پیش غرب.(۶۲)

۵۸/۳/۲۱

* * *

اینقدر تبلیغات بر ضد خود شماها شده است که مها را، باطنمان را متحول کردنده به یک چیز دیگر، از آن شخصیتی که انسان باید داشته باشد. این قدر اینها تبلیغات کردنده که شخصیت را از ما گرفتند که ما آن هم تا صحبت می‌شود، انگلستان، امریکا [هنوز هم احساس ضعف می‌کنیم]! همه این خیابانهای ما را به اسم اینها گذاشته بودند. میدانها را به اسم اینها گذاشته بودند و هکذا همه چیز.(۶۳)

شخصیت را از ما
گرفتند

۵۸/۴/۸

* * *

علومی که در شرق بود، دسیسه‌ها اسباب این شد که عقب بزنند آنها را، و به جای او علوم غرب را بیاورند - دانشهايی که در شرق بود و اروپا از آن تقليید می‌کرد، دستهایی آمد و آنها را عقب زد و محتوا را از ما گرفت، آن وضع ما وضعی شده است که خیال می‌کنیم که هرچه هست، در غرب است و ما هیچ چیز نداریم. محتوای خودمان را گرفتند. یعنی مغزهای ما را شستشو کردنده؛ جایش یک مغز دیگری گذاشتند که از همان غرب ارتزاق می‌کند. و این یک مطلب مهمی است که باید بتدریج این مملکت از زیر آن بار بیرون برود. یکی هم از مسائل، همان مسئله طب قدیم است. آنها همه این دردهایی که آن هست با همین دواهای علفی معالجه می‌کردنده و معالجه‌شان یک معالجات اساسی بود و اروپا از طب

با دسیسه علوم ما
را عقب زند

بوعلی تا همین آخر استفاده می‌کردند. کتاب بوعلی تا همین آخر، شاید حالا هم مورد نظر آنها باشد، بروزش نمی‌دهند. من نه این است که ندانم اینها را، می‌دانم اشکالات زیاد است، لکن همه چیز این طور است، همه مسائل این طور است که به ما این طور فهمانندند که خودتان هیچ چیز نیستید، و همه چیز آنها هستند و اینها می‌خواستند همچو ما را از صحنه انسانیت بیرون بکنند، بگویند ما اصلاً هیچ چیز نداریم. (۶۴)

۵۸/۴/۱۷

* * *

تبلیغات دامنه‌داری برای ترقیاتی که در غرب هست، که جوانهای ما را غربزده کنند؛ اعتماد به کشور خودشان را از آنها بگیرند؛ اینها دیگر اتكلال به خودشان نداشته باشند؛ هر صحبتی که می‌شود، صحبت از غرب پیش بیاید، خیابانها را به اسم آنها اسم‌گذاری کنند، میدانها را به اسم آنها اسم‌گذاری کنند، مراکز علم را با اسم آنها چه بکنند. جوری تربیت کنند این ملت را که خودش را ببازد و خودش را از دست بدهد؛ به جای آن یک آدم غربی بنشینند. یک آدم اسلامی شرقی که باید متکی به خودش باشد، متکی به مکتب خودش باشد، این را شستشو کنند، شستشوی مغزی به اصطلاح بکنند. و به جای یک آدم شرقی، یک آدم غربزده درست بکنند که هر چه صحبت بکند، از آنها باشد. گوینده‌شان بگوید -فوت شده است، خدا بیامرزدش -گوینده‌شان بگوید که ما همه چیزمان را به انگلیسی می‌سازیم! ما اگر بخواهیم به تمدن بررسیم، همه چیزمان باید انگلیسی باشد. (۶۵)

سلب اعتماد
جوانان

۵۸/۴/۲۳

* * *

دیدیم که زندگی ما را به هم زدند، نیروی انسانی ما را عقب زدند.
نیروی انسانی ما آن کم داریم. برای چه؟ برای اینکه پنجاه سال ما را کشیدند به مراکز فحشا، جوانهای ما را کشیدند به مراکز فحشا؛
کشیدند به مراکزی که مغزهای آنها را تهی کردند. یک آدمی که در این نحو سینماهایی که پیش بود - حالا من نمی‌دانم وضعش چه جوری است، آن وقت سینماهایی که بود که همه آن دستگاه فساد بود - دیگر یک جوانی که می‌رفت در آنجا، پنج روز، ده روز می‌رفت، عادت می‌کرد به این، دیگر نمی‌توانست جدی یک عملی بکند، این دیگر نمی‌توانست فکرش را متوجه بکند به اینکه نفت ما را دارند می‌برند و همه چیز ما را، دارند، حیثیت ما را دارند می‌برند و ما مشغول اینکه سینما را تماشا بکنیم یا نمی‌دانم ستاره سینما را! مجلاتمان این طور، سینماهایمان این طور، همه چیزمان این طور شده بود، و ما را اصلاً خودمان را از بین برداشت و یک چیز دیگر جای ما نشاندند - مملکت ما متبدل شده بود به یک چیز دیگری. (۶۶)

نیروی انسانی ما را
عقب زدند

۵۸/۴/۳۱

* * *

نمی‌گذارند که این ملت به حال خودش باشد؛ خودش را پیدا بکند؛ بفهمد که خودش جزو عالم است؛ این طرف دنیا و این شرق هم جزو یک ممالک متفرقی بوده است؛ و ما به این حال رساندیم آن را؛ و غریبها ما را به این حال رساندند. کتابهای شیخ الرئیس حالا هم شاید در دانشگاههای آن‌ها تدریس می‌شود؛ استفاده از آن می‌شود. ما آن چیزی که داشتیم کنار گذاشتیم؛ آن چیزی هم که آنها داشتند نتوانستیم پیدا بکنیم. یک «لیک موش» از

نمی‌گذارند ملت
خودش را پیدا کند

کار درآمدیم! یک چیزی که نه شرقی و نه غربی و نه اسلامی و نه اروپایی، هیچی نیست.

بله شرقی هستیم به معنای همان «شرقی استعماری». غربی هم هستیم به همان «غربی استعماری». از این باید بیرون برویم. مادامی که این مرض را ما داریم، این مرض نمی‌گذارد یک حال صحتی برای ما پیدا بشود. از این مرض باید بیرون بیاییم. (۶۷)

۵۸/۶/۲۸

* * *

در این پنجاه سال ما را از اینکه بفهمیم گرفتاریمان چیست اغفال کرده بودند. ما آن میکروبهای فاسد را و مُفسِد را برای خودمان درمان می‌دانستیم! ما آنایی که ما را به تباهی می‌کشیدند برای خودمان معالج می‌دانستیم. ما را اینظور درست کرده بودند، با آن تبلیغات دامنه‌دارشان به ما اینظور حالی کرده بودند که شما باید هر چه که می‌خواهید، هر تمدنی که می‌خواهید، هر فرهنگی می‌خواهید، از غرب باید برای شما بیاید، خودتان ندارید.

[با] این افکار پوسیده‌ای که اینها تزریق کردند به وسیله قلمهای فاسد و به وسیله گفتارهای منحرف کننده، ما را همچو بار آوردنده و جوانهای ما را همچو بار آوردنده که آنکه زهر مُهلک برای جامعه ما بود خیال کند دواست! الآن هم همین فاسدها، بعضی از همین فاسدها، در جامعه ما هستند، در همه جا هستند، در دانشگاه هم هست، در همه جای مملکت ما هست. و توقع این را نداشته باشید که یک درد پنجاه و چند ساله به چند روز و چند ساعت و چند وقت و چند ماه و چند سال معالجه بشود. (۶۸)

زهر مهلک را دوا
معرفی کرده بودند

۵۸/۸/۷

* * *

این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم. که ما هم هستیم در دنیا. که شرق هم یک جایی است. همه‌اش غرب نیست. شرق هم یک جایی است که خزانش بیشتر از همه جا و متفکرینش بیشتر از همه جا بوده است. تا آن وقتی که ما را اسیر کردند، طب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب، لکن مع‌الأسف قضایا چه شده است، و دسته‌بندیها چه جور بوده، و تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند، به طوری که ما دیگر خودمان را هیچ می‌دانیم. (۶۹)

عقب زدن و هیچ
جلوه دادن ما

۵۸/۱۰/۱۴

* * *

اینها به واسطه تبلیغاتشان ایجاد خوف کرده بودند که با همین خوف، کارهای خودشان را انجام می‌دادند. بیشتر مردم به واسطه این خوف کنار [ه] می‌گرفتند و بی‌تفاوت می‌شدند و می‌ترسیدند. آنها هم با اینکه قدرتشان به آن بزرگی نبود که یک ملت را از بین ببرند، استفاده می‌کردند، لکن ملت ایران این مطلب را شکست در هم و این رژیم را از بین بردا.

تبلیغات غرب
برای مرعوب کردن
ملتها

نسبت به قدرتهای بزرگ هم همین طور است قضیه و همین طور بود قضیه که ارعابش بیشتر از واقعیتش بود. اگر یک مطلبی فرض کنید در یک دولت کوچکی واقع می‌شد برخلاف میل شوروی - مثلاً - یا برخلاف میل امریکا، کافی بود که امریکا یا شوروی یک تشریز بزنند. با همان یک تشریز، مسئله ختم می‌شد. یا مثلاً، در آن وقتی که انگلستان قدرتش زیادتر بود از دیگران، یک کشتی را بیاورند در این آبهای نزدیک ایران، یک کشتی را که آوردند اینجا، دیگر نه مجلیش می‌توانست حرفی بزند و نه دولتش و هر چه

آنها می‌خواستند تحمیل می‌کردند. این مطلب هم در ایران شکسته شد. (۷۰)

۵۹/۸/۱۲

* * *

ما آن صدمه‌ای که از قدرتهای بزرگ خوردهیم، باید بگوییم که بالاترین صدمه صدمه شخصیت بوده. آنها کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند، و به جای شخصیت ایرانی - اسلامی، یک شخصیت وابسته اروپایی، شرقی، غربی به جایش بگذارند؛ یعنی تربیت فاسدی که در رژیم سابق بود و بتدریج داشت قوت می‌گرفت، این بود که از همان کودکستان شروع کنند به این برنامه اطفال ما را از همان جا زمینه تبدیلشان به یک موجود وابسته فراهم کنند، تا برود به مرتبه بالا مثل دیبرستان؛ و بعد هم بالاتر از او. در طول این مدت‌ها که ایران مبتلا به این بوده است این بیماری در او پیدا شده است که ما نمی‌توانیم کار بکنیم. ما همه چیز را باید از خارج بیاوریم، و یا استمداد کنیم از آنها. (۷۱)

بالاترین صدمه‌ها
صدمه شخصیتی
است

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

اینها می‌خواستند که [در] این مملکت یک موجودات فلنج بار بیاورند. تبلیغات دامنه‌دار و اعمال بسیار کوبنده بود که به ما حالی کنند که شماها نمی‌توانید! شماها نمی‌آید ازتان هیچ کاری. از آن طرف هم از آنجا هر چیزی بیاورند و متخصصین از خارج وارد کنند، و هر چیزی که احتیاج دارند راجع به هر امری از خارج بیاورند. وقتی که یک ملتی دید که خارج همه چیزش را دارد اداره

وانمود می‌کردند که
از ما هیچ کاری بر
نمی‌آید

می‌کند و دیگر احتیاجی ندارد، این به فکر نمی‌افتد که خودش
احتیاجش را رفع کند. (۷۲)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

درد این است که کشور ما در این سالین زیادی که خارجیها پا باز
کردند به آن و خصوصاً در این پنجاه سال دوره سیاه پهلوی، آن
طور تبلیغات کرده بودند و کردند که آنها می‌خواهند در ذهن ملت
ما و جوانهای ما متمرکز کنند که ایران، اسلام، از عهدۀ اینکه یک
علمی را، یک تخصصی را، یک صنعتی را ایجاد کند عاجز است؛
ما حتماً، باید دستمان را در همه چیزها به طرف شرق و کمونیست
دراز کنیم یا دستمان را به طرف امریکا و ممالک غربی
سرمایه‌داری. آن طور تبلیغات کرده‌اند که می‌گویند باید ما در تمام
چیزها از سرتا به پا غربی بشویم یا شرقی باشیم. من در ترکیه که
بودم، مجسمه آتانورک را که در بعضی میدانها گذاشته بودند دیدم
که دستش را بلند کرده بود، گفتند که این دست را طرف غرب بلند
کرده و می‌خواهد بگوید که ما باید هر چه داریم از غرب بیاید. در
سایر ممالک اسلامی هم تبلیغات را طوری کرده بودند که ما در هر
امری باید مستشار از غرب یا از شرق بیاوریم و اصلاً، مغز ایرانی
لایق این نیست که یک کار مثبتی بتواند انجام بدهد، حتی
کشاورزی هم نمی‌تواند. این یک برنامه‌ای بوده است که ریخته
شده بوده است و تبلیغاتی که در دنبال این برنامه به وسیع شده بود
باور آورده بود ملت ما را، بسیاری از افراد ما را، به اینکه ما هیچی
نداریم و نمی‌توانیم هم داشته باشیم؛ ما باید حتماً، برویم یا به
طرف غرب و در بلوک غربی واقع بشویم تا آنها به ما ترحم کنند و

تبلیغات این بود که
مغز ایرانی لایق
نیست

حاجتهايى که ما داريم آنها براورده کنند و يا باید به طرف شرق
کمونيست برويم تا آنها اين عمل را انجام بدهنند. و الآن هم
مغزهايى هست، که خود را مغز متفسکر مى دانند، باز باورشان
نشده است که خود ما هم مى توانيم آدم باشيم. (۷۳)

۶۰/۳/۴

* * *

ترديدى نىست که جهانخواران برای به دست آوردن مقاصد شوم
خود و تحت ستم کشيدن مستضعفان جهان راهى بهتر از هجوم به
فرهنگ و ادب کشورهای ضعيف ندارد. زيرا با تربیت غربى يا
شرقى معلم و استاد است که دبستانها و دبیرستانها محلهای
مى شوند مجهز برای تربیت غربى يا شرقى جوانهای که
دولتمردان و دست اندر کاران آتیه کشورهایند. و با این گونه تربیت
است که جوانان با گرایش به يكى از دو قطب قدرت، راه را برای
مستكبرین جهان در به دام کشیدن کشورهای مستضعف به
صورتى شايسته و بدون زحمت و دستیازی به سلاحهای نظامى
زنگزده باز مى نمایند. برای آنان چه راهى بهتر از آنکه با دست
قشرى از بومى های هر کشور، ملتها را بى سرو صدا بلکه باشوق و
رغبت به سوى مقاصد آنان کشide تا دسترنج ملتها و ذخایر
کشورها را با عرض ارادت و ادب و قبول منت از اريابان تقديم آنان
نمایند. ضربه های مهلكى که بر کشور مظلوم ما در اين پنجاه سال
اخير از دانشگاهها و اساتيد منحرفی که با تربیت غربى بر مراكز
علم و تربیت حکمفرما بودند وارد آمد از سر نيزه رضاخان و
پسرش وارد نشد. البته اساتيد و معلمان متعهدی بودند، لكن زمام
امور در دست آنان نبود. ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص

هجوم به ادب و
فرهنگ کشور

شدیم، لکن از شر تربیت یافتنگان غرب و شرق به این زوایها نجات نخواهیم یافت. اینان برپادارندگان سلطه ابر قدرتها هستند و سر سپردگانی می باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی شوند، و هم اکنون با تمام ورشکستگیها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی برنمی دارند. (۷۴)

۶۰/۱۰/۷

* * *

این نکته را من سابق هم گفته بودم که تبلیغات دامنه دار مخالفین با بشر، مخالفین با اصلاح بشر، اینها کوشش کرده بودند که در همه جاهایی که می خواهند تحت سلطه خودشان درآورند، طوری کنند که باور بیاورند به اهالی آنجا که ما خودمان هیچ نیستیم و هر چه هست ما باید از آن طرفهای مرز، از امریکا، از روسیه بیاوریم. و یکی از علل عقب ماندگی این کشورها همین بود که اصلاً، افکار خودشان را نمی گذاشتند که اینها به راه بیندازند و تبلیغات طوری شده بود که می ترسیدند اصلاً وارد یک عملی بشوند. و خداوند تبارک و تعالی به ما منت گذاشت که این جمهوری اسلامی را موفق شدید شما جوانان اینجا متحقق کنید و موفق شدید که از این باور غلطی که در بین کشور ما معروف شده بود، این باور غلط را بشکنید. شما مگر چه چیزتان از سایر بشر کمتر است، بشر همه جا یک جنس است و یک نوع است و یکی است و اینجا اگر بهتر نباشد از آنها بدتر نیست، لکن نگذاشتند که این بهترها و این مغزهای متفکر به کار بیفتند. (۷۵)

۶۰/۱۲/۱۷

با تبلیغات آنها باور
کرده بودیم که هیچ
نیستیم

* * *

به طوری تبلیغات شده بود که همه چیز ما را می‌خواستند وابسته
کنند به غیر، و به ما حالی کنند که شما هیچ کاری ازتان
نمی‌آید. (۷۶)

۶۱/۳/۲۲

می‌خواستند به ما
حالی کنند که هیچ
کاری از ما ساخته
نمی‌آید

نیست

* * *

سالهای طولانی زحمت کشیده‌اند، یک قشر از روشنفکر با قلم، با
تبلیغ، با تعلیم، زحمت کشیده‌اند، یک قشر مطبوعاتی و
رسانه‌های گروهی با همه قدرت زحمت کشیده‌اند که این کشور را
از خودش تھی کنند؛ یعنی، اعتقادش را اینطور کنند، مغزشان را
شستشو کنند و اینها را معتقد کنند به اینکه شما هیچ نیستید، باید
تحت لوای یا شرق یا غرب [زنگی کنید] غرب می‌گفت تحت
لوای غرب، شرق می‌گفت تحت لوای شرق باید زندگی کنید، و الا
هیچ کاری از شماها ساخته نیست. (۷۷)

۶۱/۳/۲۲

زحمت کشیدند تا
این کشور را از
خودش تھی کنند

* * *

از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ
گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و
آنان را به حال رکود و عقب‌افتدگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه
جانبه‌ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرتها، یا با
کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعفانی به
راه اندخته‌اند و می‌اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت
مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است؛ و آنان، خصوصاً
غربیها و اخیراً امریکاییها، نژاد برتر هستند، و دیگران نژادپست و

ناقص هستند؛ و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است؛ و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسانهای تکامل یافته هستند؛ و اینان در حال تکامل، که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند. پس، کوشش برای پیشرفت بیفایده است. و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند، و یا کمونیسم شرق. و به بیان دیگر، ما از خود هیچ نداریم، و باید همه چیز را از ابرقدرتهای غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را! و شما امروز سیاه ما را می‌بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده‌اند هرچیز، اگرچه ممتاز باشد و از خودی باشد، به همین جرم مشتری اش کم است؛ و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند، مشتری زیاد پیدا می‌کند. پارچه ایران حتماً باید در حاشیه اش حروف خارجی و لاتین داشته باشد تا مشتری پیدا کند! و مرضهایی که در خود کشور به نحو شایسته معالجه می‌شود باید به خارج سفر کرد تا معالجه شود. و این باور در حالی است که بعض دانشمندان و نویسنده‌گان غیر مسلمان با شواهد زنده ثابت نموده‌اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیشقدم بوده‌اند. (۷۸)

۶۲/۶/۱۲

* * *

از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است، تبلیغات دامنه‌دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرت‌های خارجی است. در سابق از انگلیس، به دست به اصطلاح روشنفکران و تحصیلکرده‌گان غربزده، یک غول ساخته شده بود و به دولت‌های بی‌اطلاع و ملت‌های دربنده تحمیل کرده بودند که اگر به یک فراش

بزرگ جلوه دادن
قدرتها

سفارتخانه انگلیس یک حرف درشت‌زده شود، ایران به باد فنا می‌رود! و پرچم سفارت بر سر خانه هر مجرمی که افراسته می‌شد از مجازات مصون می‌گشت. و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدر اعظم، کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی‌چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت، خصوصاً امریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و شاخدارتر ساخته‌اند؛ و گمان می‌کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می‌رود! و با خیال‌های خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غربیزده به این نحو شایعه‌ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خود باختگان ملی نما کمتر از مجرم اصلی نیست. (۷۹)

۶۲/۶/۲۲

* * *

تبلیغات سوء مبلغین خارجی در طول این صدها سال به اندازه‌ای بوده است که به همه ماهما باورانده‌اند که در مقابل این قدرتها نسمی شود مقابله کرد، ما را ترسانده‌اند از اینها، با تبلیغات ترسانندند. وقتی که یک قضیه‌ای پیدا می‌شد، کافی بود که یک نفر از خارجیها که در اینجا مأموریت داشت بیاید بگوید این نباید بشود، تمام می‌شد دیگر. (۸۰)

۶۴/۱۱/۲۲

* * *

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما

و جهانخواران تا کم و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویتها و ارزشها معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفتهٔ قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و سیاست با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دیستان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به إعمال سیاست نفرت و کینه توژی در مجتمع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوییهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند!

می‌خواهند هویت
دینی ما را لکه‌دار
کنند

آری، اگر ملت ایران از همهٔ اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانهٔ عزت و اعتبار پیامبر و ائمهٔ معصومین - عليهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولی و قیّم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابهٔ سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همهٔ مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمایگی آنان خارج شده

است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. (۸۱)

۶۷/۴/۲۹

* * *

من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با مت加وزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند. (۸۲)

۶۸/۱/۲

از بین بردن هویت
اسلامی، خواست
اجانب است

از جمله نقشه‌ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیzman گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غریزده و شرقزده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برtero و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غمانگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشند و کوبنده است.

و غمانگیزتر اینکه آنان ملتهای ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما

وابستگی به
ابرقدرتها را از
فرائض دانسته‌اند

را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسليم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسنده‌گان و گویندگان غرب و شرق‌زده بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداعی و شناجوبی آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند. فی‌المثل، اگر در کتاب یا نوشه‌یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند. و از گهواره تا قبر به هرچه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپسزده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده‌اند. خیابانها، کوچه‌ها، معازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها، و دیگر متاعها، هرچند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مابی از سرتاپا و در تمام نشست و برخاستها و در معاشرتها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سریلنگی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب

افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پر ارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است. (۸۳)

۶۸/۳/۱۵

* * *

در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت‌زدگی و غربزدگی بکشانند و قشر روحانی با انسزا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سرو صدا، هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد. (۸۴)

۶۸/۳/۱۵

نقشه غرب برای
انحراف

رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباہی و تخدیر ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد

سال اخیر بویژه نیمة دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار، و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق، کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفعه یا نیمه مرفعه بود، و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن، و برای همراهی غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بیخبری از خویش و شخصیت خود و یا بدینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و ماثر پر ارزشی

[سوق می داد]. (۸۵)

رسانه‌ها عامل
اشاعه بدگمانی به
فرهنگ خودی

فصل سوم

اهمیت استقلال و خودکفایی

استقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب استقلال
بگنند در مملکت. مردم شریفی‌اند که قیام کرده‌اند و خون
خودشان را دارند می‌دهند در مقابل اینکه احکام اسلام را و این
ثروت خودشان را، یعنی ثروت ملت‌شان را نگذارند هدر بروند؛
احکام اسلام را نگذارند از بین بروند و زیر پا بروند. (۸۶)

۵۷/۹/۱۸

* * *

بعض مسائل، مسائل اصلی است؛ مسائلی است که بنیاد مسائل
دیگر است؛ مسائلی است که حفظ کیان اسلام و حفظ استقلال
کشور به آنها بسته است و بعد از اینکه این مسائل اصلی تحقق پیدا
کرد، مسائل دیگری است که آن مسائل باید دنبال بشود. ما الان
مبتلاء هستیم به یک رشته از مسائل اصلی که اسلام به آن بسته
است و استقلال کشور. باید همهٔ ما تمام همّمان را و تمام قدرتمان
را صرف در این مسائل اصلی بگنیم و بعد از آنکه ایرانِ مستقلی و
اسلام پیاده شده‌ای داشتیم، دنبال مسائل فرعی برویم، و

ان شاء الله آن مسائل را هم متحقق کنیم.(٨٧)

٥٨/٣/٢٥

* * *

در هر کشور کارگر و کشاورز اساس آن کشور است. اساس اقتصاد یک کشور بسته به کار کارگر و کار کشاورز است؛ و مع الأسف این دو جبهه اقتصادی، که اساس اقتصاد بر آن بود، در زمان رژیم سابق شکست خورد.(٨٨)

٥٨/٤/٤

کارگر و کشاورز
اساس اقتصاد
کشور

ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان، نتواند کفاف برای خودمان باشد، و دستمن دراز باشد پیش امریکا و امثال امریکا برای ارزاقمان، خوب ما وابسته خواهیم بود؛ نمی توانیم کاری انجام بدھیم؛ آن وقت در جهات سیاسی هم باید وابسته بشویم. باید شماهایی که، مردمی که مشغول کشاورزی بودند، باز هم مشغول باشند. کسانی که پیشتر به واسطه مشکلاتی که برایشان ایجاد شده بود، نمی توانستند عمل بکنند، حالا عمل کنند، دولت هم لازم است که پشتیبانی کند از کشاورزها؛ همراهی کند با آنها؛ هم آنها مشغول باشند؛ و هم دولت تا اینکه راجع به کشاورزی - که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج - اینطور نباشد که ما باز هم گرفتار باشیم، و دستمن پیش خارجیها دراز باشد برای اینکه نان به ما بدهید.(٨٩)

خودکفایی در
کشاورزی اساس
استقلال است

٥٨/٨/٥

* * *

ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناحها خودکفایی باشیم. امکان ندارد که استقلال به دست بسیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد. و همین طور اگر در فرهنگ، ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می‌کنیم. (۹۰)

۵۸/۸/۱۱

ضرورت استقلال
اقتصادی و
خودکفایی
همه‌جانبه

اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید، باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفای باشید؛ مستغنی باشید. کشاورز باید کاری بکند که دیگر ما احتیاج گندم به خارج نداشته باشیم. (۹۱)

۵۸/۸/۱۱

خودکفایی،
زمینه‌ساز استقلال
کشور

همه ما موظفیم به اینکه کشوری را که از گلوی استعمار بیرون کشیدیم، حالا خودمان اداره‌اش کنیم به طوری که دیگر محتاج به آنها نباشیم.

این احتیاج به دشمن؛ تلخترین چیزهایی است که در ذایقۀ انسان باید باشد. یک وقت انسان احتیاج دارد به برادرهای خودش؛ این هم خوب نیست؛ لکن یک وقت احتیاج داشته باشد به دشمن خودش؛ یعنی آنی که در طول تاریخ ما را استضعف کرده است، در طول تاریخ به ما خیانت کرده است، جنایت کرده است، حالا ما محتاج به او باشیم در ارزاقمان، دستمان را پیشش

ضرورت
خودکفایی و پرهیز
از اظهار نیاز به
دشمنان

دراز کنیم که گندم بده، دستمان را پیشش دراز کردیم که مستشار [بیاور] این به نظر انسان، تلخترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد که پیش دشمنش، پیش آنکه همه چیزش را ازین برده، دست دراز کند که به من ارزاق ما را بده. باید ملت ما این تحول را پیدا بکند که عارش باید که به امریکا بگوید گندم به ما بده، یا مستشار به ما بده، خودش باید دنبال کار خودش باشد، خودش باید قیام کند و حوايج خودش را برآورد. (۹۲)

۵۸/۸/۱۱

* * *

اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر، اگر احتیاج داشت که نمی‌تواند مستقل باشد. احتیاج، خودش یک بستگی [سیاسی] است. اگر یک روزی آن کسی که ما به او محتاج - فرض کنید - باشیم، یک روزی جلویش را بگیرد، خوب ما باید تسلیمش بشویم. ما باید کاری بکنیم که مستقل بشویم. کاری بکنیم که محتاج نباشیم؛ این هم به این است که دانشگاهی بنایش را بر این بگذارد که در دانشگاه خودش کاری بکند که آن مقداری که مملکت خودش محتاج [است] بتواند آن مقدار را درست بکند. (۹۳)

۵۸/۸/۱۱

* * *

و اما قضیه اقتصاد: ما یک ملتی هستیم که به این گرسنگی خوردنها عادت کرده‌ایم. ما سی و پنج سال، یا پنجاه سال می‌گویید ما در این گرفتاریها بودیم و عادت داریم به این گرسنگی خوردنها. ما روزه

خودکفایی شرط
اول استقلال

استقلال کشور
بالاتر از هر چیز

می‌گیریم، ما یک وقت غذا می‌خوریم. اگر بنا باشد که آنها محاصره اقتصادی بکنند، فرضًا که بتوانند و همه ملتها تبع ایشان بشوند، و حال آنکه این خیالی است خام، و همچو چیزی تحقق پیدا نمی‌کند. فرضًا که تحقق پیدا بکند، ما همان جو و گندمی که خودمان در مملکت خودمان کشت می‌کنیم، اقتصاد می‌کنیم، و برای خودمان همان مقدار کافی است. ما در هر هفته یک روز گوشت می‌خوریم. گوشت خوردن خیلی چیز خوبی هم نیست. و یک وعده هم ممکن است غذا بخوریم. ما را از این چیزها اینها نترسانند. اگر امر دایر بشود بین اینکه آبروی ما حفظ بشود یا شکممان سیر بشود، ما ترجیح می‌دهیم که آبرویمان حفظ بشود، شکممان گرسنه باشد. (۹۴)

۵۸/۸/۱۹

* * *

در رأس همه چیزها این است که یک کشوری راجع به ارزاقش محتاج نباشد به خارج. راجع به گوشتیش و راجع به نانش و راجع به اینطور چیزهایش محتاج نباشد. و این لازم است که دامداریها رواج پیدا کنند و همین طور کشاورزی به طور وسیع درست بشود. (۹۵)

۵۸/۱۰/۴

خودکفایی در رأس
امور

مسئله اقتصاد هم همین طور که اشاره کردید این یک مسئله مهمی است که وابستگی اقتصادی، بسیاری از وابستگیها را می‌آورد دنبال خودش. ما باید کاری بکنیم که زاید بر خودکفا باشیم. یعنی

اقتصاد مسئله
مهمی است

کشور ما یک کشوری است که می‌تواند از درآمد خودش زاید بر خودش داشته باشد، زیاد و صادر کند، مع الأسف این بساط اصلاحات ارضی، برنامه‌اش این بوده است که به اسم «اصلاحات ارضی» اینظور کند که به عقب رانده بشویم.(۹۶)

۵۸/۱۰/۵

* * *

اقتصادمان تابع خارج باشد آن وقت یک روز می‌بینید که خارجیها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند، وقتی که در را بستند ما باید تسلیم آنها بشویم که هر چه می‌گویند عمل کنیم. و این شایسته یک مملکت اسلامی، یک جمهوری اسلامی نیست که پیوسته به غیر باشد در اقتصادش، در گندمش، در جوش، در برجش، در اینها. این باید با همت کشاورزها، با همت قشراهای متوجه، با همت دولت که کمک بکند به کشاورزها، و با اینکه همه احساس یک وظیفه بکنند. یک وقت این است که انسان می‌خواهد برای منافعش یک کاری بکند، گندم زیاد بشود که منفعت ببرد، خوب، این یک مسئله‌ای است که یک قدری هم اختیارش با خودش [است] آن نمی‌خواهد نمی‌برد. یک وقت کشور شما در یک حالی واقع شده است که وظیفه شرعی الهی است که کارهایی بکنید که وابسته به غیر نباشید.(۹۷)

۵۸/۱۰/۵

* * *

آنها نترسانند یک ملتی را که می‌خواهد خودش را به کشتن بدهد تا استقلالش را حفظ بکند. این استقلالی که ما پیدا کردیم و این

خودکفایی و
استقلال، شایسته
مملکت اسلامی

استقلال کشور،
هدیه‌ای آسمانی

آزادی که ما پیدا کردیم یک هدیه آسمانی است، یک هدیه الهی است به ما رسیده، و ما مکلفیم این را حفظش کنیم. اگر ما این را حفظش نکنیم به نعمت خدا، قدردانی از نعمت خدا نکرده‌ایم، کفران کرده‌ایم نعمت خدا را، ما باید این را حفظش بکنیم. (۹۸)

۵۹/۳/۱۴

* * *

اگر ما خودمان رشید باشیم و حالایی که ما پیروز شدیم نسبت به این مسائلی که تا حالا بوده است، اگر بنا باشد که ما رشد نداشته باشیم که اداره کنیم مملکتمان را، نتوانیم اداره کنیم مملکتمان را، خودمان نتوانیم که آن چیزی که امانت دست ماست حفظش بکنیم، اگر همچو رشدی نداشته باشیم، خوب محتاج به قیّم هستیم؛ در دنیا می‌گویند اینها قیّم می‌خواهند؛ یک دسته‌ای هستند قیّم می‌خواهند، باید یک کسی بباید قیمومت کند، یا امریکا باشد یا شوروی باشد. ما باید از اول متوجه این معنا باشیم که خودمان هستیم، خودمان را گم نکنیم؛ خیال نکنیم که نیستیم دیگر، یک دسته دیگر باید ببایند ما را اداره کنند. الآن خوب، شماها باید اداره کنید. (۹۹)

۵۹/۳/۲۰

* * *

این متعایی که گیر شما افتاده است در دنیا نظری ندارد، دیگران به این متعای نرسیدند. استقلالی که شما پیدا کردید دیگران به آن نرسیدند. آزادی که شما پیدا کردید دیگران به آن نرسیدند. این آزادی، حفظش و نگهداری اش، این استقلال، حفظ و

استقلال در اداره
کشور

استقلال، بالاترین
ارزش

نگهداری اش زحمت دارد.(۱۰۰)

۵۹/۱۰/۸

* * *

اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان و سایل زندگی را فراهم کنیم، خودمان برای خودمان کار بکنیم، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم، یاد بگیریم لکن بعد از یادگرفتن خودمان کار بکنیم، نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یکی گلیمی هم که می خواهیم، یک پتویی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند، یک تفنگی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند، اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می آید که ما بخواهیم که خودمان و سایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان. باید کارهای خودمان را انجام بدھیم.(۱۰۱)

بیداری و اراده،
مقدمه خودکفایی

۵۹/۱۰/۲۹

* * *

یک مملکت اگر بخواهد خودش به پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه ابعاد، چاره ندارد جز این تفکر که «ما باید از خارج چیز وارد کنیم» از کله اش بیرون کند. مغزش توجه به این بکند که ما از خارج نباید وارد بکنیم. اگر یک چیزی نداریم، از خارج برایمان نمی آورند آن [را] فلان کار را انجام نمی دهیم، تا خودمان درست کنیم. اگر یک وقت دیدیم که ما چنانچه یک کارخانه ای را نمی توانیم راه بیندازیم، اتکال به این نکنیم که برویم از خارج بیاوریم. خودمان دنبالش برویم تا کار انجام بگیرد، و

قطع وابستگی به
خارج

انجام می‌گیرد.(۱۰۲)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

باید اتحادتات را حفظ کنید تا کشورتان استقلال داشته باشد، تا
شریف باشید. ما اگر سر سفره نان جوین داشته باشیم، بهتر است
تا در [کاخهای] بزرگ زندگی کنیم، ولی از آنجا دستمنان به طرف
دیگران دراز باشد. شرافت این را اقتضا می‌کند.(۱۰۳)

استقلال، عامل
شرف

۶۰/۷/۱۱

* * *

خداؤند به ما منت گذاشت که اسلام را و ایران را به ما برگرداند و
ما خودمان ان شاء الله، الآن کار خودمان را انجام می‌دهیم و باید
بدانیم که باید فکرمان این باشد که ما خودمان می‌خواهیم کار
بکنیم. اصلاً، فکر اینطور باید برگردد که مملکت، مملکت
خودمان است، خودمان هم باید آبادش کنیم. کشاورز باید همین
فکر را داشته باشد، آنهایی که در کارخانه‌ها عمل می‌کنند باید
همین فکر را داشته باشند، آنهایی که در موارد صنعتی و اینها کار
می‌کنند باید فکرشان این باشد که کشور مال خودمان است، وقتی
مال خودمان است، معنا ندارد که یکی دیگر بباید اداره‌اش کند،
باید خودمان اداره‌اش کنیم. آن جور نباشد که سر هر کارخانه‌ای
باید کسان دیگری ببایند و ببایند که نگذارند اینجا پیش‌رفت کند.
آمدن، برای این بود که کارها را آنها تکفل کنند، پادویی را به
اینها بدھند.(۱۰۴)

استقلال، در
آبادسازی کشور

۶۰/۱۲/۱۷

* * *

باید ما که یک کشوری هستیم توجه به خدا می‌خواهیم داشته باشیم، می‌خواهیم خودمان مستقل باشیم، می‌خواهیم خودمان همین کار فقیرانه‌ای که داریم، مال خودمان باشد، ما نمی‌خواهیم که همه چیزهای بزرگ را داشته باشیم و اسیر باشیم. ما البته اگر آن هم تسليم هر کدام از قدرتها بشویم، هر چه بخواهیم به ما می‌دهند. آن هم اگر شما دولتتان، ملتتان تسليم بشوید به امریکا، سرشار همه چیز به شما می‌دهند. اما چی؟ همان چیزی را می‌دهند که به حیواناتشان می‌دهند، همان چیزی را می‌دهند که به اسب‌هایشان می‌دهند، همان چیزی را می‌دهند که به نوکرهایشان می‌دهند. اما اگر ما بایستیم و بگوییم نه، ما نه شرقی هستیم و نه غربی؛ نه این را می‌خواهیم، نه آن را می‌خواهیم و با هیچ کس هم دعوا نداریم، هر کس با [ما] مصالحه دارد و حاضر است که ما با استقلال خودمان زندگی کنیم، ما با او هم روابط داریم و هر کس این معنا را ندارد، ما نمی‌خواهیم روابط داشته باشیم. (۱۰۵)

عزت در استقلال و
ذلت در وابستگی

۶۱/۹/۱۱

* * *

وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی‌تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالیٰ کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید. (۱۰۶)

خودکفایی و
استقلال در تمام
ابعاد

۶۸/۳/۱۵

* * *

فصل چهارم

تأکید بر خودبادی. خودکفایی
و استقلال مسلمانان و مستضعفان

متوجه اسلام شویم
تا استقلال
شخصیت پیدا
کنیم

ما استقلال شخصیت آن نداریم. و باید فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا بکنیم. توجه بکنیم به تاریخ اسلام که ببینیم اسلام در دنیا چه کرده و چه کارهایی اسلام کرده. که اینهایی که می‌گویند که از اسلام کاری نمی‌آید، یا می‌گویند که آن دیگر مثلاً قدیمی شده است اینها، از بابت این است که نمی‌فهمند، اینها بسیارشان ملتفت نیستند اصلش. توجه نکردن. برای همین معنا که محتوا را غربیها کشیدند؛ و به جای آن تزریق غربیت کردند
لهذا همه چیز را می‌گویند از آنجا بیاور.(۱۰۷)

۵۸/۳/۲۰

* * *

خودشناسی، عامل
استقلال

تا اینها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را نشناشتند نمی‌توانند مستقل باشند. شما هرچه هم زحمت بشکید، تا دانشگاه ما آن مغز غربیش را کنار نگذارد و یک مغز شرقی پیدا نکند، نمی‌تواند مستقل باشد. دائمًا حرف، حرف آنهاست. فوج فوج از اینجا باید بروند اروپا برای

تحصیل. اگر هم اروپا نزوند، اینجا نمی‌پذیرند آنها را. کلام سر این است که ملت هم این طور شده! مردم هم این طور شده‌اند، دولت هم همین طور است، همه همین طور، همه این جوئند دیگر که تا این نرود یک مدتی در - فرض کنید که - فرانسه، ولو آنجا برود و کاری دیگر نداشته باشد - اکثراً هم شاید این طوری باشند. آنجا می‌روند یک کارهای دیگری می‌کنند - ... وقتی که آمد اینجا، آنها هم زود به اینها ورقه می‌دهند! برای اینکه نمی‌خواهند که یک آدم دانشمند بفرستند؛ می‌خواهند یک آدم ورقه‌دار بفرستند! اصلاً برنامه این است که این اشخاصی که می‌روند در آنجا و صاحب دیپلم می‌شوند و [صاحب] تصدیق می‌شوند، این طور نیست که آنها تصدیق کرده باشند اینها را، این تصدیق استعماری است! تصدیق استعماری. بنای آنها بر این است که خودشان یک جور تصدیق می‌کنند - به این زوییها به [خودشان] تصدیق نمی‌دهند - به ما هم یک جور، به ما زود تصدیق می‌دهند! برای چه؟ برای اینکه نمی‌خواهند که ما یک چیزی داشته باشیم. نه، آنها نه! همیشه ما محتاج به آنها باشیم و همیشه انگل باشیم. تا ما از آن غربزدگی در نیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم، نمی‌توانیم مستقل باشیم؛ نمی‌توانیم هیچ داشته باشیم. (۱۰۸)

۵۸/۶/۱۰

* * *

برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرت‌های شرق و غرب می‌برند؛ و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید.

شخصیت اسلامی
خود را بیابید

و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را - که در رأس آن امریکاست - افشا کنید. (۱۰۹)

۵۸/۷/۷

* * *

شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین فرهنگ، مترقبترين فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند، و دستش را پیش غرب دراز نکند، پیش این غرب و از غرب یک چیزی بخواهد، خودش باید درست بکند. سابق اینظرور بوده است که کتب طبی شرق در اروپا رفته است، و اروپا را طبیب کرده و آن طبیبهای بزرگ را درست کرده - کتب شرق بوده است؛ کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است. (۱۱۰)

۵۸/۸/۶

فرهنگ اسلامی،
فرهنگ خودکفایی

من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر، گرفتاری‌های خود و منشأ آن را بدرست ادراک کنند؛ و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند. مسلمین که در آستان این قرن دردهای جانفرسای خود را یافته، و از قدرتهای شیطانی بزرگ جز گرفتاریهای گوناگون و چپاولگریها و جنایات چیزی ندیده‌اند، باید با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولتها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند، و

مسلمین باید
فرهنگ و اصالت
خود را بیابند

فرهنگ مترقب اسلام را - که الهام از وحی الهی می‌گیرد - بشناسند و بشناسانند. [باید] شرق و آفریقای عزیز - این قاره‌ای که با نهضت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیرون آمد - و کشوری بعد از کشور دیگر [را] از چنگال امریکا و کشورهای استعمارگر دیگر نجات داد، باید روی پای خودشان بایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند. کشورهای افریقا و آسیا و سایر کشورهای درین دنیا در قاره‌های دیگر باید بدانند که آنچه از غرب و شرق توطئه گر و استعماری و از امریکای مت加وز بر کشورهای ستم‌کشیده صادر می‌شود تباہی و فساد آن قابل مقایسه با اصلاح آن نیست. (۱۱۱)

۵۸/۸/۷

* * *

الآن تا ممالک شرق، ممالک اسلامی، تا اسلام را نیابند، نمی‌توانند زندگی شرافتمندانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند. اسلام از دستشان فرار کرده بود. ما الآن اسلام را نمی‌دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها، که اسلام را مأْگُمَش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید نمی‌توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز، که کعبه معظمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال، گرفته تا آخر بلاد مسلمین، اسلام گُم است پیششان، نمی‌دانند چیست. و لهذا مسلمین جمع می‌شوند در مکه معظمه، در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین، اجتماع معنوی مسلمین جمع می‌شوند و نمی‌دانند چه می‌کنند؛ استفاده اسلامی از آن نمی‌کنند. یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلاً غفلت از

استقلال
اسلام، شرط

همه مسائل مسلمین [است]. باید اسلام را پیداиш کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا بکنند، ولی مع الأسف ما گم کردیم اسلام را. آن اسلامی که الان دست ماست که بکلی از سیاست جداش کردند؛ سرش را بریدند. آن چیزی که اصل مطلب است از آن بریدند و جدا کردند، و مابقیش را دست ما دادند. همان ما را به این روز نشانده است که ما نمی‌شناسیم سر اسلام را، ما نمی‌شناسیم. ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را، نمی‌توانند به مَجْد خودشان برسند.(۱۱۲)

۵۸/۸/۱۱

* * *

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مدامی که ملتها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشاندند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبهتیهای ملتهاست و ملت ماست.(۱۱۳)

تا خودمان را گم
کرده‌ایم، استقلال
نداریم

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

تکیه بر فرهنگ
اصیل شرق

شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صددند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند، و شما باید مقاومت کنید. شما باید می خواهید مستقل باشید، می خواهید آزاد باشید، می خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزها بنای بر این بگذارند که خودشان از زمین روزی خودشان را بیرون بیاورند و مملکت را خودکفا کنند. و باید کارخانه‌های ما خودکفا بشود. و باید صنایع را خود این مردم، خود این توده‌های مردم، صنایع را رشد بدهند. و باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند. بنا از اول هر امری این است که انسان اراده کند یک مطلبی را همچو نترساندش که نتواند اراده بکند، قبلًا ما را همچو از دستگاه مثلاً سلطنت ترسانده بودند که اراده نمی‌کردیم مخالفت را. نمی‌توانستیم اراده کنیم که مخالفت کنیم. احتمال نمی‌دادیم که ما بتوانیم مخالفت کنیم. لکن خدای تبارک و تعالی، خواست و شما اراده کردید و شد. حالا هم همین طور است. نترسید از غرب. اراده کنید. دانشمندهای ما نترسند از غرب. اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب. و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند، و شرق اراده کنند که در مقابل غرب قیام کند. (۱۱۴)

خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسباب جدایی قلبهای ندانند.
مرزها جدا، قلبهای با هم. مسلمین دارای قدرت بسیار هستند، و
دارای خزاین بسیار. چنانچه با هم مجتمع بشوند، چنانچه مسلمین
با هم اتحاد پیدا کنند، با حفظ مرزهای خودشان، لکن قلبهایشان با
هم متحد بشود، اینها جمعیت بسیار کثیری هستند؛ یک میلیارد
جمعیت. شاید آن بیشتر باشند. و خزاین بسیار دارند. و احتیاج به
هیچ کشوری ندارند. و همه کشورها تقریباً به آنها محتاج
هستند.(۱۱۵)

خودکفایی
مسلمانان

۵۸/۹/۱

* * *

باید عرض کنم که تا ملت شرق خودش نفهمد این معنا را که
خودش هم یک موجودی است، خودش هم یک ملتی است،
شرق هم یک جایی است، نمی‌تواند استقلال خودش را به دست
بیاورد. اینها در طول زمانهای بسیار طولانی با تبلیغات بسیار زیاد،
حتی به دست خود قشرهای ملتها، خود حکومتها، طوری
کردنده که ملت شرق خودش را بکلی در مقابل غرب و در مقابل
ابرقدرتها باخته است و گم کرده خودش را، مکتبش را گم کرده.
مکتب بزرگ اسلام که رأس همه مکاتب است، و در شرق
است، شرق او را گم کرده است. تا این مکتب را پیدا نکند شرق و
نفهمد مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک
موجودی است و کشورش هم یک کشوری است، نمی‌تواند مقابله
کند با غرب. برای اینکه هر جور مقابله‌ای که بکند، آنها روی آن
تبلیغاتی که دارند این مقابله را خشی می‌کنند. شماها فکر این
بکنید که مملکت خودتان را هر کدام در هر جا که هستید بیدار

شرق مکتبش را
پیدا کند

کنید ملت خودتان را.

ملت خودتان را بفهمانید که شما هم یک موجودی هستید.

شما هم مکتب دارید. شما هم ذخایر دارید. شما هم همه چیز دارید. و آنها از دست شما همه چیز را گرفته‌اند. و از همه بالاتر اینکه انحراف در ملتها پیش آورده‌اند. جوانها را منحرف کردند. یک انحراف، انحراف مکتبی است که مکتبهای خود شرق را، مکتب بزرگ اسلام را منحرفاً به مردم تحویل دادند. عرضه کردند. آنکه اسلام است نبود و چیز دیگری مبتذل در دست مردم دادند. و آن مکتبهای مبتذلی که در خود آنجاها هم که این مکتبها بوده است شکست خورده‌اند. در اینجاها او را ترویج کردند. به طوری که جوانهای ما شیفتۀ آن مکتبها شدند. (۱۱۶)

۵۸/۱۰/۲۰

* * *

مسلمانها باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند. اینکه در ذهن جوانهای ما کرده‌اند که باید مثلاً فلان مکتب در اینجا پیاده بشود، مکاتب شما چیزی نیستند، اینها همین تعلیماتی است که ابرقدرتها در ایران پیاده کرده‌اند. آنها یک همچو فرهنگی را برای ما درست کردند که ما از خودمان بیخود بشویم، و آنها تمام چیزی که ما داریم و حیثیتی که ما داریم ببرند. باید ما برگردیم به حال اول اسلام، باید مسلمین برگردند به همان حال که با جمعیت کم غلبه کردنده بر همه قدرت‌ها. (۱۱۷)

مسلمانها باید
خودشان را پیدا
کنند

۵۹/۲/۳۰

* * *

آن روزی می‌توانیم ما و شما از تحت سیطرهٔ ظلم، ظلم قدرت‌های بزرگ، بیرون برویم که با یک میلیارد جمعیت و با آن همه ذخایری که ما داریم خودمان را پیدا کنیم و اسلام را پیدا کنیم و توجه به اسلام بکنیم و با فرمان خدا عمل بکنیم. اگر با فرمان خدا عمل بکنیم، خدای تبارک و تعالیٰ ما را نصرت خواهد کرد اُنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَيُبَيِّثُ أَفْدَامَكُمْ.^(۱) (۱۱۸)

اسلام، عامل خروج از سیطره ظلم

۵۹ / ۱۲ / ۱۰

• • •

امید است تا با هماهنگ شدن همگان و راهنماییهای متفکران و عالمان متعهد و بیرون راندن یأس و نامیدی از خود و یافتن خویشن خوش و فرهنگ عظیم خود، بزودی به استقلال کامل دست یابیم، و ملت مظلوم بتواند به مدارج عالیه معنوی و مادی خود بر سد.^(۱۱۹)

با یافتن خویش، به
استقلال دست
می‌یابیم

٩١/٧/٢

• • •

ما استقلال خودمان را حفظ می‌کنیم، آزادی خودمان را حفظ می‌کنیم، و ما امیدواریم که پرتو این استقلال و آزادی به همه دنیا بیفتند و مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین بیرون بروند، و این یک چیزی است که به عهده علمای اسلام است. (۱۲۰)

رسالت علمای اسلام

٦٣ / ٢ / ٢٣

• • •

۱. سوره محمد(ص)، آیه ۷

شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه عمال بدبخت خود و رسانه‌های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده‌های اخیر و بالاخص در عصر حاضر، همه دولتها و ملت‌های اسلامی را در اسارت کشیده‌اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دسترنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می‌برند؛ و در صدد هستند که حکومتها را گوش و چشم بسته و درست به خدمت خود گمارند، و ملت‌ها را به دست آنان مصرفی بار بیاورند و از رشد انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم با حیله‌ها و توطئه‌های شیطانی جلوگیری کنند، و وابستگی هرچه بیشتر و اتکا به غرب و شرق را روزافروزن کنند، و مجال تفکر برای استقلال و ابتکار را به هیچ کس ندهند، و نفسهایی که برای بیداری ملت‌ها آمده‌اند در سینه‌ها خفه کنند. و وضع نکتبواری که در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مظلوم مشاهده می‌کنید زایدۀ همین توطئه‌های دشمنان مشترک مسلمانان و مظلومان است. (۱۲۱)

تفرقه مانع استقلال
مسلمین

۶۴/۵/۲۵

* * *

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها باید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لاقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای

ملتهای ستمدیده،
پیش به سوی
استقلال

صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرphe و بالاتشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همهٔ مواهی زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرphe و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرت‌های بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملت‌ها هرجه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیله‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب مانده و مصرفی بار آورده‌اند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند.

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پیاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محروم‌مان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی و عده فرموده است. (۱۲۲)

فصل پنجم

فرهنگ و از خود بیگانگی

برنامه‌های فرهنگی
رژیم شاه،
تضعیف‌کننده
جوانان

شما مظاهر تمدن را وقتی که در ایران می‌آید همچو از صورت طبیعی خارجش می‌کنید، همچو از صورت طبیعی خارجش می‌کنید که چیز حلال را مبدل به حرام می‌کنید. این رادیو برای این بساطی است که حالا در ایران مرسوم است؟ این تلویزیون برای این بساطی است که اینها راه انداخته‌اند؟ در ممالک دیگر هم همین طور است؟ ممالک متmodernه هم استفاده‌شان از این آلات جدید همین جور است که آقایان اینجا استفاده می‌کنند؟ تربیت بد در این مملکت است. فرهنگ ما یک فرهنگی نیست که بتواند این مملکت را اداره کند؛ جوان نیرومند قوی که در مقابل استعمار بایستد، دستش را بلند کند، کشته بشود و نجات بدهد ملت را؛ این فرهنگ ما فرهنگی نیست که اینکاره باشد. اینها اعصاب مردم را با این بساطی که در اینجاها راه می‌اندازند و با این برنامه‌هایی که در رادیو و تلویزیون و اینها هست [ضعیف می‌کنند] و **أَضِفْ إِلَى ذَلِكَ مَطْبُوعَاتٍ مَا وَرُوزنَامَهَاتِ مَا وَمَجَالَاتٍ مَا وَكَتَابَهَا يَبْيَسْ كَهْ مَتَشَرْ مَيْ شَوْدَ، تَمَامَ اِيْنَهَا بَهْ دَسْتَ اِسْتَعْمَارَ** است؛ استعمار است که روزنامه‌ها را اینطور مبتذل می‌کند تا فکر جوانهای ما را مسموم کند. استعمار است که برنامه‌های فرهنگی ما را

۱۰۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

جوری تنظیم می‌کند که جوان نیرومند در این مملکت نباشد.
استعمار است که برنامه‌های رادیو و تلویزیون را جوری تنظیم می‌کند
که مردم اعصابشان ضعیف بشود؛ قوت را از دست بدنه؛ نیرومندی
را از دست بدنه. اینها استعمار است. ما با این مظاهر استعماری
مخالفیم. (۱۲۳)

۴۳/۱/۲۶

* * *

آنچه می‌توان گفت ام الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ
اجنبی استعماری است که در سالهای بسی طولانی جوانان ما را با
افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن
زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای
استعمارزده حاصل نمی‌شود. (۱۲۴)

فرهنگ استعماری
ام الامراض است

۵۰/۲/۲۸

* * *

فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. اگر
فرهنگ ناصالح شد، این جوانهایی که تربیت می‌شوند به این
تربیتهای فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ
استعماری، جوان استعماری تحويل مملکت می‌دهد. فرهنگی که
با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه کشی
می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحويل جامعه ما بدene،
این فرهنگ فرهنگ استعماری و انگلی است. و این فرهنگ از
همه چیزها، حتی از این اسلحه این قدرها بدتر است. (۱۲۵)

فرهنگ استعماری،
جوانان استعماری
تحويل می‌دهد

دی ۱۳۵۶

* * *

یک ملتی احتیاج به فرهنگ دارد، ملت با فرهنگش زندگانی سیاسی می‌تواند بکند. ما فرهنگمان یک فرهنگی است که استقلال ندارد و مربوط به خود مردم نیست، بلکه اداره‌اش باید به دست خارجیها بشود و به امر آنها تنظیم بشود برنامه‌هایش؛ و لهذا یک فرهنگ سالم تحویل نمی‌دهند؛ یک فرهنگیان سالم تحویل به ما نمی‌دهند. اساتید دانشگاه نمی‌توانند، نمی‌توانستند که به کار خودشان آنطور که باید ادامه دهند. دانشجوهای دانشگاهها نمی‌توانند به آنطوری که می‌خواهند به کارشان ادامه بدهند. همه دستگاهها باید دستگاه مداعی برای «آریامهر» باشد همه؛ همه باید یک کلام دستگاهی باشد که اداره ظلم را تقویت کند. (۱۲۶)

۵۷/۸/۲

فرهنگمان به خود
مردم مربوط نبوده
است

بالاترین ضرری که به این مملکت خورد این بود که نیروی انسانی اش رفت. حالا باید از سر این نیرو پیدا بشود. «خدمت» به وطن کرد! خدمت به وطن! زراعتش را بكلی از بین برد، فرهنگ را بكلی از بین برد و ساقط کرد. اگر ما فرهنگ داشتیم که این بازی سرمان در نمی‌آمد. (۱۲۷)

۵۷/۱۱/۱۴

اگر فرهنگ داشتیم
بازی نمی‌خوردیم

ان شاء الله بعد از اینکه حکومت اسلامی استقرار پیدا کرد، نقیصه‌ها را همه با هم باید رفع بکنیم، که در رأس آنها فرهنگ است. فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که

فرهنگ ما را استعماری کنند. کوشش کردند که نگذارند انسان پیدا
باشود. آنها از انسان می‌ترسند، از آدم می‌ترسند. آنها کوشش
با فرهنگ
کردند در این سالهای طولانی، و خصوصاً در این پنجاه و چند
استعماری، رشد
سال، که رجال در ایران پیدا نشود. تحصیلات را به طوری قرار
انسانی حاصل
دادند که رشد تحصیلی و انسانی پیدا نشود. ما را همچو
نمی‌شود
ترساندند، همچو با تبلیغات خودشان مهاها را ترساندند که از
خودمان می‌ترسیدیم، به خودمان اعتماد نداشیم. (۱۲۸)

۵۸/۱/۲۹

* * *

استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را، از دست ما گرفتند. این
عدم استقلال فکری
بدتر از آن استقلال گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت. ما
روحیه خودمان را از دست داده بودیم. هرچه می‌شد در ذهن همه
این بود که باید از خارج این کارها درست بشود می‌خواستند
و روحی
اسفالت کنند یک خیابانی را، یا بین این شهر با آن شهر یک خطی
بکشند، آن باید از خارج بیاید. اهانت کردند به نیروهای انسانی ما،
محتووا را گرفتند. تا یکی مریض می‌شد، این باید انگلستان برود؛
حالا هم باز تتمه‌اش هست. اطبا که گاهی می‌آیند اینجا، می‌گویند
ما خودمان می‌توانیم معالجه کنیم اینهایی که می‌برند آنجا، ما هم
می‌توانیم معالجه کنیم، لکن مردم را جوری بار آوردند که سلب
اطمینان کردند از خودشان، استقلال فکری را از ما گرفتند. (۱۲۹)

۵۸/۳/۹

* * *

نمی‌توانستند بگویند که فرهنگ نباشد، می‌گفتند باشد؛ اما

برنامه‌ها جوری درست شد که به درد خود ملت نخورد. و بالاتر از این، این است که تبلیغات زیاد برای اینکه محتوای ما را از ما بگیرند؛ خودمان را به خودمان بدین بکنند؛ دانشگاهی را از روحانی جدا کنند، بلکه دشمن کنند؛ روحانی را با دانشگاهی جدا بکنند، بلکه دشمن بکنند؛ بازاری را با کذا. همین طور اینها را محتواشان را بگیرند و بدین کنند.

و بدتر از آن، این است که محتوای اشخاص را بگیرند که اطمینان به خودش هم نداشته باشد. (۱۳۰)

۵۸/۳/۲۰

* * *

نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از ما جدا کردند. و غرب در شرق آنطور نفوذ کرد که شرق خودش را باخت، و محتوای بسیاری از جوانهای ما را گرفت. اما ما گمان می‌کنیم که باید تمام ملتها و دولتها توجه خودشان را به این نقطه نظر منعطف کنند که این شکست روحی را از ملتها جدا کنند، و گمان نکنند جوانهای ما که هرچه هست، در غرب است، و خودشان چیزی ندارند. (۱۳۱)

۵۸/۳/۲۱

* * *

ما خودمان هم فرهنگی باید داشته باشیم؛ و فرهنگ ما فرهنگ غنی است، نمی‌توانند اینها ادراک کنند. و این برای این است که این قدر از بچه این قدری که توی جامعه آمده است، در ظرف این ۵۰ سال پنجاه و چند سالی که ما شاهدش بودیم، این بچه کوچک

برنامه فرهنگ این
بود که محتوا را از
ما بگیرند

با جدا کردن
فرهنگ اسلامی،
شرق خودش را
باخت

چون فرهنگ از
خودمان نبوده،
مغزاها وابسته شده

تا آن آخر، تمام تعلیم و تربیتش، تعلیم و تربیت فرهنگ خارجی بوده. فرهنگ از خودمان نبوده، تعلیم و تربیت این بوده، وابستگی بوده. مغزهای این بچه‌های ما را از کوچکی وابسته تربیت کرده‌اند، تا رسیده‌اند به جوانها که حالا می‌بینید که همین جوانها نمی‌توانند تفکر کنند که ما خودمان آدمیم. می‌گویند حتماً باید یا وابسته به مثلاً فلان مملکت باشیم، یا وابسته به فلان مملکت. (۱۳۲)

۵۸/۶/۲۸

* * *

ما آن در همه چیز به گمان همه یک نحو وابستگی داریم. که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوانهای ما، پیرمردهای ما، تحصیلکردهای ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار؛ وابسته به غرب است، وابسته به امریکاست. ولهذا حتی آنها یک سوءنيت ندارند و خیال می‌کنند می خواهند خدمت بکنند به مملکت خودشان، از باب اینکه راه را درست نمی‌دانند و باورشان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند. و این وابستگی سرمنشأ همه وابستگیهاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست؛ وابسته اجتماعی هم هست؛ سیاسی هم هست. همه اینها هست. (۱۳۳)

۵۸/۸/۴

* * *

غرب همه چیز استعماری دارد. طب استعماری دارد. فرهنگ

استعماری دارد. همه چیز استعماری دارد، صادر می‌کند برای کشورهایی که عقب‌افتاده‌اند به اصطلاح آنها، آن چیزی که مناسب با آنجاست، به طوری که وابستگی داشته باشد. آنها می‌خواهند ما وابسته باشیم، و چیزهایی که به ما می‌دهند چیزهایی است که وابستگی می‌آورد. استقلال نمی‌خواهند ما داشته باشیم. استقلال فرهنگی نمی‌خواهند داشته باشیم. استقلال فکری نمی‌خواهند داشته باشیم. عُمالی که آنها تربیت کرده‌اند در پیش خودشان و صادر کردند برای ما، آنها هم کمک کردند به آنها، و طرز فکر جامعه ما را به طوری عوض کردند که اگر یک مطلبی غربی نباشد جامعه ما نمی‌پذیرد این را.(۱۳۴)

فرهنگ استعماری،
وابستگی فکری
می‌آورد

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمنش این سلطه فرهنگی بوده است. در آن مراکز تربیت می‌شدند بچه‌های ما به تربیتها ای که وقتی که از دانشگاهها بیرون می‌آمدند طرفدار غرب یا طرفدار شرق بودند. همین جوانهایی که شما ملاحظه می‌کنید که الان یا برای چین یا برای شوروی یا برای امریکا در ممالک مختلف فعالیت می‌کنند، و الان در ایران خصوصاً [فعالیت] می‌کنند، اینها بسیارشان از همین دانشگاهها بیرون آمده‌اند، یعنی با این تربیت بیرون آمده‌اند که خودتان چیزی نیستید! عمال آنها، چه آنها ای که قلمفرسایی می‌کردند و غریزده بودند، و چه آنها ای که در مدارس ما مشغول تربیت بودند، اینها همه این معنا را متفق‌الکلمه بودند که ما خودمان از مان چیزی نمی‌آید! ما باید دنباله غرب باشیم، یا دنباله

مصبیت بزرگ
مسلمین، فرهنگ
خودباخته است

۱۰۶ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

شرق باشیم. مصیبت بزرگ برای مسلمین همین فرهنگی است که در بین مسلمین رواج پیدا کرده، و جوانهای ما را می‌کشاند یا به آن طرف یا به آن طرف. در ایران اکثراً طرف امریکا هستند، با صورت اینکه ما کمونیست هستیم! (۱۳۵)

۵۹/۲/۳۰

* * *

این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوانهای ما را یا طرف غرب می‌کشد یا طرف شرق می‌کشد و آنها را از خودشان تهی می‌کند و وجهه آنها را متوجه به غرب و شرق [می] کند تا اینکه یا شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه فرهنگ و چیزهای دیگری را از ما بگیرند و به جای آن، یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانند و ملت ما را به تباہی بکشند.

دانشگاه زمینه ساز
خودباختگی

لکن بحمدالله، ملت ما بیدار شده است و ملت ما اجازه این اموری که به نفع شرق است یا به نفع غرب است نمی‌دهد. و ملت ما توجه پیدا کرده است به اینکه از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور مستقل باشد؛ و از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور وابسته باشد. (۱۳۶)

۶۰/۳/۲۳

* * *

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با

انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوج و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد، و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غریبه‌ها و اخیراً امریکا و شوروی قرار گرفت. و زبانها و قلمهای غربزدگان و شرقزدگان آگاهانه یا ناآگاه و اساتید غربزده و شرقزده دانشگاهها در طول مدت تأسیس دانشگاهها و خصوصاً دهه‌های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند، هر چند در بین اریاب قلم و زبان و اساتید، اشخاص متعهد و متوجهی بودند و هستند که برخلاف آن مسیر بودند و می‌باشند، لکن مع الأسف در اقلیت چشمگیر بودند. (۱۳۷)

فرهنگ، اساس
هویت و
موجودیت جامعه

فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلك زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنجیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشم می‌گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود. و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاهها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباہ نمودن نسل جوان فعل ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود. و دانشگاهها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود، می‌توانست صدها و

ضربه مهلك
دانشگاه وابسته

هزارها مدرس به جامعه تحويل دهد؛ لکن چه غم انگیز و اسفبار است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غریب‌دگان و شرق‌زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به کرسیهای قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند.

اکنون بحمدالله تعالیٰ دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد. (۱۳۸)

فصل ششم

تحول فرهنگی راه مقابله با خود باختگی

به خود آمدن و
نهراسیدن

هان ای نویسنده‌گان قدری به خود آید و از بیخردان نهراسید و
گفتنیها را بگویید و زندگی پرآشوب اروپا چشم شما را از حقایق
نبندد.(۱۳۹)

* * *

اگر فرهنگ فرهنگ صحیح باشد جوانهای ما صحیح بار می‌آیند.
اگر فرهنگ فرهنگ حق باشد، فرهنگ الهی باشد، فرهنگی باشد
که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین باشد، این افرادی
که می‌بینند که الان سر کار هستند، اینها از آنها بیرون نمی‌آمد.
فرهنگ ما یک فرهنگ استعماری است، فرهنگ ما در دست
صلحاً نیست، صالح اداره‌اش نمی‌کند.(۱۴۰)

فرهنگ صحیح
جوانهای صحیح
بار می‌آورد

۱۳۵۶ دی

* * *

مطالعه کردند که اگر فرهنگ اینها یک فرهنگ مستقل صحیح
باشد، از توی اینها یک جمعیتهای سیاسی مستقل و امین پیدا

می شود و این هم برای آنها مضر است. بناءً علیه، در جانب اسلام و روحانیت، دو چیز را سد می دیدند: یکی اصل اسلام را، و یکی هم روحانیت را؛ و در جانب دیگر باز احتمال این را که اگر این فرهنگ یک فرهنگ مستقلی باشد، در بین آنها تربیت می شوند یک جوانهای و یک رجالی [که] اگر آنها تربیت بشوند، لا محاله مقدرات مملکت دست آنها می افتد، باز هم مانع می شوند از اینکه آنها برسند به آمال خودشان، که آن آمال زیرزمینه است. روی زمینی هم هست؛ ولی مهمش آنهاست که در زیر زمین دارند. در صدد برآمدند که ... این سه تا مطلب را و این سه تا سد را بشکنند. (۱۴۱)

استقلال فرهنگی،
زمینه ساز استقلال
سیاسی

۵۷/۷/۲۳

* * *

دانشگاه اگر یک دانشگاه صحیح مستقلی که ماهما می خواهیم باشد، از این دانشگاه رجال بزرگ بیرون می آید، از آنها رجالی بیرون می آید که بعد در مقابل آنهاست که می خواهند تعدادی به مملکت ما بکنند و همه مخازن ما را ببرند، در مقابل آنها می ایستند. و آنها چون نمی خواهند یک همچو چیزی بشود، اینها را آنطور بار می آورند. و اگر توanstند غربزده آنها را بار می آورند؛ یعنی طوری می کنند، طوری این مسائل غرب را برای آنها طرح می کنند، طوری آنها را تحت تأثیر قرار می دهند که آنها از خودشان بکلی بیخود می شوند و پیوسته به آنها می شوند، یعنی عمال آنها می شوند. (۱۴۲)

لزوم تحول در
دانشگاه

۵۷/۱۰/۱

* * *

دانشگاهها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه می داشتند؛
نمی گذاشتند که اساتید ما درست بچه های ما را تعلیم کنند،
نمی گذاشتند که بچه ها تعلیماتشان درست بشود. این هم برای این
بود که می دیدند که اگر دانشگاه به طور صحیح عمل کند، مستقل
باشد، بعد که این جوانها از دانشگاه بیرون بیایند ضد استعمار
بیرون می آیند. این هم یک نقشه ای بود که اینها کشیده بودند. (۱۴۳)

۵۷/۱۱/۲۷

دانشگاه مستقل،
ضد استعمار

متشبث بشوید به اسلام. متحول کنید خودتان را. نقطه اول این
است که خود انسان متحول بشود؛ خود انسان از غربزدگی بیرون
بیاید. [آیا] باید حتماً ما وزارت خانه هایمان آنطور تشریفات داشته
باشد که هر کسی توییش برود خیال کند که در یک جایی غیر از
ایران است؟! یک جای دیگری است؟! یک بساط دیگری
است؟! (۱۴۴)

۵۷/۱۲/۱۵

قدم اول، خروج از
غربزدگی است

باید در این سال جدید عنایت زیاد بشود؛ اول به فرهنگ. این
فرهنگ باید متحول بشود. فرهنگ استعماری فرهنگ استقلالی
بشود. باید معلمینی که در این فرهنگ یا در تمام قشرهای اساتید و
عرض می کنم - اینها باشد انتخاب بشوند و اشخاص صحیح،
سالم. کسانی که جوانهای ما را تربیت صحیح بکنند نه اینکه یک
تربیت انگلی بکنند؛ چنانچه تا حالا بنا بر این بوده است که اینها را
غربی بار بیاورند، غربزده کنند. باید استقلال داشته باشید؛ باید

فرهنگ متحول
شود تا تربیت
انگلی متوقف گردد

هیچ توجه نداشته باشد که در غرب چه می‌گذرد. در غرب خیلی بد می‌گذرد! شما گمان نکنید که در غرب خیلی خبر هست، خودشان می‌گویند «در غرب خبری نیست»! خبرها هست لکن خبرهای رشد فکری و رشد انسانی کم است. شما باید مستقل باشید و رشد انسانی پیدا بکنید. بچه‌ها را، جوانهای ما را رشد انسانی بدهید. دولت باید درست توجه بکند که رؤسایی را که انتخاب می‌کند برای دانشگاهها، برای مدارس، معلمینی را که انتخاب می‌کنند آنها برای تربیت اطفال، اینها باید همه متتحول بشود از حال سابق؛ و کسانی که سابق در خدمت اشخاص بیگانه بودند یا در خدمت طاغوت بودند، حالا ثانیاً نیایند و بچه‌های ما را باز به عقب برانند. این هم یک مطلبی است که در فرهنگ بسیار مهم است. و بالاخره باید فرهنگ متتحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل، و یک فرهنگ انسانی. (۱۴۵)

۵۷/۱۲/۲۹

* * *

در جمهوری اسلامی باید تمام مسائلی که در ایران است متتحول بشود. در جمهوری اسلامی باید دانشگاهها متتحول بشود؛ دانشگاههای پیوسته، به دانشگاههای مستقل متبدل بشود. (۱۴۶)

۵۸/۱/۱۲

لزوم استقلال
دانشگاهها

بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباہی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی تحول لازم

فرهنگ باید
متتحول شود

دارد، فرهنگ باید متحول بشود. این غیر از سایر ادارات است. فرهنگ؛ غیر جاهای دیگر است. بنابراین، مشکلات زیاد است و در عین حال که من تشکر می‌کنم از اینکه شما برای مستمندان حاضرید اینکه هر جور خدمتی را بکنید و این هم ارزش دارد پیش خدا و خلق، لکن کار شما، کار اساسی شما، آن است که در فرهنگ است. این یک امر مادی است؛ یک فقر مادی است؛ که البته ارزش دارد که کمک می‌کنید؛ ارزش هم، ارزش معنوی دارد این؛ ارزش اخلاقی دارد؛ لکن آن کار مهم شما آن کارهای معنوی است که باید فرهنگ را یکجوری درست بکنید، فرهنگی را یکجوری بار بیاورید، که برای ملت شما مفید باشد؛ و این نمی‌شود جز که ایمان باشد. (۱۴۷)

۵۸/۳/۳

* * *

به این زودیها ما نمی‌توانیم این قشرهای روشنفکر و این قشرهای «آزادی» طلب را از آن محتوایی که در [مغز]شان پنجاه سال، سی سال، بیست سال تزریق شده است و تهی کردند خودشان را از خودشان، خودشان از خودشان غافل شدند، به این زودی، نمی‌شود اصلاحشان کرد. یک فرهنگ تازه می‌خواهد؛ یک فرهنگ متحول می‌خواهد؛ که حالا از اول بچه‌های ما را بار بیاورند به یک فرهنگ انسانی، اسلامی، استقلالی. (۱۴۸)

۵۸/۳/۹

استقلال فرهنگی،
نیازمند برنامه بلند
مدت

اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه‌های ما هم درست نشود،

امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو
قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می‌خواهد، تربیت انسانی
شدند، هم مملکت ما مصون می‌شود از تصرف شیاطین و روی
چرخ خودش گردش می‌کند بدون وابستگی به خارج و بدون
خیانتهای داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می‌شود برای شما. (۱۴۹)

۵۸/۴/۱۷

خودکفایی در گرو
اصلاح دانشگاه و
مدرسه

* * *

بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتكا به
امریکا و سوری و انگلستان - این جهانخواران بین المللی -
استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست
گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان
عرضه کنند. افسوس که هنوز عده‌ای از روشنفکران نمی‌توانند
دست از غرب و یا شرق بکشند؛ و این دو را سر مشق کارهای
خود قرار داده‌اند. امیدواریم با تحول فرهنگ حاکم اسلامی، این
گروه به خود مشغول و از مردم بریده به خود آیند و اصالت
خویش را دریابند و از وابستگی نجات پیدا کنند. (۱۵۰)

۵۸/۴/۱۸

تحول فرهنگ، راه
دستیابی به هویت
اصیل

* * *

عمده این است که فرهنگ یک فرهنگ متحول بشود؛ یک
فرهنگی که از آن غریزدگی بیرون بیاید. همه چیزمان باید اینطور
 بشود. استقلال فکری، استقلال باطنی، داشته باشد. علاوه بر
 اینکه استقلال باید داشته باشد و کسی در فرهنگ دخالت نباید
 بکند، باید استقلال فکری داشته باشد؛ خودش مستقل و آزاد و

فرهنگ باید از
غربزدگی بیرون
باید

روی پای خودش باشد. اینطور نباشد که توجهش به این باشد که غرب چه می‌کند، ما هم دنبال او؛ آنها چه می‌گویند، ما هم دنبال او.

این مصیبت بزرگی که بر ایران و ممالک شرقی، مطلقاً، وارد شده است که گوششان به این است که غربیها چه می‌کنند و چه می‌گویند و چه عمل می‌کنند، و خودشان را از دست بكلی داده‌اند. استقلال فکری خودشان را، محتواخودشان را، از دست داده‌اند. این ضرری است که بالاتر از ضرر نفت - و نمی‌دانم امثال این - است. این را باید فرهنگ جبران بکند که فرهنگ ما طوری باشد که بعد از ان شاء الله چند سال دیگر افرادی که از فرهنگ بیرون می‌آیند یک افرادی متکی به نفس که خودشان را ببینند؛ نه تبع ببینند؛ نه دنباله ببینند؛ و گمان کنند که هر چه آنها کردند، ما باید دنبال آنها باشیم. باید مملکت خودشان را و خودشان را مستقل ببینند، و خودشان اداره بکنند مملکتشان را. خودشان با استقلال فکری خودشان، دنبال مملکت و مصالح مملکت باشند.

من ان شاء الله امیدوارم که همه شما موفق باشید و همه ما موفق باشیم به اینکه انسانها ساخته بشود در این مملکت. انسان‌سازی باشد مملکت. چنانچه برنامه اسلام انسان‌سازی است. فرهنگ ان شاء الله انسان‌ساز باشد. (۱۵۱)

تا ما از آن غربزدگی در نیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم، نمی‌توانیم مستقل باشیم؛ نمی‌توانیم هیچ

پرهیز از غربزدگی
برای نیل به استقلال

داشته باشیم.(۱۵۲)

۵۸/۶/۱۰

* * *

باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم غربی بود؛ همه چیز غربی بود. حالا باید، بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم، این طور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش بکنیم، و دنباله رو غرب یا دنباله رو شرق باشیم. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم، و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد.

اگر ما این وابستگیهای معنوی را، این وابستگیهایی که جوانهای ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، اینها را اگر برگرداندیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم، و خودمان سرپای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدھیم، و اما اگر چنانچه از این معنا غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا باشد، امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست.

بر همه ماست که از این غریزدگی بیرون بیاییم؛ افکارمان را عوض بکنیم، اعمالمان را عوض بکنیم، وضعیت فرهنگمان عوض بشود؛ وضعیت دادگستریمان عوض بشود. همه اینها سوغات غرب است. آن دادگستری ما به این ترتیبی که بود در زمان طاغوت این یک سوغاتی بود از غرب آمده بود، باید آن

اگر وضعیت

فرهنگمان عوض

شود می توانیم روی

پای خود بایستیم

تغییر بکند و یک وضع دیگری پیدا بکند. و همین طور فرهنگمان هم همان طور بود. تمام چیزهایی هم که وسیله قرار داده بودند برای اینکه جوانهای ما را تباہ کنند، همه اینها سوغاتهای غرب بود. یعنی بنابراین بود که وسایلی تهیه بکنند که هم زنها و هم مردها را تباہ بکنند، نگذارند یک رشد انسانی پیدا بکنند. همه وسایل را تهیه کرده بودند برای همین مقصد. در سینما می‌رفتند، وضع سینما را جوری قرار داده بودند که تباہ می‌کرد. در هر جا که می‌رفتند همین مسائل بود. ما باید خودمان را تغییر بدھیم تا اینکه بتوانیم سرپای خودمان بایستیم و بفهمیم که ما شرقی هستیم و ما در اسلام هستیم و برنامه‌ما اسلام است. (۱۵۳)

۵۸/۶/۲۲

* * *

بازی می‌دهند جوانهای ما را! هر دو دسته بازی می‌دهند، هم غرب ما را بازی می‌دهد، ملعبه کردنده ما را، هم غرب ما را ملعبه کرده، هم شرق ما را ملعبه کرده، و تا این گول خوردنها هست، تا این غربزدگی و شرقزدگی در ملت ما هست، هیچ امیدی به اصلاح نیست.

خارج شدن از
فرهنگ وابسته

ما باید اول تمام همتمان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم. ما فکرها یمان وابسته است؛ ما فرهنگمان وابسته است. الان ما باید سعی کنیم از این فرهنگ وابسته خارج بکنیم خودمان را، چه فرهنگ آن طرف که همه‌اش فساد و چه فرهنگ آن طرف که همه‌اش فساد، یعنی همه‌اش برای به دام انداختن ماهاست؛ به دام انداختن بشر است. (۱۵۴)

۵۸/۶/۲۲

* * *

اول چیزی که بر ملت لازم است و بر دانشگاهها لازم است و بر دانشکده‌ها لازم است و بر همه ملت لازم است این است که این مغزی که حالا شده است یک مغز اروپایی یا یک مغز شرقی، این مغز را بردارند، یک مغز انسان خودمانی، انسان ایرانی - اسلامی، همان‌طور که آنها شستشو کردند مغزهای ما را، مغزهای بچه‌های ما را و به جای مغز خودشان مغز دیگری نشانند، ما هم حال عکس العمل نشان بدھیم و شستشو کنیم مغز خودمان و بچه‌های خودمان را و یک مغز اسلامی - انسانی جایش بنشانیم، تا از این وابستگی فرهنگی و وابستگی فکری بیرون بیاییم. اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم، همه وابستگی‌ها تمام می‌شود. اینکه ما وابسته شدیم، در اقتصاد وابسته هستیم، در - عرض می‌کنم که - فرهنگ وابسته هستیم، در همه چیز وابسته هستیم، مبدأ این همین است که در فکر وابسته هستیم. فرمان نمی‌تواند بکشد این را که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛ خودمان هم فرهنگمان غنی است؛ خودمان هم همه چیز داریم، یک مملکت غنی‌ای ما داریم. یک مملکتی داریم که برای صد و پنجاه میلیون جمعیت مهیّاست که اداره بکند. مع الأسف ما سی و چند میلیون هستیم و زندگیمان تباہ و این‌طوری است برای اینکه آنها کشانند به این‌طور. آنها می‌خواستند نگذارند که شما استفاده فرهنگی خودتان را بکنید؛ استفاده اقتصادی خودتان را بکنید. همه چیزمان را به هم زندند تا اینکه دست ما همیشه دراز باشد، یک دستمان طرف امریکا دراز باشد؛ یک دستمان طرف سوری دراز باشد، از این بخواهیم و از آن بخواهیم. همه هستی ما را آنها ببرند و ما نفهمیم. بلکه بسیاری از ما به اینکه دست آنها حالا کوتاه شده ناراحت بشوند! حتی از آنها یک که مدعی روشنفکری هستند. این

جایگزینی مغز
انسانی - اسلامی،
عامل رهایی از
وابستگی

برای این است که فکر این روشنفکر - همه را نمی‌گوییم، بسیاریشان - فکر این آن، دیگر فکر یک انسان شرقی نیست؛ فکر یک انسان اروپایی است، مغزش این است، قلمش قلم اروپایی است این نمی‌تواند یک کسی که فکرش اروپایی است فکر بکند که ما خودمان هم یک چیزی هستیم؛ ما خودمان آدم هستیم. اصلاً خود آدمیت خودمان را اینها منکرند! می‌گویند، ما چیزی نیستیم. (۱۵۵)

۵۸/۶/۲۸

* * *

بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به آبرقدرتها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگیها از آن سرچشم می‌گیرد. و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفسک و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است]، و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراه‌ها، و نویسندها و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید. و با این خدمتِ بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود رانجات دهید. (۱۵۶)

۵۸/۶/۳۱

بزرگترین
وابستگی،
وابستگی درونی
است

* * *

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفای شود. مع الأسف در دوران گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند؛ و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید. و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید، و از اتکال به اجانب پرهیزید؛ و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. و از هیاهوی غرب و غربزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست. (۱۵۷)

خودکفایی با
کوشش در راه علم

۵۸/۶/۳۱

* * *

از آن طرف تبلیغ کردند که شما هیچ ندارید، خودتان اصلاً چیزی نیستید. از آن طرف هم نگذاشتند که ما این استعدادهایی که داریم و جوانهای ما - این استعدادهایی که دارند - رشد کنند. از همه اطراف ما را وابسته کردند. و تا این وابستگی فکری هست در ما که همه نظرمان به این است که ما همه چیزمان را از غرب باید بیاوریم، و هر وقت هم که هر عیبی پیدا می‌کنیم غرب باید این را معالجه بکند، تا این وابستگی هست، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، الا اینکه ما خودمان را بشناسیم که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛ خودمان هم همه چیز داریم؛ و احتیاج به غرب در این امور نداریم؛ و آنی که آنها به ما می‌دهند آن نیست که واقعیتِ رشدآوری باشد؛ آن است که ما را

وابستگی فکری،
مانع استقلال

می خواهند در یک حدّی نگه دارند.(۱۵۸)

۵۸/۷/۱۴

* * *

آنچه که بعد از انقلاب بر شما معلمین و بر همه قشرهایی که سمت تعلیم و تربیت را دارند وظیفه است، و لازم اینکه این مغزهایی که در طول پنجاه و چند سال حکومت جائزه و سلطه اجانب باید بگوییم غریزده شدن نجات بدھید. اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا بکند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاهها باید طرح بشود.

نجات ملت در گرو

مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچیک از این گرفتاریهایی که شمردید نمی توانیم از زیرش فرار کنیم. رأس همه اصلاحات، اصلاح «فرهنگ» است، و نجات جوانهای ما از این وابستگی به غرب. غرب بسیار چیزهای مفیدی دارد که برای خودش نگه داشته؛ و یک قدری از آنها را صادر کرده است با بسیاری از جنایتها به ممالک شرق.(۱۵۹)

نجات فرهنگ

۵۸/۸/۴

* * *

دانشگاهها باید یک دانشگاههایی باشد که ما دیگر احتیاج به خارج پیدا نکنیم، که دستمنان در آن وقتی که می خواهیم یک کسی را معالجه کنیم به دیگران دراز کنیم که بیایید بروید آنجا معالجه تان بکنند. باید دانشگاههای ما و همه قشرهای کاری بکنند که لاقل ما محتاج به غیر نباشیم. اینطور نباشد که اگر یکی مريض می شود، بگويند اينجا نمی شود معالجه اش کرد. اينطور نباشد که اگر یک گرفتاري بشود، بگويد که نه، نمی شود دیگر درستش کرد.

دانشگاه منشأ

استقلال و

خودکفایی

خودمان روی پای خودمان بایستیم. (۱۶۰)

۵۸/۸/۶

* * *

خودمان روی پای خودمان بایستیم، شرق باید سرپای خودش بایستد. اگر شرق بخواهد باز وابستگی فکری داشته باشد به آنها و گمان کند که همه چیز از آنجا باید بیاید، باید تا آخر وابسته باشد. شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین فرهنگ، مترقبترين فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند، و دستش را پیش غرب دراز نکند، پیش این غرب و از غرب یک چیزی بخواهد، خودش باید درست بکند. سابق اینطور بوده است که کتب طبی شرق در اروپا رفته است، و اروپا را طبیب کرده و آن طبیهای بزرگ را درست کرده -کتب شرق بوده است؛ کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است؛ و اینها کار کردند -حالا چه شده است که ما حالا باید بعد از اینکه تمدن از شرق طرف غرب رفته، شرق تمدن را صادر کرده به غرب، حالا ما به واسطه یک کارهای ناشایسته‌ای باید عقب افتاده باشیم و دستمان را طرف غرب دراز کنیم.

باید شرق سر جای خودش بایستد و خودش را بیابد. تبلیغات زیاد، اسباب این شده است که شرق خودش را گم کرده، ما خودمان را گم کردیم. هر چیز را صحبت می‌شود، می‌گوید باید شما ببینید. اسمائی که در اینجا متعارف بود، می‌گذاشتند، داروخانه باید اسمش اروپایی باشد؛ خیابان هم باید اسم یکی از اروپاییها یا امریکاییها تویش باشد. هر جا می‌رفتی باید این باشد. اجناس هم که درست می‌کردند، خود ایران جنس می‌بافت، بعد

زدودن مظاهر
فرهنگی غرب،
عامل خودباوری
است

آن کنارش باید خط انگلیسی باشد، یا خط لاتین باشد، تا بگویند از انگلستان آمده است این! گم کردیم ما خودمان را. باید پیدا کنیم خودمان را، باید از همه این خیابانها، از همه این داروخانه‌ها، از همه این مؤسسات، این اسماء نحس، خارجیها زدوده بشود. چیزهایی که مربوط به رژیم خارج است، طاغوتی است، تمام اینها باید زدوده بشود. تا اینکه کم کم افکار متوجه خودمان بشود که ما خودمان دارا هستیم؛ و فرهنگ دارد شرق؛ فرهنگ غنی دارد. کسی که فرهنگ غنی دارد چرا برود سراغ دیگران و از دیگران بخواهد فرهنگ را بگیرد؟ و دیگران هم به ما فرهنگ نمی‌دهند. نافرهنگی می‌دهند! دیگران به ما نخواهند یک مطلبی که به درد ما بخورد به ما بدهند. آنها چیزهایی که به درد خودشان نمی‌خورد به ما می‌دهند. شواهد زیاد است در اینکه هر چه به درد خودشان نمی‌خورده است اینجا فرستادند، در صورتی که آن چیزها ممکن است تباہ کند ما را.

باید اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا بکنیم خودمان را، باید از این غریزدگی بیرون برویم. خیال نکنیم همه چیز آنجاست، و ما هیچ نداریم. خیر، ما همه چیز داریم و فرهنگمان فرهنگ غنی است، باید پیدایش کنیم این فرهنگ را. خوب، بالاخره هر کاری مبدئی لازم دارد، ابتدائی لازم دارد؛ الآن ابتدا این است که ما باید برویم دنبال اینکه همه چیز از خود ما باشد. (۱۶۱)

ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم ما چی بودیم، ما در تاریخ چه بودیم، چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید. دانشگاهها بروند دنبال اینکه جوانهای ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بهمند خودشان یک فرهنگ دارند؛ یک فرهنگ بزرگ دارند. بهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج. بهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم؛ و ما خودمان می‌خواهیم خودمان را اداره کنیم. (۱۶۲)

تا فکر مستقل
نباشد، کشور
مستقل نمی‌شود

۵۸/۸/۷

* * *

نشینید دیگران برای شما کار کنند. خودتان کار کنید. ملت خودش کار بکند. هم خودش عملی را که می‌خواهد انجام بدهد خوب انجام بدهد؛ هم به جامعه گلُکُمْ رَاعِ وَ گلُکُمْ مَسْئُول^(۱) همین است.

همه مسئولیم در مقابل ملت؛ و مسئولیم در مقابل خودمان. خودم را اصلاح کنم، دیگران را هم اصلاح کنم؛ به هر مقداری که می‌توانید. باز ننشینید به اینکه من اهل منبر نیستم نمی‌توانم یک جامعه‌ای را دعوت کنم؛ من اهل خطابه نیستم. نخیر، شما همان مقداری که می‌توانی خودت عمل بکن؛ به رفیقت هم با همان زبانی که داری بگو که خوب عمل کن. او هم خودش عمل کند، به رفیقش بگوید. اگر یک همچو حسی در یک مملکت پیدا شد،

غرب را فراموش
کنیم

۱. بحوار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۸

تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی / ۱۲۹

مملکت زود اصلاح می شود. ما ننشینیم که دیگران برای ما کار بکنند. ما ننشینیم که از غرب برای ما وارد بشود. ما خودمان کار بکنیم و خودمان کارهایمان را انجام بدھیم. غرب را فراموش کنیم. (۱۶۳)

۵۸/۸/۷

* * *

چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولتها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند، و فرهنگ متρقی اسلام را - که الهام از وحی الهی می‌گیرد - بشناسند و بشناسانند. (۱۶۴)

۵۸/۸/۸

چاره اساسی،
زدودن وابستگی
فرهنگی است

* * *

اگر مملکت بخواهد یک مملکت مستقل برای خودتان باشد، باید این تحولات حاصل بشود. یک فرهنگ استعماری برگردد به یک فرهنگ استقلال، مستقل. همه چیز باید عوض بشود. مغزهای استعماری برگردد به یک مغزهای مستقل. تا این نشود، ما نمی‌توانیم به آن پیروزی نهایی برسیم. (۱۶۵)

۵۸/۸/۱۳

تا مغزهای
استعماری، مستقل
نشود به پیروزی
نهایی نمی‌رسیم

* * *

فرهنگی که برای ما درست کردند یک فرهنگ غربی بوده است. و ما در فرهنگ هم غریزده هستیم.
ما اگر بخواهیم مستقل باشیم باید اول افکارمان را مستقل

استقلال و آزادی
افکار

کنیم، یعنی از آزادی فکری [آغاز کنیم] یک آزادی خارجی هست که کسی به آن تعریض نکند، حالا یک همچه آزادی هست، اگر بگذارند. اما آزادی فکری این است که انسان در فکرش آزاد و بدون اینکه متمایل به یک طرف باشد فکر کند، در مسائل علمی هم همینطور است. مسائل علمی را اگر چنانچه انسان آزاد فکر کند یک طور برداشت می‌کند، اگر چنانچه ذهنش متوجه باشد، انگل باشد نسبت به این قضیه، یک جور دیگر فکر می‌کند، یک جور دیگر برداشت می‌کند. برداشتهای علمی ما هم الان آزاد نیست، ما باید افکارمان را آزاد کنیم تا برداشتهای علمیمان آزاد باشد. ما باید بفهمیم این را که ما خودمان فرهنگ داریم، یک فرهنگ غنی داریم، و فرهنگمان از خارج بهتر است. (۱۶۶)

۵۸/۹/۱۶

* * *

ما تا بخواهیم این کارکنهای هر جا را، کارمندهای هر جا را، تا بخواهیم که به آنها بفهمانیم که ما باید همه چیزمان تقليد از غرب باشد، این طولانی است. اينها گمان می‌کنند که وقتی که در رادیو تلویزیون مثلاً امریکا یک جوری بود، انگلستان یک طوری بود، ما هم باید از آنها تقليد بکنیم. هر چه آنها کردند، ما بکنیم. چنانکه این یک مسئله‌ای است که تقریباً ما مواجه با آن هستیم. در همه جا که گمان می‌کنند که باید فرم ممالک ما هم، فرم آنجا باشد. تا ما بخواهیم این فرم را تغییر بدھیم و بفهمانیم به همه قشرها که نباید اینطور باشد و ما خودمان باید در افکارمان، در آرایمان مستقل باشیم، این طولانی است. (۱۶۷)

۵۸/۹/۱۸

طولانی بودن راه

خودبازی

* * *

مغز ما دزدیده شده است و یک مغز دیگری جای آن گذاشته شده؛ مغز استعماری! یک مغز استعماری ما آن داریم. و تا این مغز استعماری را ما عوض نکنیم یک مغز استقلالی جایش نگذاریم نمی‌توانیم این مملکت را اداره کنیم. هر چه بخواهید هم درست کنید نمی‌شود. کوشش کنید که این مغز عوض بشود. اساتید دانشگاه ما کوشش کنند که این جوانهای ما مغزهایشان عوض بشود. یک مغز استقلالی باشد، نه استعماری. آن مغزی نباشد که درست کردند برای ما و مغز خودمان را از ما گرفتند. مستقل باشند اینها. فرهنگ هم باید اینطور باشد. اقتصاد هم باید اینطور باشد.(۱۶۸)

جایگزینی مغز
استقلالی به جای
مغز استعماری

۵۸/۹/۲۱

* * *

ما تا نفهمیم این مسائل را، توجه نکنیم به این مسائل و خودمان را نیابیم، این گمشده را پیدا نکنیم، این مغزی که گم شده است و به جای او یک مغز دیگری نشسته عوضش نکنیم نمی‌توانیم مستقل بشویم. استقلال مغزی شرط اول استقلال است. استقلال فکری شرط اول استقلال است که ما فکرهامان را عوض کنیم. از این انگل بودن خودمان را درآوریم. باید ما اگر بخواهیم، اگر همه ملت ما ادراک این معنا را کرده باشند که همه چیز ما را اینها برده‌اند و ما اینها را بیرون کرده‌ایم، باید خودمان خودمان را نگه داریم. اگر این نشود، بعدها باز همان مسائل کم کم با تدریج - حوصله آنها زیاد است - همین مسائل سابق تحمیل ما می‌شود. اگر ما بیدار نشویم، و با دو چشم، یک - دو چشم دیگر هم قرض نکنیم و نگاه نکنیم به اطراف خودمان و به مملکت و احتیاجات خودمان، کم کم بتدریج

با مغز گمشده،
مستقل نمی‌شویم

۱۳۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

آنها باز به ما تحمیل می‌کنند. همه چیز را به ما تحمیل می‌کنند. با
دست خودمان به ما تحمیل می‌کنند. (۱۶۹)

۵۸/۹/۲۱

* * *

مسئله فرهنگ یکی از مسائل مهمی است که ایران به آن مبتلا بوده است، و فرهنگ ایران را یک فرهنگ استعماری کرده بودند، و مغزهای جوانهای ما را سوق داده بودند به طرف غرب. این یک باب است که بسیار مهم است. و این با دانشگاهیها و با صاحبان افکار صحیح، نویسندها، روشنفکرهای ایرانی نه غربی، و نویسندهای اسلامی نه غربی، به وسیله اینها باید در یک تصفیه دراز مدت و یک تعلیماتی که از سرکانه باید ما بگیریم، جوانهایمان را اصلاح کنیم. تعلیمات را یک تعلیمات غیر استعماری، استقلالی باشد. این یک باب طولانی است. (۱۷۰)

۵۸/۱۰/۵

* * *

ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم. (۱۷۱)

۵۸/۱۰/۷

* * *

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مدامی که ملتها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشاندند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال

تأکید بر نقش
فرهنگ در استقلال

فرهنگ مستقل و
خودکفا، برنامه
بلندمدت

وابستگی فکری
منشأ بدبختی ملت

تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبهتیهای ملتهاست و ملت ماست. (۱۷۲)

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

ملت ما الآن باز هم غریبزده هست. و تا از زیر این بار در نیاید و تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی‌شود، و شما هم نمی‌توانید مستقل بشوید.

شما اگر بخواهید از همه وابستگیها خارج بشوید، این باید این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. گمان نکنید که هرچه آنها دارند خوب است. اگر یکی فرض کنید که یک پیشرفتی داشته باشد در صنعت، این دلیل این نیست که پیشرفت دارد در فرهنگ. و این اشتباهات مال همین جاهاست که آن که مثلاً فرض کنید فلاں طیاره را درست می‌کند به خورد ما اینطور می‌دهند که همه چیزش اینطوری است، و حال آنکه نیست اینطور. فرهنگشان مثل فرهنگ ما نیست. علم حقوقشان مثل ما نیست. علومشان مثل ما نیست. علم فلسفه شان مثل ما نیست. طب هم از شرق اخذ کرده‌اند. کتب شرقی در دانشگاههای آنجا تا آن اواخر، شاید حالا هم باشد تدریس می‌شده. ما باید اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم. باید دانشگاههای ما یک

رشد حقیقی، در
پرتو خروج از
غریبزدگی

۱۳۴ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

دانشگاههایی باشد که تا مدت‌ها زحمت بکشد، این جوانها را از آن
حال سابق رژیم شاهنشاهی برگرداند به یک حال سالم رژیم
اسلامی. (۱۷۳)

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

باید زحمت بکشند. جوانهای ما هم باید جدیت کنند در این معنا
که خودشان را که گم کردند پیدا بکنند. تا اسم غرب می‌آید،
خودشان را نبازنند. شما دیدید که در مقابل غرب ایستادید. آن هم
در آن چیزی که غرب جلو افتاده است، در نظامی، در تجهیزات،
عرض می‌کنم که با سلاح و امثال ذلک. شما در مقابل اینها که
зорمند بودند ایستادید و با دست خالی هم ایستادید و پیش
بردید. اگر قبلًا به ما می‌گفتند که ما می‌خواهیم یک حرفی بزنیم که
امريکا خوشش نيايد، می‌ترسيديم. سابق هم اينطور بود که اگر
يک مسئله‌اي می‌شد تا سفيری که اينجا داشتند چه سفير
انگلستان بود یا شوروی بود یا امريکا بود، می‌آمد یک اخطاری
می‌کرد همه عقب می‌نشستند. لكن شما دیدید که قیام کردید و در
مقابل قدرتهای بزرگ ایستادید و حریف خودتان را در عین حالی
که همه جدیت داشتند که باشد، عقب زدید. معلوم شد، می‌شود
مقابل غرب ایستاد. می‌شود حتی جلو قدرتهای غرب ایستاد. در
این قضیه خودتان را پیدا کردید. (۱۷۴)

در فرهنگ هم باید
خودمان را
پیداکنیم

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

آنها الآن در صددند که با هر جهتی که شده است، شما را باز به

خودیابی مانع از
وابستگی

تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی / ۱۳۵

خودشان متوجه کنند، همه کوشششان این است که شماها را وابسته قرار بدهند، وابسته کنند. نگذارند این وابستگی از بین برود. و شما دانشجوهای عزیز خودتان در صدد این باشید که از غریزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید. شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صددند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند، و شما باید مقاومت کنید. شمایی که می خواهید مستقل باشید، می خواهید آزاد باشید، می خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. (۱۷۵)

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

باید افکارمان را
آزاد کنیم

اگر شما آقایان و همه ملت ما بخواهند استقلال خودشان را، - و می خواهند - بخواهند آزادی خودشان را، - و می خواهند - باید اول افکارشان را آزاد کنند. افکار ما الآن در قید و بند است. حالا هم هست. ان شاء الله بشود الآن یک نهضت، یک نهضت فکری هم شده الآن، لکن باید این [نهضت] را تتمیم کرد. شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمند هستید و متفکر هستید، این جوانهای ما را یک جوری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک چیزی اند. نگویند که ما باید گیر غرب باشیم، نگویند که ما باید غربی باشیم، شرقی باشند. اگر از غرب هم صنعتی می آید، یاد بگیرند، اما غربی نشونند، یاد گرفتن مسئله یک چیزی است و مغز را غربی کردن و از خودش غافل شدن، مسئله دیگر است. (۱۷۶)

۵۸/۱۰/۱۴

* * *

معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من، ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم. ما از دخالت نظامی نمی ترسیم. آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می ترسیم. ما از دانشگاهی می ترسیم که جوانهای ما را آنطور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند. ما از دانشگاهی می ترسیم که آنطور جوانهای ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند. (۱۷۷)

خودباوری، شرط
اسلامی شدن
دانشگاهها

۵۹/۲/۱

* * *

مسلمانها باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند. اینکه در ذهن جوانهای ما کرده‌اند که باید مثلاً فلان مکتب در اینجا پیاده بشود، مکاتب شما چیزی نیستند، اینها همین تعلیماتی است که ابرقدرتها در ایران پیاده کرده‌اند. آنها یک همچو فرهنگی را برای ما درست کردنده که ما از خودمان بیخود بشویم، و آنها تمام چیزی که ما داریم و حیثیتی که ما داریم ببرند. باید ما برگردیم به حال اول اسلام، باید مسلمین برگردند به همان حال که با جمعیت کم غلبه کردنده بر همه قدرتها. (۱۷۸)

لزوم بازگشت به
فرهنگ اسلام

۵۹/۲/۳۰

* * *

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، پا خیزید و

در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزایین سرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بستازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیر شده بلایی بر سرمت و مملکتشان آورده‌اند که تا متعدد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خود باختگی و زیونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی هدایت کنندگان تا کنوند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرتها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزایین سرشار و ثروت بی‌پایان می‌تواند تمام قدرتها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خوش براورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آوردید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شمامست.

ملتها، روشنفکران
را از خودباختگی
نجات دهند!

(۱۷۹)

۵۹/۶/۲۱

* * *

یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این خواهد شد - و اینها الآن در صدد این هستند که آن مسئله را باز پیش بیاورند: مسئله اینکه

تفکر استقلالی، راه پیشرفت

ما خودمان نمی‌توانیم؛ ما خودمان متخصص نیستیم؛ ما خودمان
تحصیلاتمان ناقص است. این مسئله را پیش بیاورند. (۱۸۰)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

مغالطه‌ای است که تا صحت «دانشگاه اسلامی» می‌شود و اینکه
باید انقلاب فرهنگی پیدا بشود، فریاد می‌زنند آنها یی که
می‌خواهند ما را به طرف شرق و عمدتاً، به طرف غرب بکشانند،
که اینها با تخصص مخالفاند، با علم مخالفاند. خیر، ما با
تخصص مخالف نیستیم؛ با علم مخالف نیستیم؛ با نوکری اجانب
مخالفیم. ما می‌گوییم که تخصصی که ما را به دامن امریکا بکشد یا
انگلستان یا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص
مهلك است، نه تخصص سازنده.

ما می‌خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بسوند که برای
ملت خودشان باشند، نه برای کشاندن دانشگاه به طرف شرق یا
طرف غرب. ما می‌خواهیم که تمام اداراتی که در این کشور هست و
تمام جاهایی که صنعت می‌خواهد ایجاد کنند و می‌خواهند این
ملکت [وارد] در صنعت بزرگ بشود و در علم، ما می‌خواهیم این
علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد، نه در خدمت
اجانب. تخصصی که در خدمت اجانب است ضرر از همه چیزها
بالاتر است. علمی که ما را بکشد به طرف امریکا یا شوروی آن علم
علم مضر است؛ آن علمی است که برای ملتها هلاکت می‌آورد.
اشخاصی که در دانشگاه سابق تربیت شدند - الا قلیلی از آنها - اینها
برای کشور ما اگر ضرر نداشتند که داشتند، نفعی نداشتند. (۱۸۱)

۶۰/۳/۴

متخصصین
دانشگاه در خدمت
خودمان باشند

* * *

اصلاح دانشگاه و
حوزه، استقلال
کشور را ببمه
می‌کند

و تا این دو قشر با هم پیوند داشته باشند، استقلال کشور شما محفوظ می‌ماند. هم دانشگاه چشمهاخ خودش را باز کند، و هم فیضیه! بدانید شما که باز دستهایی در کار است که شماها را از هم جدا کنند! آنها، آنها یی که استعمارگرند، آنها یی که تابع استعمارگران هستند، آنها یی که قبله شان یا لندن است یا واشنگتن یا مسکو، پیوند این دو قشر را به مصالح خودشان و مصالح اربابانشان مضر می‌دانند. از این جهت، در صددند که این دو قشر از هم جدا باشد. همان‌طور که دیدید که در طول پنجاه سال سلطنت منحوس پهلوی، که سر سپردگی خودش را به دولتهای خارج اثبات کرد، بین این دو قشر جدایی افکنند و اینها را با هم دشمن کردند و دیگران و مخالفین این ملت از این آب گل آلود ماهی گرفتند. ثروتهای شما را در طول این پنجاه سال و خصوصاً این چندین سال سلطنت محمد رضا، به باد فنا دادند. و این نتیجه دشمنی دانشگاه و فیضیه [بود]. دشمنی دانشگاه و فیضیه بیمه کرد و می‌کند - اگر [خدای ناخواسته] اعاده بشود، بیمه می‌کند - مصلحتهای ابرقدرتها را.

عزیزان دانشگاهی من و عزیزان فیضیه من، آگاه باشید که دشمنها در صددند بین شماها تفرقه بیندازنند! و توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را ببیمه می‌کند! آن قلمها و زبانهایی که کوشش می‌کنند که این دو قشر را از هم جدا کنند، آنها هستند که یا قبله آنها مسکو و یا قبله آنها واشنگتن است. و شما هوشیار باشید که این مصلحت بزرگ را، که وحدت دانشگاه و فیضیه است، از دست ندهید! و امیدوارم که موفق باشید که خودتان، کشور خودتان را مستقلاً اداره بکنید؛ دست شما از طرف شرق و غرب به سوی خودتان برگردد.(۱۸۲)

۱۴۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

اقتضای شرافت

ما اگر سر سفره نان جوین داشته باشیم، بهتر است تا در [کاخهای]
بزرگ زندگی کنیم، ولی از آنجا دستمان به طرف دیگران دراز
باشد. شرافت این را اقتضا می‌کند. (۱۸۳)

۶۰/۷/۱۱

* * *

پیشرفت منهای
شرفت را
نمی‌خواهیم

ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم. ما می‌خواهیم زندگی
فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و
تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی‌خواهیم. ما
تمدنی را می‌خواهیم که بر پایهٔ شرافت و انسانیت استوار باشد و
بر این پایه، صلح را حفظ نماید. (۱۸۴)

۶۰/۸/۶

* * *

استقلال فرهنگی،
اساس کشور
مستقل

ایران امروز دیگر تحمل افکار غربی‌ده و شرق‌زده مشتی خائن را
ندارد. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم؛ که
استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است.
استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران
اسلامی است که نجات‌بخش کشور و ملت ما می‌باشد.
معلمان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان
این پسرو پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ
غنى ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن
شمامست. فرزندان عزیزان را در سر کلاسها به صورتی تربیت
نمایید که وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند جوانان برومندی تحويل
جامعه گردند، که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه

تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی / ۱۴۱

بدبختی داشتند از ابرقدرتهاشان شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است. (۱۸۵)

۶۱/۷/۱

* * *

رضاخان و پسرش دامن زدند تا کشور ایران را در تمامی ابعاد وابسته به قدرتها کردند، و آنچنان مردم را از خود و فرهنگ خود و فرهنگ غنی اسلام بیگانه کردند که در هر چیز، خود را به بیگانگان محتاج و خویشن را فاقد همه ارزشها می‌دانستند. و این فاجعه موجب گردید تا کشور و اسلام بزرگ را عقب نگه دارند و به سر این کشور و ملت، آن آمد که همه می‌دانید که جبران آن محتاج به فعالیت همه جانبه شبانه‌روزی ملت و دولت و شما می‌باشد. و امید است تا با هماهنگ شدن همگان و راهنماییهای متغیران و عالمان متعهد و بپرون راندن یأس و نامیدی از خود و یافتن خویشن خویش و فرهنگ عظیم خود، بزودی به استقلال دست یابیم، و ملت مظلوم بتواند به مدارج عالیه معنوی و مادی خود برسد. (۱۸۶)

۶۱/۷/۱

با یافتن خویش، به
استقلال دست
می‌یابیم

درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است. و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگانها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند، و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند، و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن

جدی گرفتن
اصلاح فرهنگ

پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند، و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند، و نسل آتیه را آنچنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند، و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی پذیرد و بر سر خود و کشور خود، آن آورد که در طول ستمشاھی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمده. و مجلس و ملت و متفکران متعدد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دستان تا دانشگاه را جدی بگیرند، و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. اشخاصی محدود قدرت ندارند تا این امر عظیم الحجم مهم را اصلاح کنند و صدرصد آن را اسلامی و ملی و در خدمت کشور قرار دهند. همه مسئولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم. و در این زمان که فرصتی ارزنده داریم از هیچ کس هیچ عذری پذیرفته نیست و همه باید به مقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدات بیدریغ آن هدر نرود. (۱۸۷)

۶۱/۱۱/۲۲

* * *

امیدوارم ملت ایران به همان اندازه که تا به حال خوب آمده است، از این پس هم بیاید. امیدوارم ملت ایران با هم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند. ما قبلًا وابستگی ذلت باری داشتیم که محمدرضا قبول کرده بود و ما در مقابل امریکا یک عبد ذلیل بودیم، ولی ایران این ذلت را شُست و عزت پیدا کرد. شکم و نان و آب میزان نیست، عمدہ شرافت انسانی است، و شرافت به این

عمده، شرافت
انسانی است

نیست که انسان دستش را روی سینه بگذارد تا چند شاهی به او بدهند. بلکه شرافت انسانی به این است که در مقابل زور بايستند. (۱۸۸)

۶۲/۶/۲۸

* * *

عمرده این است که ما ذهن این جوان‌ها و حتی پیرها و روشنفکرnamها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و اینطور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق و زبانمان را نیز از آنها یاد بگیریم. در حالی که عده‌ای زبان خودشان را کنار گذاشتند و ارزش را به چند کلمه انگلیسی در کتابی می‌دانند، با اینکه با زبان خودشان همان مطلب را می‌شود فهمانند. اگر در کتابی چند کلمه خارجی نباشد، آن کتاب را بدون ارزش می‌دانند. آنها می‌خواستند که تمام وجود ما در اختیارشان باشد که هر طوری می‌خواهند عمل کنند. و شما تابلوها را دیده بودید که اکثراً از دوافروشی گرفته تا کتاب‌فروشی و غیره دارای اسم‌های خارجی بودند، و این همه به خاطر این بود که ما فرهنگ خودمان را فراموش کنیم. و عده‌ای هم به نام «فرهنگ ایران باستان» از اسلام فرار می‌کردند، که چندی پیش عده‌ای از اینها که در خارج اجتماع کرده بودند یکی از حرف‌هایشان این بود: «تعجب است که ما باید روزانه هفده مرتبه رو به کعبه عرب‌ها دول راست بشویم و نماز بخوانیم، و اگر ما از عرب‌ها فرهنگ ایران را بگیریم جز شتر چیزی نمی‌ماند» در صورتی که اروپائی‌ها و دانشمندان اروپا هم قائل به این مطلب‌اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست. و در سابق به هر یک از ایرانیان از کودکی تزریق می‌شد که باید همه

عمرده این است که
ذهنها را آماده کنیم

چیز از اروپا گرفته شود و ارزش‌های انسانی به هر چه بیشتر فرنگی شدن است و باید از سرتاپا فرنگی شویم. و این آقایان نمی‌شنینند و مقایسه کنند که در تمام مسائل بین فرهنگ اسلام و فرهنگ‌های دیگر چه تفاوت‌هایی است. و آیا به صرف اینکه اسلام از عرب آمده ما باید با آن مخالفت کنیم، و آیا این همان نژادپرستی نیست که اروپایی‌ها می‌خواهند به وسیله آن ما را به استعمار بکشند و بین طوایف عرب و عجم و ترک جدایی بیندازند؟

بنابراین، مدت‌ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش‌های اسلامی هستیم و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده بود. (۱۸۹)

۶۲/۸/۱۷

* * *

همه باید این معنا را احساس کنیم که کارها را خودمان انجام دهیم. و این مسئله خلافی که به ذهن دانش آموزان و دانشجویان ما تلقین کرده بودند که به غیر از رفتن به امریکا و فرانسه و انگلستان در جای دیگری امکان ندارد به جایی رسید و همین امر موجب شد که جوان‌های ما را دسته دسته بردنده و فاسد کردن از فکرمان دور کنیم. ما می‌دانیم که شرقی‌ها و غربی‌ها با ما خوب نیستند و نخواهند بود و خیر و صلاح ما را نمی‌خواهند، و دلیلش هم وضعی است که شما می‌بینید که اکثر جناح‌هایی که در دنیا هستند بر ضد ما تبلیغ می‌کنند و این به خاطر آن است که آنها اسلام را نمی‌خواهند، و هر کشوری که بخواهد به اسلام عمل کند، مورد

جوانان ما در داخل
باید خوب تحصیل
کنند

تهاجم آنها قرار می‌گیرد. لذا ما باید فکری بکنیم که جوان‌های ما در همین جا خوب تحصیل بکنند و بر فرض احتیاجی به خارج رفتن باشد به کشورهایی بروند که استعماری نباشد و طمع اینکه ماتحت سلطه آنان باشیم، نداشته باشند. و من امیدوارم که بزودی وضعی پیش بیاید که نیازی به خارج رفتن نباشد و این بسته به فعالیت شما آقایان و سایر دوستان در این امر حیاتی است که از وجود این جوان‌های خوبی که داریم چقدر استفاده شود که در همین جا تربیت گردیده و مشغول خدمت به خدا و خلق باشند. و از گوش خودمان بیرون بکنیم که همه چیزمان باید از خارج بیاید، و بر فرض که به خاطر احتیاج چیزی را وارد می‌کنیم، فرهنگ و ادبیان چرا از خارج باشد؟ ما دارای ادب و فرهنگ غنی هستیم، و آیا صحیح است که چون آنها موشك درست می‌کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت‌ها دنیا را تخریب می‌کنند و ما می‌خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریب‌گر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد. (۱۹۰)

۶۲/۸/۲۴

* * *

ما الان در فرهنگ و اکثر علوم احتیاجی به خارج نداریم. و اگر در صنعت هم مانند آنها نیستیم نباید خودمان را ببازیم و بگوییم که آنها پیشرفت‌هه استند و ما همه چیزمان باید خارجی باشند. نه، مسئله این جور نیست. نباید اگر صنعتی از آنها می‌گیریم انگلیسی یا روسی یا امریکایی بشویم، بلکه باید مسلمان بود. البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانع ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق

نباید خودمان را

ببازیم

۱۴۶ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

اگر مقداری از علوم و تخصصها را به ما می‌دادند، می‌خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند.
(۱۹۱)

۶۲/۸/۲۴

* * *

اساتید و دانشمندان دانشگاهها هم خود را در مسائل علمی مختلفی که یک امت بدانها احتیاج دارد صرف نموده و استقلال علمی و فرهنگی را پی‌ریزی نمایند؛ تا پس از مدتی به خواست خداوند تعالی، در سایه کوشش و به کار انداختن افکار عالیه خود و اعتماد به نفس، احتیاج علمی دانشجویان عزیز را آن‌گونه برآورند که از رفتن به خارج مستغنی شوند. و این امری است شدنی.
(۱۹۲)

۶۲/۱۱/۲۲

پی‌ریزی استقلال
علمی و فرهنگی

شدنی.

* * *

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی - ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و نفوذ عمیقی ریشه دار غرب مبارزه کرد.
(۱۹۳)

۶۳/۹/۱۹

انقلاب فرهنگی،
راه مبارزه با نفوذ
ریشه‌دار غرب

* * *

مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متبدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار

تحول فرهنگی راه مقابله با خودباختگی / ۱۴۷

رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.(۱۹۴)

۶۷/۴/۲۹

از خارجیها بتراشیم

* * *

فصل هفتم

زمینه‌های لازم خودباوری و خودکفایی

- تعلیم و تربیت نیروهای انسانی
- توسعه تحقیقات و مراکز علمی
- عزم ملی
- انقلاب، وحدت و عوامل مذهبی
- اعتماد به نفس، تلاش و تحمل مشقات
- ثبات و امنیت
- کوتاه کردن دست غارتگران و عناصر فاسد
- سیاست گذاریها و قوانین
- توسعه کشاورزی

نقش جوانان در
خودکفایی

شما جوانان تاکنون در این نهضت شرکت داشتید؛ من به شما درود می‌فرستم! لکن نیمه راه است؛ راه باز باقی مانده است. شما جوانها، شما نیروهای جوان باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام، با ایمان، از این نهضت تا اینجا که آمده‌اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه‌های استبداد و ریشه‌ای استعمار را از این مملکت بکنید؛ باید این مملکت را پاکسازی کنید. این مملکت عقب‌مانده است، این مملکت اقتصادش ورشکسته است، این مملکت آن‌آشفته است [و] به نیروی شما جوانها باید این مملکت اصلاح بشود. (۱۹۵)

۵۸/۱/۹

* * *

ما حالا - از حالا - باید شروع بکنیم برای انسان‌سازی. یک مملکت غنی‌ای که همه چیز دارد، یک مملکتی که همه چیز دارد مع ذلک حالا باید روی گنجهای خودش بنشیند گرسنگی بخورد! این جز

ذخایر مادی و
انسانی، زمینه‌ساز
خودکفایی

[برای] این نبود که نگذاشتند که این مملکت ما روی موازین انسانی اداره بشود. حالا ما باید از سر بنشینیم همه‌مان با هم، با شرکت همه. یک طایفه نمی‌تواند، دولت نمی‌تواند؛ ملت باید با دولت باشد، دولت با ملت باشد، همه با هم به فکر باشند، متغیرین ما فکر بکنند، نقشه بکشند تا اینکه باز یک انسانهایی ما درست بکنیم بعد از چند سال بتوانیم که درست این مملکت را اداره بکنیم. (۱۹۶)

۵۸/۱/۱۹

* * *

استقلال کشور در
گرو تعلیم توأم با
تزکیه

هر قدمی که برای علم برمی‌دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقویت خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاء الله بیرون می‌آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید؛ نفس خودتان را مهار کرده باشید. نفس انسان سرکش است. و سرکشی آن انسان را به زمین می‌زند. همان طوری که اگر انسان سوار یک اسب سرکش باشد و مهار نداشته باشد این اسب سرکش انسان را به هلاکت می‌رساند، نفس انسان بدتر از هر سرکشی است. سرکشی نفس، انسان را به هلاکت می‌رساند. هر قدمی که برای تعلیم و تعلم برمی‌دارید، همراه آن قدم، قدمی باشد برای مهار کردن نفستان که از این سرکشی که دارد و آزادی که برای خودش فرض می‌کند که هیچ مهاری در کار نباشد؛ خودتان مهار کنید نفس خودتان را. اگر یک همچو تعلیم و تربیتی در یک کشوری باشد، این کشور می‌تواند مستقل باشد، می‌تواند

آزاد باشد، اقتصادش را می‌تواند تأمین کند، می‌تواند فرهنگش را درست کند و می‌تواند همه چیزش را اصلاح کند. (۱۹۷)

۵۸/۴/۱۷

* * *

جوانها قدر جوانیشان را بدانند که صرف کنند در علم و در تقوا و در سازندگی خودشان که اشخاص امین صالح بشوند که مملکت با اشخاص امین صالح می‌تواند مستقل باشد. همه این پیوستگیهایی که ما به خارج پیدا کردیم دنبال این بود که ما رجال صالح نداشتیم. آن وقت اگر رجال صالحی بودند، کنار بودند؛ کنار گذاشته بودند. آنها یی که در میدان بودند رجال صالح نبودند، دانشمند هم بودند، اما رجال صالح نبودند، به درد مملکت نمی‌خورند! و آنها بودند که ما را پیوسته به خارج کردند و سالهای طولانی مملکت ما در حلقوم خارجیها منافعش فرو رفت؛ و به ما آن کردند که الان می‌بینید که هیچ نداریم. (۱۹۸)

۵۸/۴/۱۷

اشخاص امین
صالح، ضامن
استقلال کشور

المصیبت اینجا این است که سالهای طولانی می‌خواهد تا این غربزده‌ها برگردند به حال طبیعی، نه به حال یک انسان مترقی، به حال یک انسانی که هیچ نیست، حالاً می‌خواهد از سر شروع کند. این خیلی طولانی است که یک شستشوی مغزی داده بشود به این ملت که یعنی آنها یی که در این امور وارد بودند، که اینها برگردند به آن حالی که در اول - قبل از اینکه غربزده بشوند - داشتند. این یک مشکله‌ای است که شاید از همه مشکله‌ای ما زیادتر باشد و خیلی

برگرداندن
غربزده‌ها به حال
طبیعی

هم از این مشکلات داریم. (۱۹۹)

۵۸/۴/۲۱

* * *

در زمان طاغوت هم وزارت آموزش و پرورش داشتیم. انجمن اسلامی که الان در تمام ایران هست، این هم لفظ جالبی است که همه می‌دانید که این لفظ نمایش این است که اسلام را ما می‌خواهیم پیش ببریم. لکن ما، هم در آموزش و پرورش گرفتار الفاظ بودیم و هم در انجمنهای اسلامی گرفتار الفاظ. در زمان طاغوت آموزش می‌گفتند و پرورش، لکن شما ملاحظه کنید آموزشها چه بود و پرورشها چه. انسان خیال می‌کرد که آموزش صحیح هست. آموزش چیزهایی است که ملت ما به آن احتیاج دارند. آموزش علومی است که ملت ما را بعد از چندی خودکفایی کند. و پرورش هم به نظر می‌آمد برای آدم غافل که یک پرورش صحیحی است، که انسانهایی که در آنجا آموزش می‌بینند پرورش هم می‌بینند، و وقتی که از این مدارس، دانشگاهها و غیر دانشگاهها بیرون آمدند یک اشخاصی هستند که در جهت آموزش برای وطن خودشان مفید، و در جهت پرورش صاحب اخلاق کریمه، آداب صحیح، عقاید صحیح و اینطور چیزها. لکن شما دیدید و ما دیدیم که آن دستاوردهای فرهنگ ما، دانشگاههای ما چه بودند و چه اشخاصی بوده‌اند. تحصیلات چه جور تحصیلی بود و آموزش چه آموزشی بود و برای چه مقصدی بود. اگر آموزش یک آموزش مایحتاج ایران بود و برای ایران بود، ما بعد از پنجاه سال یا کمتر یا بیشتر دارای مدارس عالیه بودیم به اصطلاحشان، نباید حالا یک مریضی که یکقدری مرضش پیچیده

آموزش و پرورش
حقیقی، ضامن
خودکفایی

است، اطبای اینجا بگویند که این نمی‌شود اینجا، بروند خارج.
بعد از پنجاه سال، اینهمه خرجهای فوق العاده، اینهمه گرفتاریهای
فوق العاده و اینهمه دانشگاهها و مدارس، ما حالا یک مریضی که
یک قدری مرضش چه باشد باز باید کوچ کنیم از اینجا و برویم
انگلستان یا امریکا. (۲۰۰)

۵۹/۴/۱۰

* * *

در هر صورت، شما باید متحول بشوید از آن رژیم و آن ریشه‌هایی
که دوانده بود در همه جا؛ همه جای کشور را آنها منقلب کرده
بودند به یک اخلاق وابسته. باید کوشش کند ملت ایران و کوشش
کنند آنها یی که با جوانها و با نیمسالها و با خردسالها سروکار
دارند، کوشش کنند که اینها را مستقل از حیث افکار و مستقل از
حیث فرهنگ بار بیاورند، اینها هستند که بعدها این کشور را در
دست می‌گیرند. اگر شما اینها را تربیت خوب بکنید، هر کاری که
آنها بکنند برای شما ثواب دارد. (۲۰۱)

۶۰/۱/۱۱

* * *

بزرگداشت روز کارگر، این ستون فقرات استقلال کشور و این
اسطورة سرنوشت‌ساز و رهایی‌بخش از وابستگیها و پیوستگیها،
وظیفه‌ای است ملی و اسلامی و همگانی. (۲۰۲)

۶۰/۲/۱۰

تربیت صحیح
آینده‌سازان موجب
استقلال

کارگران، ستون
فقرات استقلال
کشور

* * *

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود مملکت، در خدمت خود ایران، نه دانشگاهی داشته باشیم که در شعار این باشد که ما می‌خواهیم که ایران متمن آباد داشته باشیم و رو به دروازه تمدن برویم و وقتی که واقعش را دیدیم و دیدید از همه جهات وابسته بودیم. ما با دانشگاهی که ما را وابسته به خارج بکند - هر خارجی می‌خواهد باشد - ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم.

ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگیها بیاورد؛ ما را مستقل کند، تمام کشور ما را مستقل کند و از وابستگیها خارج کند. ما متخصص می‌خواهیم و اسلام با تخصص موافق است. اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافید علم را، حتی از هر کفری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرد و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگیها و خطرناکتر از همه وابستگیهاست، نجات بدهد. ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل بار بیاورند، غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتانورک نباشند و تقیزاده نباشند. ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را خودمان تحصیل کنیم. ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوانهای ما را به خارج، شرق و غرب، است. دانشگاههای ما الّا عده محدودی، یا در صدد نبودند که این وابستگی را بردارند یا در

دانشگاه در خدمت
رفع وابستگی
فکری

صدقه بودند که وابسته کنند این مغزها را به خارج.(۲۰۳)

۶۰/۳/۴

* * *

انجمان اسلامی باید در صدد این معنا باشند که این فکر را از اذهان بیرون کنند و خودشان را بیابند، بعد از اینکه قرنها تقریباً، خودشان را گم کرده بودند. ما می‌خواهیم طوری باشد و افرادی تربیت بشود [مانند ابن سینا] که کتاب قانون او در اروپا الان هم مورد استفاده است، نه اینکه اشخاصی باشند که الفبای مسائل اسلامی را نمی‌دانند و تا صحبت می‌شود می‌گویند اسلام نمی‌تواند! ما یک همچو دانشگاهی می‌خواهیم همطراز با حوزه‌های علمیه که وابستگی هیچ روز نداشته‌اند با خارج و اگر یک کس، یک نفر، دو نفر، وابستگی داشتند، رسوا هستند. ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که همفکر باشد با دانشگاههای علمی قدیمی که آنها هیچ روز وابسته به خارج نبودند و اگر فردی یا افرادی از آنها منحرف بودند در بین آنها رسوا بودند. ما می‌خواهیم یک همچو مطلبی تحقیق پیدا بکند.(۲۰۴)

در دانشگاهها،
خودباختگان باید
رسوا باشند

۶۰/۳/۴

* * *

ما می‌خواهیم که دانشگاهی باشد که ملت ما را مستقل و غیر وابسته به شرق و غرب درست بکند؛ نه ملت را به طرف شرق بکشد، نه ملت را به طرف غرب بکشد؛ یک ملتی مستقل، با فکر مستقل، با دانشگاه مستقل؛ که با استقلال دانشگاه کشور مستقل می‌شود؛ یک دانشگاهی که با فیضیه دست به دست هم بدھند و

فیضیه و دانشگاه
امیدشان را از
اجانب ببرند

شرق و غرب را کنار بزنند و خودشان برای مصالح کشور خودشان و برای مصالح اسلام عزیز خودشان عمل بکنند و نونهالان عزیز ما را طوری بار بیاورند که نه قبله آنها مسکو باشد و نه قبله آنها لندن باشد و نه قبله آنها واشنگتن؛ قبله آنها کعبه باشد؛ توجه به خدای تبارک و تعالی باشد و اسلام را در آغوش بگیرند، که استقلال آنها، عزت آنها در سایه اسلام است.

و اسلام برای علم آنقدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آنقدر قائل نباشند. اسلام دانشمندان را آنقدر ارج می‌گذارد که شاید سایر مسالک آن طور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین چیز است، لکن نه دانش آن طوری که ما را به تباہی بکشد، نه دانشمندان آن طوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می‌کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می‌تواند کشور ما را مستقل کند. استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاهها و فیضیه‌هاست. دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند. و امید خودشان را از غیر دانشگاه اسلامی و غیر فیضیه اسلامی، امید خودشان را از دیگران ببرند. (۲۰۵)

۶۰/۳/۲۳

* * *

ما باید سالهای طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم. و

تربیت بچه‌ها برای
خودکفایی

زمینه‌های لازم خودباوری و خودکفایی / ۱۵۹

باید از همان بچه‌ها شروع کنیم. (۲۰۶)

۶۰/۷/۲۳

* * *

باید ما خودمان این کشور خودمان را نگه داریم. همه ملت، همه افراد مسئول هستند، خصوصاً، دانشگاه مسئولیت دارد در این امور. باید دانشگاه خودش را مجھر کند برای اینکه جوانها را بسازد. آتیه این کشور را باید از حالا شما پی‌ریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آینده کشور باشیم؛ برای اینکه اسلام است، آینده اسلام باید محفوظ بماند. (۲۰۷)

لزوم تربیت نیروی انسانی برای آینده

۶۰/۹/۲۲

* * *

معلمین و آموزگاران تربیت کنند جوانانی را برای خدمت به کشور و اسلام، و کارگران بسیار عزیز ما جدیت کنند که کشور خودشان را از آن ظلماتی که در زمان طاغوت بودند نجات بدھند. اینها در آموزش و پرورش و آنها در عمل و کار به همه کشورهای عالم بفهمانند که ملتی که می‌خواهد خودش سرپای خودش بایستد، هم خودش آموزش می‌بیند و هم خودش کار می‌کند. (۲۰۸)

آموزش و کار، دو رکن استقلال کشور

۶۲/۲/۴

* * *

مع الأسف در رژیم سابق نگذاشتند که جوانهای ما استعدادهای خود را بروز بدھند و تا توانستند جدیت کردند که آنها را به فساد

۱۶۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

بکشانند، و بحمدالله امروز از آن وضع نجات پیدا کرده‌ایم. و اگر مهلت پیدا کنیم این کشور را به برکت این جوانهای عزیز به آنجایی می‌رسانیم که احتیاجش در هر امری از کشورهای دیگر منقطع گردد. (۲۰۹)

جوانان مستعد،
زمینه‌ساز
خودکفایی

۶۲/۲/۶

* * *

اگر طلاب و فضلا و علماء و مراجع عظام و قشر دانشگاهی، از استادی محترم و دانشجویان، و همچنین کلیه دانشمندان بخواهند کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشود، باید در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت کوشش کنند. (۲۱۰)

تربیت صحیح
اسلامی - ملی برای
استقلال کشور

۶۲/۱۱/۲۲

* * *

شما اگر بخواهید خدمت بکنید به اسلام، خدمت بکنید به کشور خودتان، استقلال کشور خودتان را حفظ کنید، وابسته به هیچ جا نباشید، باید هم رشتۀ علم را تقویت کنید و هم تهذیب اخلاق را و هم عمل را. (۲۱۱)

علم توأم با تهذیب،
لازم استقلال
کشور

۶۴/۵/۷

* * *

توسعه تحقیقات و مراکز علمی

مهم این است که ایرانیها بفهمند که خودشان می‌توانند کار بکنند. در این طول زمان، این معنا را همچو کرده بودند که ایرانیها چیزی

نیستند و باید همه، همه چیز را بروند از خارج بیاورند، از اروپا بیاورند، از امریکا بیاورند. این شد که اسباب این شد که مغزهای ایرانی به کار نیفتاد و نگذاشتند به کار بیفتند. ایران افرادش، مردمش از سایر افراد، کمتر نیستند بلکه از بسیاری از نژادها بالاترند. لکن نگذاشتند که این استعدادها به کار بیفتند. باید استعدادها را به کار بیندازند، و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع می‌کنند تا - ان شاء الله - ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل بشود. (۲۱۲)

باید استعدادها را
کار بیندازید

۵۹/۹/۱۷

* * *

آن روزی که این ملت فهمید که اگر ما جدیت نکنیم برای کشاورزیمان، جدیت نکنیم، برای صنعت نفتمان، جدیت نکنیم برای کارخانه‌های خودمان، از بین خواهیم رفت و کسی نیست که به ما بدهد، وقتی این احساس پیدا شد در یک ملتی که من خودم باید هر چیز می‌خواهم تهیه کنم، دیگران به من نمی‌دهند، این احساس اگر پیدا شد، مغزها به راه می‌افتد و متخصص پیدا می‌شود در هر رشته‌ای و بازویهایی که هر عملی را می‌توانند انجام بدهنند به کار می‌افتنند: کشاورزی را خودشان درست می‌کنند؛ کارخانه‌ها را خودشان راه می‌اندازند. (۲۱۳)

تقدیم به خودکفایی،
زمینه‌ساز ابتکارات

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه

۱۶۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. (۲۱۴)

توسعه مراکز علمی،
 مهمترین عامل
 خودکفایی

۶۷/۷/۱۱

* * *

عزم ملی

ملکتی که الان دست شما افتاده است یک مملکتی است که از همه چیز وارفته است. حالا باید بسازید. یک مملکتی است که «اجنبی زده» باید گفت، «جنگزده»، «زلزله‌زده»؛ این باید ساخته بشود. نه خیال کنید که یک قشری بتواند؛ نه، یعنی نه حکومت می‌تواند این کار را بکند نه بازرگان می‌تواند این کار را بکند، نه کشاورز می‌تواند. همه باید دست به هم بدهید که جامعه ملی انسانی ایران ان شاء الله از زیر بار این اختناق و این گرفتاریها بیرون بیاید. دست به دست هم بدهند و این وظيفة ملی را انجام بدهند که مملکت خودشان را از این انهدامی که دارد پیدا می‌کند نجات بدهند. (۲۱۵)

سازندگی با حضور
 تمام اقشار

۵۷/۱۱/۱۷

* * *

همه درد و بلای ما این است که ما غربزده هستیم. ما سالهای طولانی زیر بار غرب بودیم، زیر بار امریکا بودیم، سالهای متتمادی مأنوس شدیم ما. اصلاً قلوبمان قلوب غربی است. متبدل

برای رهایی از
 غربزدگی همت
 کنیم

شدیم به یک انسان غربی.

و به این زودی نمی‌توانید شما برگردید؛ لکن همت کنید
برگردید. (۲۱۶)

۵۷/۱۲/۱۵

* * *

خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و سهیونیزم بین‌المللی و ابرقدرتها شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای، از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را بر ملا کنید.

دفاع از حیثیت
اسلامی و ملی

برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتها شرق و غرب می‌برند؛ و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید. و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را - که در رأس آن امریکاست - افشا کنید. (۲۱۷)

۵۸/۷/۷

* * *

همه باید با هم کمک بکنیم؛ یعنی ملت، همه قشرهای ملت، باید در صدد این باشند که خودکفا باشند؛ محتاج نباشند. (۲۱۸)

فراخوان عمومی
برای خودکفایی

۵۸/۸/۱۱

* * *

این جهاد سازندگی که می‌روند برای خدمت به مردم؛ گاهی وقتها من در تلویزیون می‌بینم خیلی من خوشحال می‌شوم از این روحیه اینها. البته این خانمهای ضعیف، ضعیف البُنیه نمی‌توانند بروند یک زمین بزرگی را درو بکنند، لکن حضور آنها در این مزرعه‌ها موجب این می‌شود که خود صاحبان آنجا تقویت می‌شوند و کارهایشان دو چندان می‌شود. این دکترها و مهندسین و تحصیلکرده‌ها و اینها که وارد می‌شوند در یک جایی و مشغول می‌شوند به ساختمان یک چیزی و مشغول می‌شوند به کار یک چیزی، اینها اسباب این می‌شود که خود آن اهالی آنجا هم به کار واداشته می‌شوند. (۲۱۹)

حضور مردمی در
سازندگی موجب
تقویت روحیه

۵۸/۸/۱۲

* * *

خیلی برای یک مملکت اسلامی این عیب است که در ارزاقش محتاج بشود به خارج که تهدیدشان کنند که ما نمی‌دهیم به شما دیگر. در صورتی که ایران زمین دارد الی ماشاءالله. آب هم دارد. برکات آسمانی هم هست. چرا باید محتاج به خارج باشیم؟ باید همت کنند.

عزم ملت برای
استقلال اقتصادی
و رهایی از ننگ

باید بنای براین بگذارند که مستقل باشند در اقتصاد. وقتی یک ملتی بنای بر یک چیز گذاشت یعنی، همه آنها عازم شدند که ما دیگر بعد از این از دیگران چیزی نخریم، خودشان ایجاد می‌کنند، خودشان ارزاق خودشان را ایجاد می‌کنند. (۲۲۰)

وابستگی

۵۸/۱۰/۷

* * *

بنا از اول هر امری این است که انسان اراده کند یک مطلبی را همچو نترساندش که نتواند اراده بکند، قبلًا ما را همچو از دستگاه مثلاً سلطنت ترسانده بودند که اراده نمی‌کردیم مخالفت را. نمی‌توانستیم اراده کنیم که مخالفت کنیم. احتمال نمی‌دادیم که ما بتوانیم مخالفت کنیم. لکن خدای تبارک و تعالی، خواست و شما اراده کردید و شد. حالا هم همین طور است. نترسید از غرب. اراده کنید. دانشمندهای ما نترسند از غرب. اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب. و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند، و شرق اراده کنند که در مقابل غرب قیام کند. (۲۲۱)

۵۸/۱۰/۱۲

جوانان ما از غرب
نترسند و اراده کنند

ما یک مردمی هستیم مظلوم، و استقلال خودمان را حفظ می‌کنیم. ما اگر امر دایر بشود به اینکه برگردیم به حال سابق بشریت، و با الاغ از این طرف به آن طرف برویم و آزادی مان را حفظ بکنیم، یا خیر، بنده آفای کارتر و امثال او از ابرقدرتها باشیم و زندگانیهای فلان و کذا داشته باشیم، ما آن را ترجیح می‌دهیم، ملت ما آن را ترجیح دارد می‌دهد. ملت ما شهادت را دارد ترجیح می‌دهد، و می‌گوید که ما می‌خواهیم شهید بشویم. از اول نهضت تقریباً - من در نجف بودم آن وقت - تا حالا زن، مرد، جوانها می‌آیند و از من استدعا می‌کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم، من دعا می‌کنم ثواب شهید پیدا کنند. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش از این در همین تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد خواندم. دیدم می‌گوید که شما دعا کنید من شهید بشوم. زنی که تازه عروسی

ملت شهادت طلب،
حامی استقلال
کشور

* * *

کرده، شوهر کرده، می‌گوید شما دعا کنید من شهید بشوم. یک ملتی که شهادت را می‌طلبند و دعا می‌خواهند برای شهادت، اینها از دخالت نظامی می‌ترسند؟ اینها از حصر اقتصادی می‌ترسند؟ همهٔ عالم درهای ممالکشان را به ما بینندند همه و ما باشیم، این عده‌ای که، سی و چند میلیونی که در این ایران زندگی می‌کنیم، یک دیواری دور ایران بکشند و ما را در همین ایران حبس بکنند، ما این را ترجیح می‌دهیم به اینکه درها باز باشد و چپاولگرها بریزند به مملکت ما. (۲۲۲)

۵۹/۳/۱۴

* * *

باید کاری کرد که ملتها هر جا هستند، ملتها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر بخواهید و بخواهند و داشتمندها بخواهند و علمای همهٔ بلاد اسلامی و دانشگاههای همهٔ بلاد اسلامی بخواهند مشکلهٔ اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند؛ این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله، به آنها باوراند بودند که نمی‌شود با امریکا یا با شوروی مخالفت کرد، و آن هم باور ملت‌های دیگری هست. باید اینها [را] به ایشان فهماند که می‌شود.

باید «نمی‌شودها»
را از مغزاً بیرون
کرد

بهتر دلیل بر اینکه یک امری ممکن است، وقوع اوست و این امر واقع شد در ایران. دولتهای دیگر، ملت‌های دیگر گمان نکنند که ایران از آنها عُده و عَده بیشتر داشت خیر، شاید در عشاير عراق بیشتر از ایران اسلحه باشد، لکن مغزاً اینها را به واسطه تبلیغات دامنه‌داری که شده است، شست و شو کرده‌اند و از اسلام مأیوس کرده‌اند، و این مغزاً را پر کرده‌اند از اینکه با این قدرتها

نمی‌شود طرف شد. این از چیزهایی است که با تبلیغات خود آنها و عمال آنها در داخل ممالک تحقق پیدا کرده است.

باید آنها باید که در همه ممالک هستند، آنها باید که دلشان برای ملتها می‌تپد، آنها باید که به اسلام اعتقاد دارند و برای اسلام می‌خواهند خدمت کنند، هر کدام در محل خودشان، ملت خودشان را بیدار کنند؛ تا ملت، خودشان را که گم کرده‌اند، پیدا کنند. ملتها خودشان را گم کرده‌اند، مملکت خودشان را گم کرده‌اند. هر چه در ذهنشان وارد می‌شود، این [است] که نمی‌شود با این قدرتها طرف شد، اینها چه‌ها و چه‌ها خواهند کرد. باید از مغز ملتها این «نمی‌شودها» را بسیرون کرد و به جای آن، «می‌شودها» را گذاشت. نه، می‌شود این کار را کرد. یک میلیارد جمعیت - تقریباً - جمعیت مسلمین با دارا بودن آنهمه امکانات و آن سرزمینهای وسیع و آن مخازن زیرزمینی وسیع و آن پشتوانه اسلامی - الهی، نباید در ذهنشان بیاید که نمی‌شود. این قدرت بزرگ شیطانی شوروی، که با تمام قوا افغانستان را می‌خواهد خفه کند، نتوانسته است. ملت اگر یک چیزی را نخواهند، نمی‌شود تحمیلشان کرد. باید ملت را بیدار کرد تا بخواهند. ملت ما هم قبل از بیست سال، خواب بود، توجه نداشت. از بیست سال به این طرف هی گفتند، گویندگان گفتند، علماء گفتند، دانشگاهیها گفتند. کم‌کم رسید به تظاهرات، کم‌کم رسید به ریختن در خیابانها، کم‌کم رسید به «الله اکبر»، و قدرت بزرگ شیطانی در مقابل «الله اکبر» نتوانست بماند؛ و همه می‌خواستند بماند. من مطلع بودم همه قدرتها می‌خواستند که این نوکری که برای همه‌شان خدمتگزار بی‌چون و چراست، در ایران بماند تا منافعشان را ببرند و هر چه ما ذخایر داریم آنها به رایگان ببرند، لکن ملت وقتی نخواهد،

نمی‌شود. باید ملت را بیدار کرد که آن چیزی را که خیال می‌کرد
نباید بخواهد، بخواهد و آن امری را که به خیالش نمی‌شود،
بیدارش کرد که می‌شود. ملت[ها] از دولتهای خودشان بخواهند
که تسلیم بشوند، و الا همان کاری را که ملت ایران کرد، با آنها
بکنند تا حل مشکل بشود. حل مشکل بدون اینکه این اشخاصی
که سر راه ایستادند و مانع هستند از اینکه مشکلات حل بشود،
اینها را باید از بین راه بردارند. هر جا شما بروید، در هر کشوری از
کشورهای اسلامی نه، بلکه همه کشورهای دنیا، این سران قوم
هستند که مانع هستند از رشد فکری و معنوی و مادی ملتها. این
سران کشورها هستند که وابستگان خودشان را در دانشگاهها
معلم می‌کنند، و معلمهای دانشگاه، جوانهای ما را خراب
می‌کنند. مانع، این حکومتهاست؛ حکومتها با اختلاف مراتب.
حکومتها جلوی رشد جوانهای ما را گرفتند و جلوی پیشرفت
مسلمین را. (۲۲۳)

۵۹/۵/۱۸

* * *

نگذاشتند شماها به فکر بیفتید، هی آمدند به شما دادند، شما هم
تبیل شدید. خودتان به فکر بیفتید که برای خودتان انجام بدھید.
کارهای خودتان را می‌توانید انجام بدھید. گمان نکنید که ما حتّماً
باید همه چیزمان را از دیگران بگیریم. نه، شما به فکر این باشید
که همه چیزتان را خودتان درست کنید. این ژاپن بود که در سالهای
قبل محتاج بود و خودش به فکر افتاد و خودش کارهای خودش را
درست کرد و الآن صادر می‌کند به امریکا هم. آن هندوستان بود که
در آن زمان، آنقدر احتیاج داشت، حالا الآن دارد خودش

احتیاجات خودش را رفع می‌کند. مغزهای شما کوچکتر از مغزهای دیگران نیست. شما خودتان به فکر باشید. توجه کنید که کار خودتان را خودتان انجام بدهید. (۲۲۴)

۵۹/۸/۱۴

* * *

توجه به این نکته و تذکر اولاً لازم است. ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته‌اند که یُفظه - بیداری - اول منزل است. در طول تاریخ، در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملتهای جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد. و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند. این قضیه از سالهای بسیار طولانی بوده است، و هی دائماً رشد کرده است تا این اواخر به رشد تمام رسیده بود. من یک قصه شنیدم که مال شاید صد سال پیش از این باشد. صد و بیشتر از صد سال از شیخ ما مرحوم آیت‌الله حائری - رحمة الله - نقل شد که من بچه بودم. فرموده بودند من بچه بودم در یزد، و تازه این لامپها را لامپاهایی که آن وقتها بود آورده بودند و یک جلسه‌ای درست کرده بودند. مردم جمع شده بودند آنجا و این لامپها را گذاشته بودند. یک پله‌ایی درست کرده بودند و این لامپها را گذاشته بودند آنجا؛ آن بالا. مردم تازه می‌دیدند او را. چراغشان قبلًا چراغهای غیر از آن ترتیب بوده، و یک نفر فرنگی هم آنجا بود. این هر چند دقیقه یا چند وقت یک دفعه از این پله‌ها می‌رفت بالا و آن ماشه لامپها را حرکت می‌داد. این یک قدری نورش می‌رفت بالا، مردم صلووات می‌فرستادند.

قدم اول بیداری
است

بعد می‌آمد پایین یک قدری می‌ماند و مردم مشغول تماشا بودند، دوباره می‌رفت بالا آن را می‌کشید پایین، مردم باز ظاهر می‌کردند. این از آن وقت‌ها مطرح بوده است که ما حتی نمی‌توانیم پیچ یک چراغ را بالا ببریم. این باید فرنگی این کار را بکند. باید از خارج فرهنگی‌ها بیایند و دستشان را این طور کنند تا این ماشه چراغ، فتیله را بالا ببرد و بعد هم اینطور کنند تا پایین بیاورد. کم‌کم در همه طبقات این انگیزه رشد کرد. من عکس مجسمه آتابورک را در ترکیه - آن وقت که تبعید بودم به آنجا - دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا کرده بود. و آنجا به من گفتند که این علامت این است که ما هرچه باید انجام بدھیم باید از غرب باشد. باصطلاح، آتابورک یک مرد مثلاً روشنی، یک مرد کذایی بوده. و درکشور ما هم بعضی از روشنفکرها - به اصطلاح - گفته بودند که ما باید از سر تا قدم اروپایی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدھیم. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمانها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدھند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم.

ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیقش نیستیم. ملت ما فقط لوله‌نگ می‌تواند بسازد. کار دیگر از او نمی‌آید. باور کرده بود این ملت بیچاره روی تبلیغاتی که قدرتها پیشرفته و بزرگی کرده بودند. و تبلیغات داخلی که وابستگان به آن قدرتها کرده بودند به اینکه ما باید همه‌چیزمان از خارج باشد. و ما باورمان آمده بود یا بسیاری از ما، که غرب یک نژاد برتر است. همان طور که هیتلر این معنا را از قراری که شنیدم می‌گفته است که آلمان یک نژاد برتر است، و

بعضی از نویسنده‌های ما نوشته بودند که عَمله‌ای که در آلمان هست و بیلش را دستش گرفته و لب خیابان ایستاده که برود کار بکند، آن آدم چشم آبی را عقیده بسیاری هست به اینکه برای اداره مملکت مثلاً امثال ما از اشخاصی که در این مملکت هستند بهتر و بالاتر می‌تواند عمل بکند. این طرز فکر، ما را آن طور عقب نشانده بود که اعتقادمان این بود که اصلاً از ما کاری ساخته نیست. ارتش ما اگر بخواهد ارتش بشود مستشار لازم دارد. از امریکا یا از اروپا باید مستشارانی بیایند تا ارتش ما را بتوانند سرو سامان بدهند. ما راجع به صنایع اصلًا نباید صحبت‌ش را بکنیم. ما یک ملت لوله‌نگ‌ساز هستیم. ما نسبت به صنایع اصلًا نباید صحبت بکنیم. این صنایع دربست به عهده اروپاییها و امریکاییهاست. ما تا بیدار نشویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم، و ما هم شخصیت داریم و ما هم ملت‌های بزرگ هستیم، ما هم، مسلمین هم یک میلیارد تقریباً جمعیت با همه وسایل دارند، تا این معنا را ما باورمنان نیاید، نمی‌رویم دنبال کار. یک جمعیتی اگر نشستند و دستشان را دراز کردند پیش یک جمعیتهای دیگر که بدء به ما، تمام همّشان این بود که هر چه می‌خواهد از خارج بیایند و بدهند به شما و ذخایر شما را از اینجا ببرند در ازای آن چیزی که می‌دهند، این ملت اگر یک میلیون سال هم زندگی بکند همان حال اوّل است، تبلیغ می‌آید، بی‌اراده بار می‌آید. این تبلیغات دامنه‌داری که کردند و حالا هم باز می‌کنند به گوش شما نباید برود. شما باید بیدار بشوید و از این خوابی که بیشتر از چند صد سال به ما تزریق کردند و ما را خواب کردند. اوّل قدم این است که ما بیدار بشویم. بفهمیم که ما هم از جنس بشر هستیم و ممالک دیگر و رژیمهای دیگر و نژادهای دیگر برتر

نیستند از ما. متنها آنها با تبلیغاتشان ما را جوری کردنده که همیشه دستمان طرف غرب یا طرف شرق دراز باشد و هرچه می‌خواهیم از آنجا برای ما بیاید. اگر ما بیدار بشویم که ما هم موجودی هستیم مثل سایر موجودات و ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسانها و نژاد ما هم نژادی هست مثل سایر نژادها، اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان و سایل زندگی را فراهم کنیم، خودمان برای خودمان کار بکنیم، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم، یاد بگیریم لکن بعد از یادگرفتن خودمان کار بکنیم، نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یکی گلیمی هم که می‌خواهیم، یک پتویی هم که می‌خواهیم از آنجا بیاورند، یک تفنگی هم که می‌خواهیم از آنجا بیاورند، اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم که خودمان و سایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان.

باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد. آنهایی که این صنعتهای بزرگ را درست کردنده، آنها هم انسانهای یک سر و دو گوشی هستند که مثل سایر انسانهایند متنها قبل از ما بیدار شدند و ما را خواب کردنده. قبل از اینکه ما بیدار بشویم آنها بیدار شدند. و هم خودشان را صرف این کردنده که با ایادی خودشان مستقیماً یا به غیر مستقیم ما را غافل کنند. ما را خواب کنند و به ما تزریق کنند به اینکه شما نمی‌توانید. حتی تزریق کنند که شما نمی‌توانید حکومت کنید. شما نمی‌توانید یک حکومت صحیح داشته باشید. شما نمی‌توانید یک صنعتی داشته باشید. اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هر چه

فریاد بزنیم فایده ندارد. شعارها فایده ندارد. آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه. البته در یک انقلابی و در یک نهضتی اولش شعارهای است که این نهضت را به پیش می‌برد. و اگر آن شعارها نباشد، انقلاب نمی‌تواند پیش ببرد، لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد باید عمل کرد.

باید توجه کرد به اینکه ما نباید همیشه دستمان دراز باشند. یک دستمان طرف غرب دراز باشد، یک دستمان طرف شرق دراز باشد. تا این دو دست ما طرف شرق و غرب دراز است ما وابسته هستیم. ما که می‌خواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم به اینکه ما خودمان هم شخصیت داریم. ما می‌توانیم کار انجام بدیم.

شما دیدید که قبل از اینکه این نهضت حاصل بشود و انقلاب، کم شخصی بود، کم کسی بود که احتمال این را حتی بدهد که می‌شود برای قدرتهای بزرگ غلبه کرد. آن هم یک ملتی که همه چیزش وابسته بوده و همه چیزش از آنجا آمده و چیزی ندارد. این یک مسئله‌ای بود که باور کسی نمی‌آمد. لکن شما دیدید که وقتی اراده کردید، ملت اراده کرد، دنبالش شد. وقتی ملت بیدار شد که نباید این ابرقدرتها در اینجا حکومت کنند و نباید وابستگان آنها در اینجا حکومت کنند، با اینکه کمال قدرت را آنها آن وقت داشتند در عین حال همین سرو پا برخنه‌های بازار و کوچه و دانشگاه و جاهای دیگر قیام کردند و این وحدت کلمه و با بیداری، دشمن را از صحنه بیرون کردند. اگر ملت ما در این طول مدت این بیست، سی سال، از بیست سال به این طرف باز همان بودند که از پاسبان می‌ترسیدند، اگر یک وقتی می‌خواستند به کلاتری بروند خوفشان بود که بروند، از اسم شاه کذا می‌ترسیدند، اگر اینها

همانها بودند، نمی‌توانستند قیام کنند و این واقعه را، این واقعه اعجازآمیز را به وجود بیاورند. اول بیدار شدند. با نطق ناطقین، نویسنده‌گان، بیدار شدند. یعنی نویسنده‌گان متعهد. بعد که بیدار شدند اراده کردند. خواستند. دنبال اراده و خواست قیام حاصل شد. و دیدید که چیزی که ملت خواست متحقق می‌شود. ملت ما خواست که نظام جائز سلطنتی نباشد و به جای او یک نظام انسانی - اسلامی باشد. این را خواست و این شد. البته نمی‌گوییم که الآن ما یک نظام اسلامی تمام عیار داریم. لکن این را می‌گوییم که آن نظام جائز که همه چیز ما را به دیگران فروخت و از بین برد، آن رفت از بین. و دست آن ابرقدرتها کوتاه شد از مملکت. و ما الآن در اول قدم هستیم. و باید کوشش کنیم، همه ملت کوشش کنند، همه ملت کوشش کنند، هر کس در هر جا که هست کوشش کند. و کوشش این باشد که ما باید وابسه نباشیم. اگر دهقانهای ما در صحراء و در هر کجا که هستند این معنا را بفهمند که کوشش باید کرد تا وابسته نبود، و هر کس وابسته است اسیر است و ممکن است که اسارت شد زیادتر بشود. اگر آنها در بیابانها این معنا را احساس کنند، اراده می‌کنند که وابسته نباشند، و اراده می‌کنند که ارزاق خود مملکت را خودشان تهیه کنند. و اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را - خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و

مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدھند.
شما متوجه نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید.
میگ درست کنید. البته آن نمی‌شود، اما مأیوس نباشید از اینکه
می‌توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن
صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک
ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و
دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود. یأس از جنود ابلیس
است، یعنی شیطانها انسان را به یأس و امی‌دارند. همین
ابلیس‌هایی که می‌بینید در طول تاریخ ملتهای ضعیف را مأیوس
کرده‌اند. همینهایی که به ملتهای ضعیف تزریق کردند که ما هیچ
نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم. همینهایی که به ملتهای ضعیف به
واسطه وابستگی‌شان به خارج گفتند که ما باید غربی باشیم. ما
ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بباید. کارخانه‌هایمان
هم باید از غرب بباید راهش بیندازد. ما باید این جنود ابلیس را
کنار بزنیم. و امید، که از جنود الله است در خودمان زنده بکنیم. به
خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان بکنیم. تبع اراده
دیگران نباشیم. لکن همه با هم مجتمعاً این اراده را بکنیم تا کار
انجام بگیرد. آنهایی که در ارتش هستند، در قوای مسلح هستند، با
هم هماهنگ باشند، و با هم بخواهند که ارتشان قوی باشد، و
ارتشان قوای مسلحه شان را خودشان اداره کنند. و می‌توانند و
می‌بینید که توانستند و می‌توانند. و آنهایی که در کارخانه‌ها هستند
و در کارگاهها هستند و در امور صنعتی هستند، خودشان بگویند
ما خودمان می‌کنیم و می‌توانیم.

امید در خودتان ایجاد کنید. نویسنده‌های ما، گویندگان ما
همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدھند. مأیوس نکنند

ملت را. بگویند توانا هستیم. نگویند ناتوان هستیم. بگویند خودمان می‌توانیم واقع همین طور است، می‌توانیم. اراده باید بکنیم. نویسنده‌های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی‌خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می‌توانند تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسنده‌ها، این گوینده‌ها به جای اینکه به هم اشکالتراسی بکنند، به جای اینکه به جان هم بریزند، با هم امید در ملت ایجاد کنند. اطمینان در ملت ایجاد کنند. استقلال روحی در ملت ایجاد کنند. اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسنده‌گان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند ماتا آخر پیروز هستیم. و حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشورش کرده مها که گوینده هستیم، نویسنده هستیم، آنهایی که در مطبوعات چیز می‌نویسنند، در رادیو و تلویزیون صحبت می‌کنند، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشته باشند که باید این ملت را امیدوار کرد، و باید مطمئن کرد ملت را.

اطمینان داشته باشید که اگر بخواهید می‌شود. و اگر بیدار بشوید می‌خواهید. شما بیدار بشوید و بفهمید این معنا را از نژاد ژرمن از نژاد آریا بالاتر نیست. و غربیها از ما بالاتر نیستند، زودتر کار راه انداختند. مشغول بشوید و کار را انجام بدهید. ژاپن همین معنا را مبتلا بود و بعد بیدار شد و اراده کرد و شد یک مملکت صنعتی که الآن صنعت او مقابله می‌کند با امریکا. هندوستان بیدار شد با اینکه از همین نژادهایی بود که غیر عربی بودند و غیر آلمانی و غیر ژرمنی بودند که آنها می‌گفتند اینها آبر هستند و اینها

نمی‌توانند، وقتی ملتشان خواست شد، شما هم بخواهید می‌شود.
خواستید که سلطنت جائز پهلوی نباشد و شد و از بین رفت.
خواستید که قدرتهای دیگر بر شما و بر ذخایر شما سلطه نداشته باشند، همین طور شد و آن سلطه ندارند. (۲۲۵)

۵۹/۱۰/۲۹

* * *

مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم. اگر این کشاورزها این معنا را حالیشان بشود، باورشان بشود که خارج به ما چیزی نمی‌دهند، خود کشاورزها کار را انجام می‌دهند؛ خود ملت انجام می‌دهند. از قراری که شنیدم در چین یک وقتی در پشت بامهایشان هم گندم می‌کاشتند. علاوه بر زمینهایشان، توی حیاطهایشان، در پشت بام هم گندم می‌کاشتند. یک مملکت اگر بخواهد خودش به پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه ابعاد، چاره ندارد جز این تفکر که «ما باید از خارج چیز وارد کنیم» از کله‌اش بیرون کند. مغزش توجه به این بکند که ما از خارج باید وارد بکنیم. اگر یک چیزی نداریم، از خارج برایمان نمی‌آورند آن [را] فلان کار را انجام نمی‌دهیم، تا خودمان درست کنیم. اگر یک وقت دیدیم که ما چنانچه یک کارخانه‌ای را نمی‌توانیم راه بیندازیم، اتکال به این نکنیم که برویم از خارج بیاوریم. خودمان دنبالش برویم تا کار انجام بگیرد، و انجام می‌گیرد. مغزهای اروپا با مغزهای ایران فرقی ندارند، جز این معنا که آنها آن طوری تربیت شدند و خودشان را آن جوری درست کردند؛ و مaha را این طوری تربیت کردند. ما را یک موجودات مهمی بار آوردن. خوب، تا کی ما باید این تحمل

باید بفهمیم که
دیگران چیزی به
ما نمی‌دهند

را بکنیم که ما یک موجودات مُهمَلی هستیم، و باید از اربابها پیش
ما برسد؟ حتی نامن را آنها بدهن و گوشتمن را آنها بدهن؛
اداراتمن را آنها درست کنند؛ ارتشمن را آنها. این باید یک آخری
داشته باشد. نمی شود که همیشه انسان انگل باشد به غیر.

و عمدۀ این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. اول هر
چیزی، این باور است که می توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی
این باور آمد، اراده می کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد،
همه به کار می ایستند، دنبال کار می روند. در هر صورت، این باور
را باید از گوش [و] مغز خودمان بیرون کنیم. و کسانی که گوینده
هستند، کسانی که نویسنده هستند، کسانی که فرض کنید در
ادارات هستند و اطلاعات دارند، این مطلب را به مردم
بباور انند. (۲۲۶)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

شما حالا باید از اول شروع کنید و قصدتان این باشد که خودتان
مستقل در همه چیز باشید؛ در فرهنگ مستقل باشید، در صفت
مستقل باشید، در زراعت مستقل باشید. وقتی که بنای بر این معنا
گذاشته و با این عزم وارد میدان شدید، می توانید که کشور
خودتان را نجات بدهید و کشور خودتان را مستقل کنید و بیمه
کنید استقلال کشور خودتان را برای همیشه. (۲۲۷)

عزم، لازمه استقلال
و خودکفایی

۶۰/۱۱

* * *

مشکلهای داخلی ما یک قسم مشکلات هست که به دست

زمینه های لازم خودبازی و خودکفایی / ۱۷۹

خودمان باید حل بشود و همه ملت باید در این باب کوشش کنند.
آنها ی که کار می توانند بکنند کار بکنند، زراعت می توانند بکنند
زراعت بکنند و این مشکل را، مشکل اقتصادی را با دست خود
ملت انشاء الله حل بشود و ملت مابه خودکفایی انشاء الله
برسد. (۲۲۸).

۶۰/۱۱/۴

خودکفایی به دست
خود ملت

البته می دانید که کار مشکل است، لکن با پشتیبانی و موافقت
مردم، کارها آسان می شود، کما اینکه تا حال هم چنین بوده و مردم
پیشقدم شده اند و خرابیهای جنگ را که دولت به تنها ی
نمی توانست حل کند، حل می کنند. (۲۲۹)

۶۱/۵/۲۵

تسهیل کارها با
پشتیبانی و موافقت
مردم

مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم، باید
تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم. امروز ما
وارث کشوری هستیم که وابسته به شرق و غرب بود؛ و شرقده و
غربزده هم در رأس امور بودند. بنابراین، باید محکم باشیم و این
جمهوری را که در مقابل همه انحرافات ایستاده است حفظ
کنیم. (۲۳۰)

۶۱/۱۱/۳

مبارزه با مشکلات
برای رسیدن به
استقلال

با اتكاء به خدای تبارک و تعالی و قدرت ملی خودمان، اسلامی

۱۸۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

خودمان، کارهایمان را پیش ببریم. و پیش می‌رود این کارها؛ متنهای بعضی‌هایش زود پیش می‌رود، بعضی‌هایشان هم یک قدری دیرتر پیش می‌رود. باید ما عزم‌مان را جزم کنیم به اینکه نه دستمان را پیش امریکا دراز کنیم نه پیش شوروی و نه پیش دیگران. (۲۳۱)

۶۲/۶/۳۰

توکل و اراده در

خودکفایی

مردم و فادر و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی خیلی بیشتر از اینها آماده صبر و فداکاری هستند. و من مطمئنم که ملت ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کند. (۲۳۲)

۶۷/۹/۳

جانبداری ملت از

استقلال و

خودکفایی

انقلاب، وحدت و عوامل مذهبی

جامعه اسلامی که مشترک مابین همه است، در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است با هم توحید کلمه کنند. اگر اینها توحید کلمه کنند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند؛ دیگر هندو به کشمیر طمع نمی‌کند. این برای این است که نمی‌گذارند شما متعدد بشوید. بدانند آنها - می‌دانند هم - دستهایی که می‌خواهند منابع شما را از دستتان بگیرند، می‌خواهند ثروت شما را به رایگان ببرند، می‌خواهند ذخایر تحت الارضی و فوق الارضی شما را به

اتحاد جوامع،
ضامن استقلال آنها

یغما ببرند.(۲۳۳)

۴۴/۸/۲۳

* * *

بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده‌اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملت‌های مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه‌کن کردن سرطان استعمار، همفکر و همپیمان شوید. گرفتاریهای ملل مُسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید.(۲۳۴)

بهمن ۱۳۴۹

* * *

طرح استقلال ملل
اسلامی در کنگره
حج

تمام چارچوبهای پوسیده و بی‌محتوایی را که در طول این پنجاه سال، مردم را به غربزدگی کشانده است خراب می‌کنیم و حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به همه اقشار وطن می‌سازیم. و از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غربزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان

برپایه‌های اسلامی
خویش تکیه زنند

۱۸۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

شده است پشت پا زند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله که شده است نجات می‌دهیم. (۲۳۵)

۵۷/۹/۶

* * *

شما بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است. (۲۳۶)

اسلام و قرآن،
ضامن استقلال

۵۸/۱/۲۶

* * *

الآن دارند مفسدہ می‌کنند و با هر حیله‌ای که باشد می‌خواهند یک اختلافی ایجاد کنند.

مقابلہ با
تفرقہ اندازی برای
نیل به خودکفایی

و اما مهم این است که، مملکت که حالا می‌گوییم دست خودمان است، یک مملکتی باشد که خودکفا باشد، سازنده‌ی شروع بشود تا مملکت به طوری که اقتصادش صحیح باشد، کشاورزی اش درست بشود، دانشگاههاش درست بشود، قضاوتش درست بشود. همه اینها آشفته‌اند؛ مثل زمان طاغوتند. (۲۳۷)

۵۸/۲/۳۱

* * *

شما این مفخرهای خودتان را از یاد نبرید. روشنفکرهای ما و نویسنده‌گان ما، نویسنده‌گان ما و تمام طبقه عالم و روشنفکر توجه به

مفاخر خودشان داشته باشند. این قدر طرف غرب سجده نکنند کتاب بنویسند. شما خودت مطلب داری؛ چه کار داری کی چه گفته؟ جهنم، که گفته! چرا استشهاد به یک قول اجنبي می‌کنی تا روح جوانهای ما را افسرده کنی و اینها را از قالب خودشان بیرون بکنی.

شما ملت هم بنابر این بگذارید که اگر یک داروخانه‌ای اسم خارجی داشت از او چیزی نخرید تا اسمش را عوض کند. اگر [در] یک کتابی، این دانشگاهیهای عزیز ما، اینها هم توجه به این معنا بکنند که اگر یک نویسنده‌ای در هر کتابی شروع می‌کند از دیگران در کتابش استشهاد کردن، این کتاب را نخوانند، نخوانند این کتاب را. اگر این طور بکنید و مشتریها کنار بروند - اینها می‌خواهند مشتری پیدا کنند - اگر مشتریها کنار بروند، اینها هم دست برمی‌دارند از این کارها. وقتی متاعی مشتری نداشت، دیگر عرضه نمی‌شود. شما بنابراین بگذارید که این چیزهایی که دارد شما را می‌کشد به طرف غرب و مفاخر شما را زیر پا می‌گذارد و به جای او مطالب غربی را می‌نشاند، شما هم اعراض کنید از او؛ پشت کنید به اینها. به نویسنده این طوری پشت بکنید؛ به کتاب این طوری پشت بکنید. (۲۳۸)

مفاخر خودمان را
از یاد نبریم

۵۸/۶/۱۷

* * *

باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم غربی بود؛ همه چیز غربی بود. حالا باید، بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم، این طور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش بکنیم، و

باید فرم غربی
برگردد به فرم
اسلامی

دنباله رو غرب یا دنباله رو شرق باشیم. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم، و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد.

اگر ما این وابستگیهای معنوی را، این وابستگیهایی که جوانهای ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، اینها را اگر برگرداندیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم، و خودمان سریای خودمان باشیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم، و اما اگر چنانچه از این معنا غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا باشد، امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست. بر همه ماست که از این غربزدگی بیرون بیاییم. (۲۳۹)

۵۸/۶/۲۲

* * *

اسلام وابستگی شما را و خودمان را به دیگران منکر است. می‌گوید نباید صنعت ما وابسته باشد؛ نباید زراعت ما وابسته باشد؛ ادارات ما وابسته باشد؛ نباید اقتصاد ما وابسته باشد؛ نباید فرهنگ ما وابسته به غیر باشد؛ نباید مستشارها بیایند ما را اداره کنند. خودمان، خودمان را باید اداره کنیم.

اسلام، منکر
وابستگی

نباید نظام ما را مستشارهای امریکایی بیایند درست بکنند. آنها که نمی‌خواهند درست بکنند؛ آنها می‌خواهند اصلاً خراب بکنند. مستشارها که می‌آیند نمی‌خواهند که ما را تعلیم بدهند؛ می‌خواهند نگذارند ما تعلیم بگیریم؛ می‌خواهند ما را متوقف

کنند. دانشگاه‌های ما را نمی‌گذارند که درست آنطوری که باید اداره بشود، دانشگاه وابسته است. دانشگاه وابسته شد، باید تا آخر همین باشد که هی دستش دراز باشد. [...] وابستگی فکری خود را بیرون بیاوریم. خودمان را از وابستگی فکری بیرون بیاوریم که فکرهایمان این نباشد که ما چیزی خودمان نداریم، هر چه هست آنجاست. (۲۴۰)

۵۸/۶/۲۸

* * *

شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین فرهنگ، مترقبترين فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند، و دستش را پیش غرب دراز نکند، پیش این غرب و از غرب یک چیزی بخواهد، خودش باید درست بکند. سابق اینظور بوده است که کتب طبی شرق در اروپا رفته است، و اروپا را طبیب کرده و آن طبیبهای بزرگ را درست کرده -کتب شرق بوده است؛ کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است. (۲۴۱)

۵۸/۸/۶

* * *

اگر امریکا موفق بشود در این مطلبی که الان پیش آورده است که همه قدرتها را دور خودش جمع کند و حصر اقتصادی بکند نسبت به ایران، ان شاء الله موفق نمی‌شود. لکن ما باید طرف احتیاط را بگیریم. اگر خدای نخواسته، موفق بشود و ایران را در حصر اقتصادی از جهات مختلفه قرار بدهد که یک جهتش هم همین قضیه خواربارهایی است که ما احتیاج به آن داریم، خوب، ما

فرهنگ اسلامی،
عامل خودکفایی

خودکفایی ضامن
بقاء نهضت

قاعدتاً نمی‌توانیم دیگر مقاومت کنیم، و این یک ضربه‌ای است که به نهضت ما می‌خورد که ضربه به اسلام است. پس تکلیف همهٔ ماه‌ها هست که هر کس به هر مقداری که قدرت دارد در این امر کوشش کند. (۲۴۲)

۵۸/۱۰/۴

* * *

آنها ما را تهدید کردند با این که حصر اقتصادی می‌کنیم. و آن دولتها هم بسیارشان با اینها موافق‌اند، ولو اینکه ملت‌ها موافق نیستند. لکن خوب بعضی‌ها موافق‌اند با اینها. و ما باید در عین حالی که به نظر من این هیاهوها هیچ واقعیتی ندارد، لکن ما چنانچه در سطح یک احتمال ضعیفی هم بدھیم باید مجهز بشویم. شما در حال جنگید‌الآن. یک جنگی است که جنگ اقتصادی است، و یک محاربه‌ای است، یک محاربه‌ای‌الآن مابین اسلام و کفر است. محاربه اقتصادی یکیش است.

خودکفایی، یک
تکلیف

تکلیف است برای کشاورزها، و برای کسانی که می‌توانند کمک به کشاورزها امسال جوری بشود که ان شاء الله خودکفا بشویم، و در سالهای بعد صادرات داشته باشیم. این نه این است که یک موقعه است که من موقعه کنم که مردم خوب است این کار را بکنند؛ یک تکلیفی است الآن به عهده ما. یعنی نجات دادن یک کشور اسلامی است از زیربار ظلم و از زیربار استعمار. نجات دادن مملکت اسلامی یک تکلیف است که انسان موظف است این کار بکند. اگر یکوقت خدای نخواسته، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همهٔ مردم، یعنی مرد و زن مسئله دفاع دیگر اینطور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته‌ای

باید، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان.

اگر ما در هجوم اقتصادی هم واقع شدیم که هجوم اقتصادی اسباب این بشود که وابسته به یک کشور دیگر باشیم، این هم یک وظیفه شرعی است که ما باید خودمان را نجات بدهیم. هر که ازش هر کاری می‌آید راجع به اقتصاد باید بکند. نشینند یک طبقه [که] یک طبقه دیگر بکند. رعیتها کم‌کاری نکنند. آنهایی که در کارخانه‌ها کار می‌کنند کاری نکنند، سستی نکنند، امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است. اینطور نیست که یک وقت آرامش باشد، بگویید خوب ما نمی‌خواهیم زیاد منفعت ببریم. این اختیار با خودتان است. اینجا دیگر اختیار با مردم نیست. این اختیاری است که خدا دست اوست و او امر کرده است به این معنا. یعنی نمی‌شود که ما تحت نظرات یک کشوری باشیم که به دین اعتقاد ندارد و ما برویم تحت بیرق کُفر. این یکی از مسائل مهم است. ما باید کوشش کنیم و اقتصاد خودمان را خودمان اداره بکنیم. حالایی که ما در مقابل یک همچه قدرت شیطانی واقع شدیم و او هم تهدید کرده است که ما همه کشورهای دنیا را تجهیز می‌کنیم که در رابه سوی شما بینند، ما در عین حالی که اعتقادمان این است که حرفی است و واقعیت نخواهد پیدا کرد، لکن اگر ما یک درصد احتمال هم بدھیم باید قیام کنیم. باید غافل نباشیم از اینکه دشمن نمی‌تواند بکند. خوب، شاید یک وقت شد. برای آن روز شاید باید همه قشراهای ملت؛ هر کس هر جوری که می‌تواند یک تولیدی بکند، که مثلاً با غدارها می‌توانند تولید بکنند، دامدارها می‌توانند تولید بکنند، و کشاورزها می‌توانند تولید کنند، اشخاص می‌توانند کمک کنند به کشاورزها، کارخانه‌ها می‌توانند تولید کنند. (۲۴۳)

و از آن بالاتر که اساس را تقریباً به هم می‌زد، این بود که روحانیت را از بین ببرد. شروع کرد راجع به مخالفت با روحانیت، و این که عمامه‌های روحانیون را بردارند و کسی حق ندارد عمامه داشته باشد. حتی بعضی شان می‌گفتند که در تمام ایران بیش از شش نفر نباید عمامه داشته باشند! و این را هم دروغ می‌گفتند - اصلاً نمی‌خواستند باشد.

و عمده نظر این بود که روحانیت را دیده بودند. آنهایی که احتمالاً این را وادار به این امور می‌کردند، دیده بودند لاقل این صد سال را درست دیده بودند که هر وقت که بنا بود یک شکستی به ملت بیاید، روحانیت جلویش را می‌گرفت. یکی شکستی به کشور بیاید روحانیت جلویش را می‌گرفت. دیده بودند که در متأخر عراق که انگلیسها عراق را آن وقت تقریباً گرفته بودند، آن روحانی بزرگ مرحوم آقا میرزا محمد تقی جلویش را گرفت و از [دست] ایشان گرفت عراق را. استقلال عراق را او می‌گرفت از آنها. و باز دیده بودند که قبل از او میرزای شیرازی با یک کلمه، ایران رانجات داد از دست انگلیسها و مزاحم را می‌دیدند که همین روحانیین هستند. و اگر چنانچه بخواهند آن چیزهایی که آنها می‌خواهند که عبارت از مخازن شرق بود، عبارت از معادن شرق بود، اینها را آنها می‌خواستند و علاوه بر این، شرق را بازار کنند برای خودشان. از آن طرف مخازنشان را ببرند و از آن طرف با صورت دیگر بازار درست کنند و هرچه دارند به این بازار صرف کنند. ما را به صورت یک مصرف درآورند. می‌دیدند که روحانیت اگر زنده باشد، و چشمش را باز کند و بگذارند به حیات خودش ادامه بدهد این مزاحم است. از این جهت روحانیت را با تمام قوا کوبیدند. (۲۴۴)

روحانیت زنده،
پاسدار استقلال
کشور

ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از متن دانشگاهها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستانها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد. (۲۴۵)

۵۹/۲/۱۰

خودکفایی، ثمرة

انقلاب

* * *

حفظ کنید این وحدت خودتان را، اینها آن هجوم می‌آورند که از دستتان بگیرند این را. بخواهید کشورتان کشور مستقل و خودتان اشخاص آزاد باشید، این را تعقیب کنید. و شما دو قشر با هم ارتباط دائم داشته باشید. و برنامه‌ها را خود دانشگاه‌ها و خود علمای حوزه‌ها برنامه‌ها را تنظیم کنند، که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت، نه یک چیزهایی را بخوانند که اصلاً به درد ما نمی‌خورد، خیلی از چیزها هست که اصلاً به مملکت مربوط نیست، و یک پرورش صحیح، که از دانشگاه وقتی بیرون می‌آیند مستقل در فکر باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تأثیر گرایش‌های شرقی و غربی نباشند، خدمتگزار به کشور خودشان باشند نه خدمت به دیگران بکنند. (۲۴۶)

۵۹/۳/۳

وحدت حوزه و
دانشگاه متضمن
استقلال کشور

* * *

درگیریهای غرب کشور عزیز ما درگیریهایی است از جانب امریکا که گروههای از خدا بی خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده‌اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می‌شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است. چه اگر ما با امریکا و یا سایر

انقلاب اسلامی
برپایه استقلال

۱۹۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

ابرقدرتها و قدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصایب نبودیم؛
ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت
دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند. (۲۴۷)

۵۹/۶/۲۱

* * *

مهمنتر چیزی که برای کشور ما لازم است تعهد اسلامی و تهذیب
اسلامی است. اگر این یک سنگر صحیح بشود و سنگر دانشگاه و
فیضیه یک سنگر اسلامی باشد، دیگر سایر ملت به این طرف یا
آن طرف نخواهد گرایید؛ و با صراط مستقیم راه انسانیت و راه
اسلامیت و راه استقلال و راه آزادی را طی می‌کنند. (۲۴۸)

۵۹/۱۲/۱۰

* * *

همان دیروز بود - می‌آیند می‌گویند: که فلان رعیت - در آنجایی که
هیچ فرهنگی نرفته است - می‌گوید: که ما زراعت می‌کنیم؛ برای
اینکه از قید و بند اسارت امریکا خارج بشویم. این یک احساسی
است که خدا در قلب این ملت اندخته است و همه ملت احساس
این را کرده‌اند که ما باید از زیر بار اینها بیرون برویم. ما باید
خودمان اداره کنیم زندگی خودمان را و می‌توانیم. عمدۀ این است
که اراده با احساس توانایی پیش می‌آید که ما احساس این معنا را
beknîm که می‌توانیم. ما در این مدت سه - چهار سالی که، سه سالی
که این گرفتاریها پیش آمده همه را خود این ملت درست کرده
است، حل کرده است. جنگ که یک مسئله مشکلی بود خود این
ملت حل کرد این را و مشکلات دیگر هم قابل حل است، حل

اسلامیت دانشگاه

ضامن استقلال

کشور

استقلال و

خودکفایی، یک

احساس الهی

می‌کند.

و شما ملاحظه می‌کنید که در همه این انقلاباتی که در دنیا پیدا شده، انقلابی که مثل انقلاب ایران باشد به این پرشرمی و به این کم ضایعاتی - ثمره‌اش خروج از تحت سلطهٔ شرق و غرب است، این یک ثمرة کمی نیست - هیچ جای دنیا اینطور نشده است که تا حالا که از همه جور بریده بشود، اگر هم بریده شدند از یک طرف، با یک طرف دیگر پیوند کرده‌اند. اینجا بحمدالله با هیچ کس نه پیوندی دارد نه چیزی بریده شده است. از همه چیز دست آنها کوتاه شده است. یک تحول بزرگی برای این کشور، برای این ملت پیش آمده، و ثمرة عظیمی است تبدیل یک رژیم ظالم به یک رژیمی که ان شاء الله، عدالت در آن اجرا خواهد شد. این یک امر مهمی است که واقع شده است. یک امری است که انبیا جان خودشان را برای همین مسائل داده‌اند، پیغمبر اسلام و اولیای ما همه کوشش‌شان در این بود که دست مستکبرها را کوتاه کنند از مستضعفین. و بحمدالله در ایران الآن یک احساس همگانی است و این احساس همگانی است که به دست و پا انداخته است این قدرتها را و دارند توطه‌ها می‌کنند و ان شاء الله، این توطه‌ها هم به جایی نمی‌رسد و حل می‌شود قضایا. و ان شاء الله خودمان سر سفره خودمان می‌نشینیم و نان پنیر خودمان را می‌خوریم. (۲۴۹)

۶۰/۹/۲۲

* * *

عمق معنوی این، این است که در مدت کمتر از یک سال - باید بگوییم - آنچنان تحول در این جمعیت حاصل شد و آنچنان منقلب شد این جمعیت به یک موجود دیگر؛ آن جمعیت رفاه طلب به یک

تفکر خودکفایی
ناشی از معنویت
انقلاب

۱۹۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

جمعیت سلحشور و جنگجو، آن جمعیت میان تهی از کارهایی که باید خودش انجام بدهد به یک جمعیت متفکر در امور خودش و زحمکش برای کشور خودش و رفتن رو به کفا برای زندگی خودش! (۲۵۰)

۶۱/۳/۲۲

* * *

همه محکم بایستید در مقابل همه قدرتها. باید مهیا کنید خودتان را در مقابل همه مشکلات. باید ارزش‌های انسانی را از اینجا به همه جا صادر کنید؛ و استقلال خودتان را همه جور؛ استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی، استقلال اجتماعی همه اینها را باید شما محکم نگاه دارید. و این در سایه این است که توجه به مکتب اسلام و اتکال به خدای بزرگ و با هم همپیمان شدن و همه قشرها برادر دانستن یکدیگر است. (۲۵۱)

اتحاد و همدلی
ضامن استقلال
کشور

۶۲/۲/۴

* * *

اعتماد به نفس، قلاش و تحمل مشقات

شما قوانین اسلام و آثار اجتماعی و فواید آن را بنویسید و نشر کنید. روش و طرز تبلیغ و فعالیت خودتان را تکمیل کنید. توجه داشته باشید که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید. اعتماد به نفس داشته باشید، و بدانید که از عهدۀ این کار بر می‌آید. استعمارگران از ۳۰۰ - ۴۰۰ سال پیش زمینه تهیه کردند. از صفر شروع کردند تا به اینجا رسیدند. ما هم از صفر شروع

اعتماد به نفس
داشته باشید

می‌کنیم. از جنجال چند نفر غربزده و سر سپرده نوکرهای استعمار
هراس به خود راه ندهید. (۲۵۲)

* * *

من با کمال تواضع دست خود را به سوی ملت نجیب ایران دراز
می‌کنم؛ از روحانیون عظیم الشأن تا خطبای ارجمند، از جوانان
محترم حوزه‌های علمیه تا دانشجویان دانشگاهها، از بازاریان
محترم تا کارگران و دهقانان و جناحها و طبقات محترم داخل و
خارج کشور - ایدهم الله تعالیٰ - و از همه صمیمانه و با عرض تشکر
خواستارم که پیوستگی و وحدت کلمه خود را حفظ و از مناقشات
تفرقه انداز احتراز نمایند، و با صدای واحد و ندای همگانی در راه
استقلال کشور و قطع ایادی اجانب و عمال وابسته آنها کوشش
کنند، و با اتکا به خدای متعال و احکام عدالتپرور اسلام همدست
و همداستان شوند. (۲۵۳)

دعوت همه اشار
به کوشش در راه
استقلال کشور

۵۶/۱۱/۲

* * *

باز ده - بیست سال لازم است که همه اشار ملت فعالیت کنند تا
بتوانند این نقیصه‌ها را رفع بکنند. شما بخواهید زراعت ما را
برگردانید به حالی که قبل از این افساداتِ ارضیه بود، بخواهید به
آن حال برگردانید، ده - بیست سال زحمت لازم دارد. همه مردم
باید دست به هم بدهند، باید زارعین و دهقانها و اینها - کشاورزها
مشغول کار بشوند، دیگران کمک کنند به آنها. تنها با یک قشر، با
یک دولت نمی‌شود. (۲۵۴)

چندین سال
زحمت برای رفع
وابستگی

۵۷/۱۱/۱

* * *

من باید به مصادر امور بگویم که، اخطار کنم که، اینقدر ضعف نفس به خرج ندهید! دنبال این نباشد که فرم غربی پیدا کنید. بیچارگی ما این است که دنبال این هستیم که فرم غربی پیدا کنیم، دادگستری ما دادگستری غربی باشد، قوانین ما قوانین غربی باشد. اینقدر ضعیف‌نفس نباشد! ما قانون غنی داریم؛ ما قانون الهی داریم. آنهایی که فرم غربی را بر فرم الهی ترجیح می‌دهند، اینها از اسلام اطلاع ندارند. آنهایی که می‌گویند نمی‌شود اسلام را در این زمان پیاده کرد، برای این [است] که اسلام را نشناخته‌اند؛ نمی‌فهمند چه می‌گویند.

ما غرب‌زدگی را
می‌زداییم

ما مبارزه با فساد را با دایرۀ امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارت‌خانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، با یک همچو وزارت‌خانه‌ای که تأسیس خواهد شد انشاء‌الله مبارزه با فساد می‌کنیم؛ فحشا را قطع می‌کنیم؛ مطبوعات را اصلاح می‌کنیم؛ رادیو را اصلاح می‌کنیم؛ تلویزیون را اصلاح می‌کنیم؛ سینماها را اصلاح می‌کنیم. تمام اینها به فرم اسلام باید باشد. تبلیغات اسلامی، وزارت‌خانه‌ها وزارت‌خانه‌های اسلامی، احکام احکام اسلام. حدود اسلام را جاری می‌کنیم؛ خوف از اینکه غرب نمی‌پسندد نمی‌کنیم.

غرب ما را خوار کرد؛ غرب روحیات ما را از بین برد. ما را غرب‌زده کردند؛ ما این غرب‌زدگی را می‌زداییم. ما با ملت ایران، با همراهی ملت ایران، با پشتیبانی ملت ایران، تمام آثار غرب را - تمام آثار فاسدۀ، نه آثاری که تمدن است - تمام اخلاق فاسدۀ غربی را، تمام نَعْمَات باطلۀ غربی را خواهیم زدایید. (۲۵۵)

اینها^(۱) همه متعهدند، همه مسلمانند، لکن ضعیف‌النفسند!
می‌ترسند که مبادا یک وقت میهمانی از اجانب بباید در کاخ
دادگستری یا در کاخ نخست‌وزیری و آنجا ببیند که یک [محیط]
محقری است؛ باید حتماً به فرم غرب باشد؟!
ضعیفید آقا! تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید. آن وقتی که نفس
شما قوی شد و اعتنا نکردید، اعتنا به این زخارف نکردید، آن
وقت است که از شما حساب می‌برند.(۲۵۶)

وقتی نفس شما
قوی شد، از شما
حساب می‌برند

۵۷/۱۲/۱۵

* * *

این مصیبت بزرگی که بر ایران و ممالک شرقی، مطلقاً، وارد شده
است که گوششان به این است که غریبها چه می‌کنند و چه می‌گویند و
چه عمل می‌کنند، و خودشان را از دست بکلی داده‌اند. استقلال
فکری خودشان را، محتوای خودشان را، از دست داده‌اند. این
ضرری است که بالاتر از ضرر نفت - و نمی‌دانم امثال این - است. این
را باید فرهنگ جبران بکند که فرهنگ ما طوری باشد که بعد از
انشاء الله چند سال دیگر افرادی که از فرهنگ بیرون می‌آیند یک
افرادی متکی به نفس که خودشان را ببینند؛ نه تبع ببینند؛ نه دنباله
ببینند؛ و گمان کنند که هر چه آنها کردند، ما باید دنبال آنها باشیم. باید
ملکت خودشان را و خودشان را مستقل ببینند، و خودشان اداره
بکنند مملکتشان را. خودشان با استقلال فکری خودشان، دنبال
ملکت و مصالح مملکت باشند.(۲۵۷)

اعتماد به نفس
لازم استقلال و
خودکفایی

۵۸/۴/۲۳

* * *

۱. اشاره به اعضای دولت موقت.

تا این ملت از این غربزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی‌کند. تا این نویسنده‌های ما کتابهایشان به این وضع است که هر مطلبی که مال خود ما هست وقتی بخواهند بیان بکنند استشهاد به قول فلان خارجی می‌کنند، فلان غربی می‌کنند، تا از این وابستگی شماها در نیاید، استقلال پیدا نمی‌کنند. تا این خانمهای شما را نمی‌گوییم. شما توده هستید، آن خانمهای را می‌گوییم - تا اینها توجهشان به این است که فلان چیز باید، فلان مد [باید] از غرب به اینجا بباید، فلان زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می‌شود اینجا هم تقليد می‌کنند، تا از این تقليد بیرون نیاید، نه می‌توانید آدم باشید؛ و نه می‌توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقليد غرب باید دست بردارید. تا در این تقليد هستید، آرزوی استقلال را نکنید. تا این نویسنده‌های ما، نویسنده‌گان ما، همهٔ حرفهایشان غربی است، این را دست از آن برندارند، امید نداشته باشند که ملت‌شان مستقل بشود. (۲۵۸)

خروج از غربزدگی،
شرط استقلال

بالاتر فاجعه‌ای که برای این ملت اتفاق افتاده است در این ظرفهای طولانی، این است که فکرشان عوض شده است. یک فکر غربی شده است فکرشان، توجهشان، همهٔ به این است که ما خودمان چیزی نداریم، از خارج باید بباید. اینها باید علاج بشود، به آنها فهمانده بشود که ما خودمان همهٔ چیز داریم، غرب به ما محتاج است، نه ما به او. این احتیاج است که آنها را قادر می‌کند که با همهٔ

قوا طرفداری از محمدرضا بکنند، برای اینکه می‌بینند محتاج به او هستند، محتاج به این هستند که به این مملکت تسلط پیدا بکنند و از ذخایر این مملکت ببرند. مملکت ما یک مملکت غنی‌ای است، یک مملکتی است که همه چیز خودش را می‌تواند اداره بکند. وسعتش وسعتی است که برای - از قراری که احتمال می‌دهند - برای صد و پنجاه میلیون جمعیت کافی است و ذخایرش ذخایر بسیار ارزنده است و امیدوارم که ذخایر انسانی اش هم رشد پیدا بکند و انسانها انسانهای رشید بشونند. آنهایی که، خواهرهایی که تاکنون داخل در مسائل روزنبدند داخل بشوند، قشرهایی که فکر نمی‌کردند در این امور به فکر بیفتند. اشخاصی که با قلم و قدم خودشان غربی فکر می‌کردند و دعوت به غرب می‌کردند به خود بیایند و دعوت بکنند به آن چیزهایی که ما داریم. ما همه چیز داریم. فرهنگ ما فرهنگ غنی است. مملکت ما مملکت غنی است. مُنتها نگذاشتند که این امور تحقق پیدا بکند. (۲۵۹)

۵۸/۶/۲۹

* * *

این دانشگاهها باید یک دانشگاههایی باشد که ما دیگر احتیاج به خارج پیدا نکنیم، که دستمنان در آن وقتی که می‌خواهیم یک کسی را معالجه کنیم به دیگران دراز کنیم که بیایید بروید آنجا معالجه‌تان بکنند. باید دانشگاههای ما و همه قشرها کاری بکنند که لااقل ما محتاج به غیر نباشیم. اینطور نباشد که اگر یکی مريض می‌شود، بگویند اينجا نمی‌شود معالجه‌اش کرد. اينطور نباشد که اگر یک گرفتاری بشود، بگويد که نه، نمی‌شود دیگر درستش کرد. خودمان روی پای خودمان بايستیم، شرق باید سر پای خودش

خودباوری در
دانشگاهها، شرط
رشد است

بایستد. اگر شرق بخواهد باز وابستگی فکری داشته باشد به آنها و گمان کند که همه چیز از آنجا باید بیاید، باید تا آخر وابسته باشد. شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین فرهنگ، مترقبترين فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند، و دستش را پیش غرب دراز نکند، پیش این غرب و از غرب یک چیزی بخواهد، خودش باید درست بکند. سابق اینطور بوده است که کتب طبی شرق در اروپا رفته است، و اروپا را طبیب کرده و آن طبیهای بزرگ را درست کرده - کتب شرق بوده است؛ کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است؛ و اینها کار کردند - حالا چه شده است که ما حالا باید بعد از اینکه تمدن از شرق طرف غرب رفته، شرق تمدن را صادر کرده به غرب، حالا ما به واسطه یک کارهای ناشایسته‌ای باید عقب‌افتداده باشیم و دستمان را طرف غرب دراز کنیم.

باید شرق سر جای خودش بایستد و خودش را بباید. تبلیغات زیاد، اسباب این شده است که شرق خودش را گم کرده، ما خودمان را گم کردیم. (۲۶۰)

۵۸/۸/۶

* * *

من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر، گرفتاری‌های خود و منشأ آن را بدرست ادراک کنند؛ و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند. مسلمین که در آستان این قرن دردهای جانفرسای خود را یافته، و از قدرتهای شیطانی بزرگ جز گرفتاریهای گوناگون و چپاولگریها و جنایات چیزی ندیده‌اند، باید

مسلمین باید
فرهنگ و اصالت
خود را بباید

با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولتها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند، و فرهنگ مترقی اسلام را - که الهام از وحی الهی می‌گیرد - بشناسند و بشناسانند. [باید] شرق و آفریقای عزیز - این قاره‌ای که با نهضت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیرون آمد - و کشوری بعد از کشور دیگر [را] از چنگال امریکا و کشورهای استعمارگر دیگر نجات داد، باید روی پای خودشان بایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند. کشورهای افریقا و آسیا و سایر کشورهای دریند در قاره‌های دیگر باید بدانند که آنچه از غرب و شرق توطئه گر و استعماری و از امریکای مت加وز بر کشورهای ستم‌کشیده صادر می‌شود تباہی و فساد آن قابل مقایسه با اصلاح آن نیست. (۲۶۱)

۵۸/۸/۷

* * *

طب ما را در اروپا تا حالا هم شاید طب ابوعلی را و رازی را، در اروپا حالا هم شاید تدریس بکنند. مع الأسف ما آنها را کنار گذاشتیم، مفاخر خودمان را کنار گذاشتیم، چسبیدیم به آنها! تا ما از این وابستگی درنیاییم، امید اینکه ما یک استقلال صحیحی، یک مملکتی که بتوانیم به آن بگوییم یک مملکت مستقل، نباید داشته باشیم. شما جوانها، شماهایی که جوانها را تربیت می‌کنید، درصد این باشید که اولاً مغزهای آنها را از این چیزی که پُر کردند از آنها، این مغزهایی که پُر شده است از اینکه مغز شرقی را

به جوانان حالی
کنید که خودمان
همه چیز داریم

برداشتند، جایش مغز غربی گذاشتند، شستشو کنید. به آنها حالی کنید که شما خودتان مفاخر داشتید، خودتان فرهنگ دارید، خودتان همه چیز دارید. و به آنها حالی کنید که باید خودتان هر کاری را بکنید. ما اگر خودمان یک امر ناقص هم داشته باشیم، بهتر از این است که [پیش] دشمنان دست دراز کنیم و یک امر کامل از آنها بگیریم. من متأسفم از اینکه ما پیش دشمنهایمان باید برویم و اظهار احتیاج بکنیم. (۲۶۲)

۵۸/۸/۱۱

* * *

ما تا بنای بر این نگذاریم که خودمان هم یک آدمی هستیم برای خودمان می‌توانیم کار کنیم، ما به آن نان جوی که خودمان درست کنیم تا بنای بر این نگذاریم که همان نان جو را می‌خوریم و از خارج نمی‌خواهیم، نمی‌توانیم درست کنیم کار خودمان را. تا بنای بر این نگذاریم که همان منسوجاتی که خودمان درست می‌کنیم کافی مان هست منسوجات ما ترقی نمی‌کند. و ما باز تابع غیر باید بشویم، و دستمان پیش غیر دراز بشود.

خودکفایی ضامن
استقلال کشور

چقدر برای یک مملکتی عیب است و سرشکستگی که دستش را دراز کند طرف امریکا که گندم بدده. کشکول گداییش را باز کند پیش دشمنش و از او بخواهد که رزقش را بددهد. چقدر برای ما سرشکستگی دارد. تا این ملت بنای بر این نگذارد که کشاورزیش را تقویت کند و بسازد به آنکه خودش به دست می‌آورد، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. (۲۶۳)

۵۸/۹/۲۱

* * *

ما اگر خودمان شعور سیاسی نداشته باشیم، اسلام در اینجا اگر تحقیق پیدا نکند، اگر مملکت ما یک مملکت اسلامی نشود که برای استقلال، برای آزادی، آنطور طرحها دارد و جایز نمی‌داند، حرام می‌داند که یک مسلمانی پیوند بیند با یک غیرمسلمانی که می‌خواهد بر او سلطه پیدا کند، اگر اسلام را ما در اینجا توانستیم با دست همه شما آقایان، با دست همه ملت در این مملکت پیاده کنیم، اسلام همه چیز ما را بیمه می‌کند. دنبال این معنا باشید.

فقط به «انشاء الله» و «بسم الله» و دعا اکتفا نکنید. عمل کنید. باید عمل بکنید. یعنی باید در دانشگاه عمل بشود. در ادارات عمل بشود. فرم را از آن فرم فرنگی بیرون بکنید. یک فرم شرقی روی آن بگذارید. یک فرم انسانی روی آن بگذارید. اسلامی روی آن بگذارید. نترستند.

تاخودمان را پیدا
نکنیم نمی‌توانیم
مستقل شویم

یکی از مسائلی که ما مبتلا هستیم این است که می‌ترسند اینها که اگر یک وقت بگویند که ما خودمان هم یک چیزی هستیم، خوف دارند بگویند ما آدمیم.

از مسائلی که مبتلا ما به آن هستیم آدم عبارت از آن است که چهار تا کلمه مثلاً فرنگی یاد بگیرد، و دو سه دفعه هم که تو صحبت‌هایش می‌شود، در هر چند کلمه‌ای یک کلمه فرنگی جایش بگذارد. شما نطقها را ببینید. هر کس بیشتر الفاظ فرنگی در کلماتش باشد این بسیار دانشمند است! دانشمندی را به این می‌دانند که چند تا کلمه فرنگی در کلماتش باشد. این برای این است که نطقها هم استعماری است. خودش آدم استعماری شده است.

شما بروید در امریکا. اینهایی که صحبت می‌کنند ببینید. یک کلمه فارسی در تمام صحبت‌هایشان، در تمام کتابهایشان اگر پیدا

کردید؟ لکن ما کتاب وقتی می‌نویسیم، اسم هم که می‌گذارند اسمی باشد باید فرنگی بگذارند. در بینش هم تا چند تا اسم فرنگی، با حروف لاتین هم جایش نگذارند فایده ندارد. برای اینکه هم مشتری بیشتر پیدا می‌شود، هم این آقا بیشتر معروف می‌شود به اینکه خیلی دانشمند است. یک چند تا ایسم بگذارد، دیگر تمام است مطلب. و هر چه هم مطلبش، تهی باشد از مغز با همینها جبران می‌شود.

ما تا خودمان را پیدا نکنیم، لغت خودمان را استعمال نکنیم - نگویید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛ لغت عربی لغت اسلام است؛ اسلام از همه است؛ آن که از ما نیست این ایسمهایی است که ما را به گرفتاری انداده - تا نویسنده‌گان ما از این دام بیرون نروند، گویندگان ما از این دام بیرون نروند، کتابهای ما تطهیر نشود، خیابانهای ما اسمائش تغییر نکند، اجناس ما را اسم کذایی روی آن نگذارند، - دواها را خودشان درست می‌کنند، و اسم فرنگی روی آن می‌گذارند - تا ما خودمان را پیدا نکنیم، و مغزهایمان عوض نشود، نمی‌توانیم مستقل بشویم. در هیچ چیز نمی‌توانیم مستقل بشویم.

باید ما از حالا بنا بر این بگذاریم که خودمان آدم باشیم. با لغت خودمان حرف بزنیم، و با علم خودمان. و من نمی‌گویم که علم را از خارج نگیریم. خوب، عقب نگه داشتند ما را. آنها الآن خیلی از ما جلویند. ما را عقب نگه داشتند. لکن من می‌گویم که از آنها خوبهایش را یاد بگیرید. بدھایش را الغا کنید. آنها بدھا را به ما تعلیم می‌دهند، خوبها را نمی‌دهند. آقا مصیبت ما داریم. جوانهای ما که در آنجا می‌روند، درس استعماری می‌دهند. طبشان هم استعماری است. نمی‌گذارند اینها ترقی بکنند. ما باید از آنها

چنانچه چیز خوبی دارند بگیریم. مخالف نیستیم با این. لکن به فکر این باشیم که خودمان درست بکنیم. به فکر این باشیم که خودمان داشته باشیم. خوب بعض ممالک بودند که اینها هم از غیر می‌گرفتند. لکن بعد از آن کم کم خودشان بهتر از دیگران شدند. ژاپن اینطور بود. هندوستان اینطور بود. خوب، ما هم باید درست کنیم. و اول قدم این است که ما بفهمیم که خودمان هم می‌توانیم. (۲۶۴)

۵۸/۹/۲۱

* * *

امروز کشور محتاج به کار است. یک کشوری که فقیر است، یک کشوری که همه چیزش را غارت کردند و بردنده شما هم می‌خواهید که محتاج به اجانب نباشد، محتاج به دشمنهایتان نباشد، باید کار بکنید. (۲۶۵)

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

شمایی که می‌خواهید مستقل باشید، می‌خواهید آزاد باشید، می‌خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزها بنای بر این بگذارند که خودشان از زمین روزی خودشان را بیرون بیاورند و مملکت را خودکفا کنند. و باید کارخانه‌های ما خودکفا بشود. و باید صنایع را خود این مردم، خود این توده‌های مردم، صنایع را رشد بدهنند. و باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب

کار، رمز خودکفایی
و رفع احتیاج

اعتماد به نفس، رمز
خودکفایی

نداشته باشند. (۲۶۶)

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

دولتها ی که ملتها یشان هم با آنها موافق نیستند، آنها با ما مخالفند و ما با کی نداریم از این معنا. ما این انزوا را با آغوش باز استقبال می‌کنیم؛ برای اینکه ما تا منزوی نشویم و تا دستمان از پیش ابرقدرتها و قدرتهای دیگر کوتاه نشود، خودمان نمی‌توانیم کار خودمان را انجام بدهیم و سرپای خودمان بایستیم. ما باید منزوی بشویم تا مستقل بشویم. باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم. انزوا برای ما هیچ طرح نیست و ما از انزوای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ابدًا باک نداریم؛ برای اینکه میزان ملتها هستند و ملتها با ما هستند. (۲۶۷)

انزوای اقتصادی
عامل استقلال و
خودکفایی

۵۹/۷/۲۸

* * *

مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم. اگر این کشاورزها این معنا را حالیشان بشود، باورشان بشود که خارج به ما چیزی نمی‌دهند، خود کشاورزها کار را انجام می‌دهند؛ خود ملت انجام می‌دهند. از قراری که شنیدم در چین یک وقتی در پشت بامهایشان هم گندم می‌کاشتند. علاوه بر زمینهایشان، توی حیاطهایشان، در پشت بام هم گندم می‌کاشتند. یک مملکت اگر بخواهد خودش به پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه ابعاد، چاره ندارد جز این تفکر که «ما باید از خارج چیز وارد کنیم» از کله‌اش بیرون

کند. مغزش توجه به این بکند که ما از خارج نباید وارد بکنیم. اگر یک چیزی نداریم، از خارج برایمان نمی‌آورند آن [را] فلان کار را انجام نمی‌دهیم، تا خودمان درست کنیم. اگر یک وقت دیدیم که ما چنانچه یک کارخانه‌ای را نمی‌توانیم راه بیندازیم، اتکال به این نکنیم که برویم از خارج بیاوریم. خودمان دنبالش برویم تا کار انجام بگیرد، و انجام می‌گیرد. (۲۶۸)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد، این خواهد شد - و اینها الآن در صدد این هستند که آن مسئله را باز پیش بیاورند: مسئله اینکه ما خودمان نمی‌توانیم؛ ما خودمان متخصص نیستیم؛ ما خودمان تحصیلاتمان ناقص است. این مسئله را پیش بیاورند. آن ممالکی که توanstند مثل ژاپن، ژاپن - خوب - اول چیزی نبود. کوشش کردند. تا اینکه حالا با امریکا مقابله می‌کند. بسیاری از [مصنوعات] او در امریکا فروش می‌رود. خوب، یک امری نشدی را شد کردند. یا هندوستان که الآن پیش رفته است، برای این است که این فکر را در خودش پیش آورده است که ما باید وابسته باشیم. (۲۶۹)

۵۹/۱۱/۲۶

عدم وابستگی
نتیجه اراده ملت

آن روزی می‌توانیم ما و شما از تحت سلطه ظلم، ظلم قدرتهاي بزرگ، بیرون برویم که با یک میلیارد جمعیت و با آن همه ذخایری که ما داریم خودمان را پیدا کنیم و اسلام را پیدا کنیم و توجه به

خودبابی عامل
خروج از سیطره
ظلم

اسلام بکنیم و با فرما خدا عمل بکنیم. اگر با فرمان خدا عمل
بکنیم، خدای تبارک و تعالیٰ ما را نصرت خواهد کرد إِنْ تَصُرُّوا اللَّهَ
يَنْصُرُكُمْ وَ مَا يُشَبِّهُ أَقْدَامَكُمْ.^(۱) (۲۷۰)

۵۹/۱۲/۱۰

* * *

شما در این مدتی که انقلاب کردید و قیام کردید خودتان باورتان
آمد و به دولتهای مستضعف و ملتهای مستضعف هم باوراندید که
می‌شود در مقابل امریکای جهانخوار و شوروی جهانخوار
ایستادگی کرد. شما دو سال است که قیام مردانه کردید و در مقابل
آنها ایستادید و همه آنها را دستشان را از کشور خودتان قطع کردید
و دیدید که یک مطلبی است امکان دارد و شما خودتان می‌توانید
در عین حالی که قدرت نظامیتان مثل آنها نیست و قدرت صنعتیتان
مثل آنها نیست، لکن می‌توانید ایستادگی کنید. و یک ملت وقتی که
یک مطلب را باور کرد که می‌تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد.
اساس، باور این دو مطلب است؛ باور ضعف و سستی و ناتوانی و
باور قدرت و قوه و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما
می‌توانیم در مقابل قدرتهای بزرگ بایستیم، این باور اسباب این
می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرتهای بزرگ
ایستادگی می‌کنند.

این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده
بود که می‌توانید؛ باورتان آمده بود که امریکا نمی‌تواند به شما
تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه‌آسا را

۱. سوره محمد(ص)، آیه ۷.

شماها انجام دادید و چنانچه شما ملاحظه می‌کنید که در این دو سال در کشور ما صنعتهای زیادی که آنها انجام می‌دادند، خودشان انجام می‌دهند و باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم، صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم. همین باورِ توانایی، شما را توانا می‌کند. اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند. آنها را از همه چیز تهی کرده بودند، به طوری که افکار ما، باورهای ما، همه وابستگی داشت. اگر افکار یکی ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می‌کند. عمدۀ این است که افکار شما آزاد بشود، افکار شما از وابستگی به قدرتهای بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می‌توانیم که صنعتمند و صنعتکار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست. (۲۷۱)

۶۰/۱/۳۱

* * *

من اعتقادم این است که انسان اگر با هر زحمت و مرارتی زندگی کند و زندگیش مال خودش باشد، مستقل باشد در زندگی و نانِ جو خودش را بخورد، آن ارزشش صدها مقابل این است که انسان در آپارتمانهای عظیم بنشیند و دستش پیش دیگران دراز باشد و به دیگران سلام بدهد. (۲۷۲)

۶۰/۳/۲۴

استقلال فقیرانه
بهتر از وابستگی
مرفه

ما باید سالهای طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی

خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم. و باید از همان بچه‌ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسانی اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزنند. اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم، آنها چگونه می‌توانند به ما ضربه بزنند. تنها آنها می‌توانند از داخل خود ما، به ما ضربه بزنند؛ در داخل، فردی را درست کنند - کما اینکه می‌بینید درست کرده‌اند - و بعد توسط آن هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند. (۲۷۳)

خود را بیابیم تا
روی پای خویش
باشیم

۶۰/۷/۲۳

* * *

ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این «خود» گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که «اگر دست خارج کوتاه شود، می‌میریم» را با تمام قدرت از بین ببریم. و دیدید که ملتی با دست خالی در مقابل ابرقدرتها و قدرتها ایستاد و این حرکت موجی برداشت که به امید خدا، به این زودیها نمی‌ایستد.

از هیچ کس کم
نداریم

امیدوارم همه آقایان کمک کنند تا فرهنگمن و فرهنگ اسلامیمان، فرهنگی که شیخ الرئیس را درست کرده است را باز یابیم. تکرار می‌کنم: ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که می‌توانیم هر کاری را انجام دهیم، تواننا می‌شویم. شما هم اعتقاد پیدا کنید که می‌توانید. مغزاً باید شستشو شود و مغزاً باید که به خود متکی است جای آن را بگیرد.

زمینه های لازم خودباوری و خودکفایی / ۲۰۹

خداآوند همه شما را حفظ کند.(۲۷۴)

۶۰/۷/۲۳

* * *

وقتی که محاصره اقتصادی بشود افکار همه مردم توجه به این پیدا می کند که ما باید خودکفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افکار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنى می کنند از خارج. و من به شما اطمینان می دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می افتد و ایران را خودکفا می کند.(۲۷۵)

محاصره
اقتصادی،
زمینه ساز
خودکفایی

۶۰/۱۲/۲۴

* * *

ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را پذیریم که می توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکا به تخصص خود کرده اند. شما ببینید که محمدرضا چه ضریبه ای به روحیه پزشکان ما زده، او با طبیان به گونه ای برخورد کرده بود که - مثلاً - برای یک عمل جزئی باید روانه خارج شد. این خود نقشه ای بود برای تضعیف روحیه متخصصین ما تا خیال کنند در تمام زمینه ها عقب افتاده هستند. ما امروز باید مصمم باشیم تا در تمام رشته ها جلو بیفتهیم. شما که قسمتی از تبلیغات دستان است، باید در این زمینه کوشش کنید تا مردم باور کنند چیزی از سایرین کم ندارند.(۲۷۶)

مردم ما باور کنند
چیزی از سایرین
کم ندارند

۶۰/۱۲/۲۵

* * *

امروز روز کار است. هر کس در هر جا هست باید کار بکند. ما می‌خواهیم خودکفا باشیم؛ خودکفایی را با تبلیغات نمی‌شود کرد، با کار می‌شود کرد. رعیت باید کار بکند، کشاورز باید کشاورزی بکند، دامدارها باید دامداری بکنند، و با غبانها باید با غبانی بکنند؛ و دانشمندان باید به طور شایسته دانش خودشان را به دانشجویان منتقل بکنند. و دانشگاه که در رأس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت بکنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگرداند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور. و من امیدوارم که همهٔ ما موفق بشویم به خدمت. شمایی که در صنایع هستید صنعت را تقویت کنید. آقایانی که در جاهای دیگر هستند آن کارهایی که به آنها محول است تقویت بکنند. مبلغین تبلیغ خودشان را توسعه بدهند، و دانشمندان دانش خودشان را توسعه بدهند و منتقل کنند. (۲۷۷)

تحقیق خودکفایی با
کار در تمام ابعاد

۶۱/۱۰/۲۶

* * *

باید افکار خودمان را به راه بیندازیم، یعنی همهٔ ایران این کار را بکند. همهٔ دانشگاه‌ها، همهٔ کارخانه‌ها، همهٔ افکارشان را به کار بیندازنند، از آنها می‌آید. راه را خدا باز می‌کند. ابتدا به نظر آدم می‌آید که یک کاری نمی‌شود، وقتی که وارد شد کم کم می‌بیند نه، خدا راه را باز کرد و شد. خوب یک همچو کاری که این جوان‌های عزیز ما کردند، یک کار مهمی بود، کار کوچکی نبود، این کار مهم را همت گماشتند و با همت کار را انجام دادند. کارهای دیگر را هم

باید عزم مان را
جزم کنیم که پیش
اجنبی دست دراز
نکنیم

می‌توانند انجام بدهند. و ما باید مأیوس نباشیم. ما باید خودمان را از دیگران، از غیر خدا مأیوس کنیم و بگوییم آنها هیچ، و با اتکاء به خدای تبارک و تعالی و قدرت ملی خودمان، اسلامی خودمان، کارهایمان را پیش ببریم. و پیش می‌رود این کارها؛ متنها بعضی‌هایش زود پیش می‌رود، بعضی‌هایشان هم یک قدری دیرتر پیش می‌رود. باید ما عزم‌مان را جزم کنیم به اینکه نه دستمان را پیش امریکا دراز کنیم نه پیش شوروی و نه پیش دیگران. (۲۷۸)

۶۲/۶/۳۰

* * *

شما جوانان برومند کشور هستید که باید جبران آن نقیصه‌هایی که در طول تاریخ این دو جنایتکار، پدر و پسر جنایتکار به این کشور وارد شد جبران کنید. و عمدۀ این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی، که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشتۀ که هستید راههای هدایت را به شما الهام می‌کند، و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. مختربین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند، و معتقد بشوند به اینکه «می‌توانیم». در رژیم سابق «نمی‌توانیم» را در بین همه قشرها شایع کردند، به همه گفتند «ما نمی‌توانیم» و باید تواناها بیایند و به ما تعلیم بدهند، آنها هم که می‌آمدند تعلیم نمی‌دادند، شماها را وابسته می‌کردند. امروز که دست همه آنها بحمدالله قطع شده

باید معتقد شویم که
«می‌توانیم»

است و دیگر برای آنها جایی در این کشور باقی نمانده است، این شما جوانهای کشور هستید که در هر جا هستید باید به فکر آتیه کشور خودتان باشید، حال کشور خودتان باشید. و لازم است که با این دو خصیصه، اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، با این دو خصیصه به پیش بروید، و بعد از مدت کوتاهی خواهد دید که راههای سعادت بر شما باز می‌شود، و قدرتهای بزرگ طمعشان قطع می‌شود. (۲۷۹)

۶۲/۸/۱

* * *

بی استثنای تمام کشورهای دنیا یا در تحت سلطه مستقیم یا غیرمستقیم این ابرقدرت‌اند یا در تحت سلطه مستقیم یا غیرمستقیم آن ابرقدرت. و شما تنها هستید در دنیا که فاتحه هر دو را خواندید و دست هر دو را کوتاه کردید و می‌خواهید شما خودتان باشید. می‌خواهید مستقل باشید. می‌خواهید آزاد باشید. می‌خواهید آن قید و بندهایی که برای کشور شما در زمان طاغوت درست شده بود از آنها همان طور که رهایی پیدا کردید، رها باشید تا آخر، و این با جدیت خود شماست، با تلاش خود شماست برای همه کارها. هر کس در هر کاری که مشغول است، چه در دانشگاهها که مشغول دانش هستند، و چه در صحراءها و بیابانها که مشغول کشاورزی هستند و چه در جبهه‌ها که مشغول فعالیت هستند، و چه در کارخانه‌ها که مشغول جهاد هستند، همه در جهاد در راه خدا هستند، و باید این جهاد را به آخر برسانند، و ان شاء الله به آخر می‌رسد. (۲۸۰)

تلاش و جدیت
آحاد جامعه،
متضمن استقلال
کشور

۶۲/۸/۱

* * *

ما باید خودمان به فکر خودمان باشیم، در هر چیز باید خودمان به فکر خودمان باشیم و می‌توانیم. در امور بهداشتی و بهزیستی و اینها باید خودمان در فکر خودمان باشیم، منتظر نباشیم مثل سابق هی به خارج برویم و از خارج بیاوریم. باید توجه بکنیم و زحمت بکشیم، با زحمت خودمان، با رنج خودمان، این بار را تحمل کنیم و به منزل برسانیم. و امیدوار به فضل خدا باشید که خداوند با شمامست، و خداوند توفیق به شما خواهد داد که کارها را به نحو شایسته پیش ببرید. (۲۸۱)

۶۲/۹/۱۶

متکی به خودمان
باشیم نه خارج

ملت ما هم با قدرت و قوّت پیش برود و هیچ از این نوع چیزها باک نداشته باشد. چیزی است که بر ملت - بر ملت بیدار - ثابت شده است که می‌خواهی بیدار باشی، می‌خواهی مستقل باشی، باید جورش را بکشی! می‌خواهی ذلیل باشی؟ برو پیوندکن با امریکا، همه این حرفها تمام می‌شود، جنگ هیچ نمی‌شود؛ پیوند کن با شوروی، باز هم نمی‌شود! اما چی؟ این است که یک ملت عقب‌مانده توسری خورده ضعیف و تا آخر. (۲۸۲)

۶۴/۱/۱

استقلال کشور
نیازمند تحمل
مشکلات

من به همه مسئولین و دست اندکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان

تشویق جوانان و
احیای روحیه
استقلال

زنده نگه دارید. مبادا استاید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافت به جهان به اصطلاح متمن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بتبراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. (۲۸۳)

۶۷/۴/۲۹

* * *

شما مسلمانان پاییند به ارزش‌های اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متغیر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند. (۲۸۴)

۶۸/۳/۱۵

انقطع از شرق و
غرب زمینه
خودکفایی

ثبات و امنیت

می‌خواهند نگذارند کشاورزی ما رشد پیدا بکند، می‌خواهند ما را همیشه جیره‌خوار امریکا قرار بدهنند که همه چیز ما از امریکا بیاید، می‌خواهند نگذارند فرهنگ ما رشد پیدا بکند و آدم پیدا بشود در ایران تا اینکه کید آنها را ختنی کند، می‌خواهند نگذارند اقتصاد ما سالم بشود، می‌خواهند نگذارند ارتش ما مستقل بشود. اینها کید هایی است که به الهام از امریکا و امثال امریکا در ایران

امنیت و آرامش
لازم استقلال و
خودکفایی

مشغول توطئه‌اند.(۲۸۵)

۵۸/۱/۳۱

* * *

شما^(۱) به عالم ثابت کردید که ایران یک مملکت زنده است؛
مملکتی است که می‌تواند خودش روی پای خودش بایستد؛
مملکتی است که می‌تواند جلوی اشخاصی که می‌خواهند بچاپند
- آنها - را بگیرد.(۲۸۶)

پاسداران عامل
ثبات استقلال
کشور

۵۸/۲/۲۹

* * *

امروز روزی است که اگر ایران آرامش نباشد، هیچ کار اصلاحی را
نمی‌شود انجام داد. اصلاحات تابع این است که یک محیط باشد
که بشود در آن محیط کار کرد. اگر فرض کنید محیط دانشگاه، یک
محیط متینج باشد دانشگاهی نمی‌تواند در آنجا کار خودش را
انجام بدهد. اگر در کارخانه‌ها تشنجی باشد آنها هم نمی‌توانند کار
کنند. آنها که می‌خواهند جمهوری اسلامی تحقق بینند کنند در این
کشور، و کشور مستقل و آزاد نباشد، تشنج ایجاد می‌کنند.(۲۸۷)

فعالیتهای اصلاحی
در گرو تشنجه زدایی

۵۸/۱۰/۱۲

* * *

یک روزی بود که ما بعضیمان عذر داشتیم یا همه‌مان که
نمی‌گذارند که ما عمل کنیم به اسلام، در رژیم سابق، خوب،

۱. پاسداران.

خیلیها می‌گفتند که از ما نمی‌آید، اگر می‌آمد، می‌کردیم. امروز این طور نیست، امروز دست همه باز است، مجلس دستش باز است و هیچ کس آقا بالا سراو نیست. دولت هم دستش باز است و مجلس هم تأییدش می‌کند. رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تأییدش کرده‌اند. هیچ عذری برای ما نیست امروز. چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحش نرویم، عذری نداریم. همه ما، چه آنها بی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنها بی که در کشور خدمت می‌کنند و چه مردم دیگر، همه ما مسئول هستیم؛ کُلُّکُمْ زَاعِ وَ كُلُّكُمْ مَسْؤُل. وقتی همه ما مسئول هستیم و همه ما در مقابل خدا جواب باید بدھیم، باید فکر این کشور باشیم، فکر این اسلام که در کشور ما تشریف آورده‌اند و قدمشان روی چشم، باشیم. (۲۸۸)

۶۰/۵/۱۱

* * *

کوتاه کردن دست غارتگران و عناصر فاسد

و امیدوارم که دست اجانب از این مملکت کوتاه بشود که شما مملکت خودتان را خودتان اداره بکنید و خزانین مملکت شما مال خود شما باشد. مملکت ایران از ممالکی است که همه چیز دارد خودش، لکن اینقدر خورنده دارد که به ملت نمی‌رسد؛ آنقدر چپاولگر هست و بود که ملت دستش کوتاه بود از این ذخایر. ما همه چیز داریم، هیچ چیز نداریم! همه چیز داریم، اگر آزاد باشیم، اگر مستقل باشیم. (۲۸۹)

۵۷/۱۱/۱۹

* * *

فراهم بودن
زمینه‌های استقلال
کشور

استقلال و آزادی،
شرط خودکفایی

ما می‌خواهیم یک مملکت اسلامی درست کنیم، ما نمی‌خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم. ما حقوقدان غربی لازم نداریم. اصلاً صلاحیت ندارد آن کسی که حقوق به معنای حقوقدانی غربی و غربزدگی دارد، او صلاحیت ندارد که در قانون اساسی ما دخالت بکند؛ و ما قانون اساسی مسکو را که نمی‌خواهیم درست بکنیم؛ و یا قانون اساسی امریکا را. ما می‌خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم. (۲۹۰)

۵۸/۳/۲۷

* * *

همین دست دزدی از خزانه یک مملکت کوتاه شدن، اسباب این می‌شود که ان شاء الله بعد از یک چندی اقتصاد ما اقتصاد صحیحی بشود؛ و انتساب به سایر ممالک را احتیاج نداشته باشیم. یک مملکتی خودش خودکفا بشود؛ خودش بتواند ارزاق خودش را اداره بکند. (۲۹۱)

۵۸/۴/۲۳

* * *

از مسائل مهم، که مقدمه اصلاحات است، پاکسازی همه مراکز، خصوصاً مراکز فرهنگی و علمی است. و باید با شوراهایی مرکب از اشخاص دانشمند، متuehd، و مؤمن به انقلاب، و پشتیبانی رؤسا و استادان و دانشجویان و معلمان، مراکز علمی و تربیتی از عناصر فاسده و خدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شود؛ زیرا تا این عناصر - که به طور خودکار در خدمت اجانب هستند - در سطح وسیع کشور، خصوص مراکز علمی و تربیتی، تصفیه

غربزدگان
صلاحیت دخالت
در امور ما را ندارند

کوتاهی دست
غارنگران،
زمینه‌ساز
خودکفایی

تصفیه عناصر
فاسد مقدمه
استقلال کشور

نشوند، نخواهیم توانست از استقلال فکری و درونی نجات پیدا کنیم؛ و در نتیجه نخواهیم توانست در هیچ یک از ابعاد مستقل باشیم. (۲۹۲)

۵۸/۶/۳۱

* * *

ملت رزمnde ایران این طبیعت پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه - یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها - کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین بزوی انجام گیرد و ملتهای شریف اسلامی به این انگلهای خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد؛ و به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصاً امریکا نمایند. من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است. (۲۹۳)

۵۹/۱/۱۹

قطع رابطه با
ابرقدرتها، لازمه
استقلال کامل

* * *

سیاست‌گذاریها و قوانین

فرهنگ باید بازسازی بشود، تصفیه بشود. ادارات باید تصفیه بشوند. همه اینها باید بشود. کشاورزی باید تقویت بشود که ما محتاج نباشیم به اینکه از دشمنهای خودمان چیزی طلب کنیم. فرهنگ ما باید درست بشود. دانشگاه ما باید درست بشود که ما راجع به همه امور خودکفا بشویم. لکن آنها برنامه‌های دراز مدت

لزوم توجه به
مسائل اساسی
کشور در
برنامه‌ریزی

است که باید با طول مدت این انجام بگیرد. (۲۹۴)

۵۸/۸/۱۸

* * *

ما از این انزوا نمی‌ترسیم. ما استقبال می‌کنیم یک همچو انزوازی را که ما را وادار می‌کند که خودمان به فکر خودمان بیفتیم. وقتی این انزوا نباشد ما متکل به غیریم. هر چی می‌خواهیم، دستمن پیش غیر دراز است، گندم هم می‌خواهیم از آنها بگیریم و ارزاقمان را از آنها بگیریم و صنایعمان را آنها برایمان بیانند درست بکنند؛ همه چیزمان دست آنها باشد. ملت تا اینطور باشد، نمی‌تواند خودش دارای یک چیزی باشد، در اقتصاد مستقل باشد، در جنگ مستقل باشد، در اجتماع مستقل باشد. وقتی شما منزوی باشید، می‌توانید این کارها را بکنید. شما می‌توانید که فکر بکنید که باید کشاورزیمان را خودمان اداره کنیم، محتاج نشویم به دیگران؛ برای اینکه ما منزوی هستیم، دیگران نمی‌دهند به ما.

وقتی یک ملتی احساس کرد که ارزاقش را دیگران نمی‌دهند به او، خودش به فکر می‌افتد که برای خودش درست کند. مادامی که در نظرش این است که نه، ما را می‌آورند برایمان، می‌دهند به ما، نمی‌تواند کار بکند. اینهایی که وقتی در اطرافشان ده تا پانزده تا نوکر هست، می‌افتند و تنبیل می‌شوند و هیچ کار از آنها نمی‌آید، وقتی می‌بریشان حبس، خودش توی حبس کارهای خودش را می‌کند؛ برای اینکه منزوی شده. ملتی که منزوی بشود، می‌تواند ترقی کند، ترقی می‌شود. ملتی که منزوی نیست نمی‌تواند به ترقی، راه خودش را برود. ملت غیر منزوی؛ یعنی، ملتی که انتقالش به دیگران است، خوراکش را از دیگران می‌گیرد،

استقبال از سیاست

انزوا، عامل

خودکفایی

اتومبیلش هم از دیگران می‌گیرد، برقش هم از دیگران می‌گیرد.
این ملت تا آخر باید اسیر باشد. تا منزوی نشوید نمی‌توانید
مستقل بشوید. از انزوا ما چه ترسی داریم. ما آن روزی که منزوی
نبودیم همه گرفتاریها را داشتیم. حالایی که منزوی هستیم مستقل
هم هستیم. الان هر کسی آقای خودش هست، هی زیر بار دیگری
نیست. الان می‌تواند یک سفارتخانه‌ای - هر سفارتخانه‌ای
می‌خواهد باشد - می‌تواند که به حکومت ما، به دولت ما یک چیز
را تحمل کند؟ پس ما منزوی نیستیم.

شما خیال می‌کنید منزوی هستیم. منزوی به آن معنایی که شما
می‌خواهید نباشیم، این معنایش این است که ما وابسته باشیم و تا
آخر، غلام حلقه به گوش باشیم. (۲۹۵)

۵۹/۸/۱۲

* * *

و سفارتخانه‌ها امیدوارم که حالا که مال خودتان شده است و یک
حاکمی بر سرتان نیست که فشار بیاورد که چه بکنید و باید
خودتان عمل بکنید، سفارتخانه‌ها باید سفارتخانه‌هایی باشند که
در صراط مستقیم انسانیت سیر بکنند. صراط مستقیم انسانیت هم
این نیست که ما نماز بخوانیم، باید آن را هم بخوانیم، اما
سفارتخانه باید از تحت سلطهٔ غیر بپرون بیاید، تصرفاتی کسی بر
او نداشته باشد، الا خود دولت، الا خود وزارت خارجه. یک راه
باشد، نه اینکه بکشندش از این طرف و از آن طرف؛ چنانچه پیشتر
خوب، آنطور بود که یا این طرف می‌کشیدند و می‌بردندش یا آن
طرف می‌کشیدند و می‌بردندش. گرفتاریهای ما همین بود که
وابستگی طوری شده بود که بازکردن این وابستگی و برداشتن این

سیاست خارجی
برپایه خودکفایی

قید از گردنها کار بسیار مشکلی بود. لکن بحمدالله، تاکنون ملت ما و دولت ما موفق شده است و امروز هم باید همین طور باشد؛ یعنی، در هر قدمی که بر می‌دارید، باید فکر این باشید که آیا این قدمی که ما بر می‌داریم روبه وابستگی است؛ شیاطین ما را دارند وابسته می‌کنند یا نه روی آزادی است و ما خودمان می‌خواهیم این کار را بکنیم؟

سفراتخانه‌ها هر کاری می‌کنند باید این را قبلًا توجه بکنند که ما داریم این کاری را که می‌کنیم، آیا این کار، ما را یک قدری به وابستگی دارد نزدیک می‌کند یا ما را به رهایی و آزادی دارد نزدیک می‌کند؟ و همین طور سایر جاهای ما اگر به فکر این باشیم که خودمان کارهای خودمان را انجام بدھیم، کشور مال خودمان است، زراعتش را خودمان باید انجام بدھیم، فرض کن اداراتش را خودمان اداره بکنیم، کارگری را خودمان باید انجام بدھیم، وقتی این احساس در انسان قوی شد، دنبال این احساس می‌رود انسان. پیدا کردن راه مشکل است، لکن بعد از پیدا کردن، پیمودنش آسان است. یک کسی که در بیابان گم شده است، این هی از این راه می‌زند، از آن راه می‌زند و شاید تا ده سال هم اینطور وقتی برود، نمی‌تواند برسد به مقصد. اما وقتی افتاد در راهی که این دیگر راه، راهی که می‌رسد انسان به جایی، آن دیگر رفتنش نزدیک است. یک کسی در بیابان است، یک قدری از این طرف می‌رود می‌بیند نشد یک وقت از آن طرف می‌رود می‌بیند نشد، تا اینکه بر می‌خورد به راه اسفالت. وقتی برخورد به راه اسفالت، راه را پیدا کرده است، می‌رود و می‌رسد به مقصد.

الآن ما هم اینطور هستیم که بحمدالله، راه را پیدا کردہ‌ایم و این از بزرگترین چیزهایی هست که برای ما موفقیت‌آمیز بوده است و حاصل شده است و رفتنش آسان است، لکن همت می‌خواهد.

۲۲۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

باید همه همت کنید، دست به هم بدهید و تمام مردم با دولت، با ملت، با هم بجوشند و کوشش کنند به اینکه ما خودمان می خواهیم کارهای خودمان را انجام بدهیم و می خواهیم خودمان با کفاایت خودمان خودکفا باشیم. نه گندم را از خارج بیاوریم، نه -فرض کنید که - چیزهای خوردنی بیاوریم و نه چیزهایی که احتیاج داریم؛ نه پوشاسک بیاوریم، نه خوراک بیاوریم، نه چیزهای دیگر که احتیاج داریم در جنگ و در سایر جاهات. (۲۹۶)

۶۱/۱۰/۴

* * *

توسعه کشاورزی

الآن می دانید که ما محتاج به خارجیم راجع به مواد غذایی؛ باید ما خودمان این را جبران بکنیم و این به همت کشاورزان ماست. و البته دولت هم با کشاورزها باید همراهی بکند، و همراهی ان شاء الله می کند. (۲۹۷)

خودکفایی در
کشت مواد غذایی،
اصل اول

۵۷/۱۲/۲۹

* * *

کشاورزی این مملکت که باید علاوه بر اینکه اداره خود مملکت را بکند، صادرات هم داشته باشد. نباید به یک روزی بیفتند که باز دست ما طرف امریکا دراز باشد به اینکه گندم بده، جو بده - نمی دانم - چه بده! و اگر یک روز نخواهند بدنهند، ما گرسنه بمانیم. باید خودکفا بشویم. (۲۹۸)

تحول در
کشاورزی، به سوی
خودکفایی

۵۸/۸/۲

* * *

یک مملکتی که بخواهد از خودتان باشد و دیگر[آن] نتوانند در آن دخالت کنند، اول باید آن چیزی که مربوط به ارزاق خودتان است، احتیاج از حیث رزق، ما به دیگران نداشته باشیم؛ نان ما را دیگران ندهنند. آخر برای ما عیب است که ما بنشینیم و نامن را دیگران بگویند که ما به شما می‌دهیم، یا ما به شما نمی‌دهیم. باید خودمان تهیه کنیم، و این به این است که کشاورزی را توسعه بدھیم.

توسعه کشاورزی،
قدم اول خودکفایی

۵۸/۸/۶

* * *

ما امروز اگر بخواهیم با این قدرت بزرگ مواجه باشیم و در این میدان شکست نخوریم احتیاج به چند امر داریم: یکی اینکه ما اقتصاد خودمان را طوری کنیم که خودکفا باشیم که اولش قضیه زراعت است. مزرعه‌ها، کشتزارها با فعالیت همه جانبه قشرهای مختلف کشت بشوند. مع الأسف دستگاتی هستند که یا ندانسته، و به واسطه تحریک بعض عناصر ضد انقلاب، یا شاید بعضیشان هم دانسته - از باب اینکه از همان جمعیت هستند - نمی‌گذارند که کشت آنطوری که باید صورت بگیرد، صورت بگیرد. با اسمهای مختلف در اطراف ایران - هر جا بروید این مسائل هست که - در کشتزارها می‌روند و به اسم اینکه ما می‌خواهیم کمک کنیم به مستمندان و کمک کنیم به مردم، مانع می‌شوند از اینکه یک کشت صحیحی بشود، و این یک خطری است برای کشور ما.

وابستگی اقتصادی
زمینه‌ساز شکست
نهضت

شما می‌دانید که اگر یک مملکتی در اقتصاد، خصوصاً این رشته اقتصاد که نان مردم هست در این احتیاج به خارج پیدا بکند، و یک احتیاج مبرمی که نتواند خودش اداره کند خودش را، و باید

۲۲۴ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

دیگران او را اداره کنند، این وابستگی اقتصادی، آن هم در این رشته، موجب این می شود که ملت ایران، مملکت ایران، تسليم بشود به دیگران. (۳۰۰)

۵۸/۱۰/۴

* * *

نباید ما در ارزاقمان محتاج به خارج باشیم. مملکت وسیعی که برای ۱۵۰ میلیون جمعیت کافی است - به حسب آنطوری که گفته می شود - الآن ۳۵ میلیون در آن زندگی می کند و مملکت بیشتر از این گنجایش دارد. زمینهای وسیع دارید. آب دارید. برکات آسمانی دارید. قدرت دارید. قوه دارید. جوان هستید. جوان دارید. عیب است از یک مملکت اسلامی که محتاج باشد در ارزاقش، آن هم به دشمنهای خودش. امریکا که دشمن ماست، ما اگر محتاج به او باشیم برای ما سرشکستگی است. کاری بکنید که خودکفا بشوید و خودتان از این زمین خدا و از این آب خدا ارزاق خودتان را بیاورید. (۳۰۱)

ننگ وابستگی
جامعه اسلامی به
دشمنانش

۵۸/۱۰/۱۷

* * *

توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسؤولین بیشتر از گذشته خود را مكلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبهای و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمتهاي بيكران الهى تلاش نمايند که مطمئناً

تقدیم خودکفایی
کشاورزی بر سایر
امور

زمینه های لازم خودباوری و خودکفایی / ۲۲۵

خودکفایی در کشاورزی مقدمه ای است برای استقلال و
خودکفایی در زمینه های دیگر. (۳۰۲)

۶۷/۷/۱۱

* * *

فصل هشتم

نتایج و دستاوردهای خودکفایی

این مملکت مترقبی و اجتماع مترقبی! این کجاست آخر که ما نمی‌دانیم، اطلاع نداریم بر آن؟ کجای این مملکت را ایشان آباد کرده است؟ جز اینکه یک پایگاههایی برای دیگران در این مملکت درست کرده است؛ جز اینکه مملکت ما را مورد تسلط دیگران قرار داده است. امریکا آن در تمام شریانات مملکت ما دست دارد. یک «مملکت مترقبی»! اول نمود ترقی این است که یک مملکتی مستقل باشد، خودش سرپای خودش باشد؛ کجای این مملکت ما مستقل است؟^(۳۰۳)

۵۷/۷/۲۹

* * *

شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوانهایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند همانهایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمتگزار به مردم؛ امین به بیت‌المال؛ و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می‌کند. اگر یک ملتی فرهنگش

مملکت آرام
مترقبی، حاصل
فرهنگ مستقل
اسلامی

۲۳۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

اینطور تربیت بشود، این فرهنگ، فرهنگ غنی اسلامی است و
ملکت، یک مملکت آرام مترقب خواهد بود. (۳۰۴)

۵۸/۳/۲۱

* * *

اگر شما بخواهید استقلال پیدا بکنید و آزادی حقیقی پیدا بکنید،
باید کاری بکنید که در همه چیز خودکفا باشید؛ مستغنى باشید.
کشاورز باید کاری بکند که دیگر ما احتیاج گندم به خارج نداشته
باشیم. دانشگاهی باید کاری بکند که ما در طبابت، دیگر احتیاج به
خارج نداشته باشیم، در مهندسی احتیاج به خارج نداشته
باشیم. (۳۰۵)

۵۸/۸/۱۱

استقلال و آزادی
حقیقی درگرو
خودکفایی

آنایی که منافعشان از بین رفته یا به خطر افتاده است، آنها به این
زودی دست بردار نیستند از این کشور. آنها در صدد نقشه‌ها هستند
که نگذارند یک حکومت مستقلی پیدا بشود. از اول هم در فکر
این معنا بودند، منتها قدم به قدم شکست خوردند. (۳۰۶)

۵۸/۱۰/۷

حکومت مستقل
تهدیدی برای
منفعت طلبان

وقتی که یک ملت دید که خارج همه چیزش را دارد اداره می‌کند و
دیگر احتیاجی ندارد، این به فکر نمی‌افتد که خودش احتیاجش را
رفع کند.

آن روزی که این ملت فهمید که اگر ما جدیت نکنیم برای

نفي اتكا به خارج
عامل توسعه

کشاورزیمان، جدیت نکنیم، برای صنعت نفتمن، جدیت نکنیم برای کارخانه‌های خودمان، از بین خواهیم رفت و کسی نیست که به ما بدهد، وقتی این احساس پیدا شد در یک ملتی که من خودم باید هر چیز می‌خواهم تهیه کنم، دیگران به من نمی‌دهند، این احساس اگر پیدا شد، مغزها به راه می‌افتد و متخصص پیدا می‌شود در هر رشته‌ای و بازوهایی که هر عملی را می‌توانند انجام بدهند به کار می‌افتند: کشاورزی را خودشان درست می‌کنند؛ کارخانه‌ها را خودشان راه می‌اندازند. چنانچه می‌بینید که کارخانه‌ها را راه اندخته‌اند - خودشان. در تلویزیون هم گاهی دیده می‌شود که خود راه اندخته‌اند، و یا ابتکاراتی کرده‌اند اینها. این ابتکارات از برکات این محاصره اقتصادی بود. (۳۰۷)

۵۹/۱۱/۲۶

* * *

ما اگر سر سفره نان جوین داشته باشیم، بهتر است تا در [کاخهای] بزرگ زندگی کنیم، ولی از آنجا دستمن به طرف دیگران دراز باشد. شرافت این را اقتضا می‌کند. (۳۰۸)

شرافت

۶۰/۷/۱۱

* * *

من مطمئنم که ملت ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان استقلال و عزت معاوضه نمی‌کند. (۳۰۹)

۶۸/۹/۳

* * *

مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفت، دست خود را پیش دیگران
دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت
در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد. و به خوبی و عینیت
دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از
ساختن هرچیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها
آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از
احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند. و این جنگ و
تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود
که ما از آن غافل بودیم. (۳۱۰)

تحریم اقتصادی
عامل شکوفایی
قدرت ابتکار و
پیشرفت

فهارس

□ فهرست تفصیلی

□ فهرست مأخذ

□ فهرست منابع

فهرست تفصیلی

عنوان	صفحه
فصل اول: زمینه‌ها و علل خودباختگی ووابستگی	۱
گمان به پیشرفت غرب در همه علوم	۳
خیانت زمامداران	۳
مرعوب شدن در مقابل پیشرفتهای غرب	۴
اسرائیل دشمن استقلال کشور	۴
شاه عامل نفی استقلال کشور	۵
اصلاحات ارضی، ضد خودکفایی	۵
استعمار، مانع خودکفایی	۶
محتوای تمدن بزرگ شاه، وابستگی همه جانبه	۶
غارت و وابستگی همه جانبه	۷
ارتش وابسته، مانعی علیه استقلال	۷
گمان کرده‌اند گرایش به قدرتها عامل ترقی است	۷
اصلاحات ارضی زمینه ساز وابستگی کشاورزی	۸
ضعف نفس در مقابل غرب	۸

آشوب و اغتشاش، تهدیدی علیه استقلال کشور	۹
سنجر احکام اسلام با ملاک‌های غرب	۹
کم کاری، مقدمه نفی خودکفایی	۹
مواد مخدر، برنامه‌ای حساب شده علیه استقلال کشور	۱۰
ایجاد بدینی و خودباختگی در نیروی انسانی	۱۱
فرهنگ وابسته، ضداستقلال و خودکفایی	۱۲
اسلام‌شناسی به سبک غربی	۱۲
ما خودمان را گم کرده‌ایم	۱۳
ظلمت بودن غربزدگی	۱۵
هیچ انگاشتن خود	۱۷
غربزدگی مانع استقلال کشور	۱۹
غربیها مطلب مفید به ما نمی‌دهند	۲۰
تعلیم و تربیت ما، وابسته بوده است	۲۱
خود کم‌بینی و عدم باور خود	۲۲
وابستگی سیاسی، نتیجه عدم خودکفایی	۲۳
دیگران به ما فرهنگ نمی‌دهند	۲۳
خيال می‌کنیم همه چیز از غرب است	۲۴
غیر مفید بودن مرسولات غربی	۲۵
تبليغات دشمنان علیه خودکفایی	۲۶
اسلام را گم کرده‌ایم	۲۶
خواست غرب در بی‌هویت کردن ما	۲۸
توطئه‌ها تهدیدی علیه استقلال کشور	۲۸
قبله ما، غرب شده بود	۲۹
شرق مکتبش را گم کرده است	۳۱
مسلمین را از خود مأیوس کردند	۳۲

۳۳	ملت را خواب کرده بودند
۳۳	از غرب برای ما تحفه نمی‌آورند
۳۴	دانشگاه وابسته، منشأ وابستگی
۳۴	مُد گرایی
۳۵	نفى خودباوری، نفى استقلال کشور
۳۷	گرایش به غرب به خاطر القائنات غلط
۳۸	وابستگی فرهنگی، نفى استقلال در تمام ابعاد
۳۸	مغزهایی که در خدمت اجنب بودند
۳۸	مستشاران خارجی مانع استقلال و خودکفایی
۳۹	فرنگی شدن، نشانه مقام بود
۴۰	تضعیف متخصصین داخلی برای نفى استقلال کشور
۴۰	اشراف در مقابل بیگانگان خاصهند
۴۱	دانشمندان ما توسری می‌خوردند
۴۱	کارشناس می‌آمد تا خود ما نفهمیم
۴۲	دانشگاه استعماری، موجب خود کم‌بینی
۴۲	تفرقه، حربه استعمار علیه استقلال

فصل دوم: تلاشها و تبلیغات غرب برای از خود بیگانه کردن مسلمانان

۴۵	استفاده‌های ناصحیح از مظاهر تمدن غرب
۴۷	تعلیمات انحرافی برای عقب راندن جوانان
۴۸	با تبلیغات آنها به خودمان سوء ظن پیدا کردیم
۴۹	وابستگی روحی پیدا کردیم
۵۰	استقلال فکری را از ما گرفتند
۵۱	با تبلیغات، جوانان ما را دچار شکست روحی کردند
۵۲	غربیزده کردن دانشگاهها

با تبلیغات، جوانان ما را شستشوی مغزی دادند.....	۵۳
شخصیت را از ما گرفتند	۵۴
با دسیسه علوم ما را عقب زدند.....	۵۴
سلب اعتماد جوانان	۵۵
نیروی انسانی ما را عقب زدند.....	۵۶
نمی‌گذارند ملت خودش را پیدا کند.....	۵۶
زهر مهلك را دوا معرفی کرده بودند	۵۷
عقب زدن و هیچ جلوه دادن ما	۵۸
تبلیغات غرب برای مرعوب کردن ملتها.....	۵۸
بالاترین صدمه‌ها صدمه شخصیتی است.....	۵۹
و اندومد می‌کردند که از ما هیچ کاری بر نمی‌آید	۵۹
تبلیغات این بود که مغز ایرانی لایق نیست	۶۰
هجوم به ادب و فرهنگ کشور.....	۶۱
با تبلیغات آنها باور کرده بودیم که هیچ نیستیم	۶۲
می خواستند به ما حالی کنند که هیچ کاری از ما ساخته نیست	۶۳
زحمت کشیدند تا این کشور را از خودش تهی کنند	۶۳
ما را نژادپرست معرفی می‌کنند	۶۳
بزرگ جلوه دادن قدرتها.....	۶۴
با تبلیغات ما را ترسانده‌اند	۶۵
می خواهند هویت دینی ما را لکه‌دار کنند	۶۶
از بین بردن هویت اسلامی، خواست اجانب است	۶۷
وابستگی به ابرقدرتها را از فرائض دانسته‌اند	۶۷
نقشه غرب برای انحراف	۶۹
رسانه‌ها عامل اشاعه بدگمانی به فرهنگ خودی	۷۰

۷۱	فصل سوم: اهمیت استقلال و خودکفایی
۷۳	استقلال کشور، حق مردم
۷۳	استقلال کشور، در درجه اول اهمیت
۷۴	کارگر و کشاورز اساس اقتصاد کشور.....
۷۴	خودکفایی در کشاورزی اساس استقلال است
۷۵	ضرورت استقلال اقتصادی و خودکفایی همه جانبه
۷۵	خودکفایی، زمینه ساز استقلال کشور
۷۵	ضرورت خودکفایی و پرهیز از اظهارنیاز به دشمنان
۷۶	خودکفایی شرط اول استقلال
۷۶	استقلال کشور بالاتر از هر چیز
۷۷	خودکفایی در رأس امور
۷۷	اقتصاد مسئله مهمی است
۷۸	خودکفایی و استقلال، شایسته مملکت اسلامی
۷۸	استقلال کشور، هدیه‌ای آسمانی
۷۹	استقلال در اداره کشور
۷۹	استقلال، بالاترین ارزش
۸۰	بیداری و اراده، مقدمه خودکفایی
۸۰	قطع وابستگی به خارج
۸۱	استقلال، عامل شرافت
۸۱	استقلال، در آبادسازی کشور.....
۸۲	عزت در استقلال و ذلت در وابستگی
۸۲	خودکفایی و استقلال در تمام ابعاد
۸۳	فصل چهارم: تأکید بر خودباوری، خودکفایی و استقلال مسلمانان و مستضعفان
۸۵	متوجه اسلام شویم تا استقلال شخصیت پیدا کنیم

خودشناسی، عامل استقلال ۸۵	
شخصیت اسلامی خود را بیابید ۸۶	
فرهنگ اسلامی، فرهنگ خودکفایی ۸۷	
مسلمین باید فرهنگ و اصالت خود را بیابند ۸۷	
اسلام، شرط استقلال ۸۸	
تا خودمان را گم کرده‌ایم، استقلال نداریم ۸۹	
تکیه بر فرهنگ اصیل شرق ۹۰	
خودکفایی مسلمانان ۹۱	
شرق مکتبش را پیدا کند ۹۱	
مسلمانها باید خودشان را پیدا کنند ۹۲	
اسلام، عامل خروج از سیطره ظلم ۹۳	
با یافتن خویش، به استقلال دست می‌یابیم ۹۳	
رسالت علمای اسلام ۹۳	
تفرقه مانع استقلال مسلمین ۹۴	
ملتهای ستمدیده، پیش به سوی استقلال ۹۴	
فصل پنجم: فرهنگ و از خودبیگانگی ۹۷	
برنامه‌های فرهنگی رژیم شاه، تضعیف‌کننده جوانان ۹۹	
فرهنگ استعماری ام الامراض است ۱۰۰	
فرهنگ استعماری، جوانان استعماری تحویل می‌دهد ۱۰۰	
فرهنگمان به خود مردم مربوط نبوده است ۱۰۱	
اگر فرهنگ داشتیم بازی نمی‌خوردیم ۱۰۱	
با فرهنگ استعماری، رشد انسانی حاصل نمی‌شود ۱۰۲	
عدم استقلال فکری و روحی ۱۰۲	
برنامه فرهنگ این بود که محتوا را از ما بگیرند ۱۰۳	

با جدا کردن فرهنگ اسلامی، شرق خودش را باخت ... ۱۰۳	
چون فرهنگ از خودمان نبوده، مغزها وابسته شده ... ۱۰۳	
بالاترین وابستگی، وابستگی افکار است ... ۱۰۴	
فرهنگ استعماری، وابستگی فکری می آورد ... ۱۰۵	
مصطفیت بزرگ مسلمین، فرهنگ خودباخته است ... ۱۰۵	
دانشگاه زمینه ساز خودباختگی ... ۱۰۶	
فرهنگ، اساس هویت و موجودیت جامعه ... ۱۰۷	
ضریبه مهلهک دانشگاه وابسته ... ۱۰۸	
 فصل ششم: تحول فرهنگی راه مقابله با خود باختگی	
به خود آمدن و نهراسیدن ... ۱۱۳	
فرهنگ صحیح جوانهای صحیح بار می آورد ... ۱۱۳	
استقلال فرهنگی، زمینه ساز استقلال سیاسی ... ۱۱۴	
لزوم تحول در دانشگاه ... ۱۱۴	
دانشگاه مستقل، ضد استعمار ... ۱۱۵	
قدم اول، خروج از غربزدگی است ... ۱۱۵	
فرهنگ متحول شود تا تربیت انگلی متوقف گردد ... ۱۱۵	
لزوم استقلال دانشگاهها ... ۱۱۶	
فرهنگ باید متحول شود ... ۱۱۶	
استقلال فرهنگی، نیازمند برنامه بلند مدت ... ۱۱۷	
خودکفایی در گرو اصلاح دانشگاه و مدرسه ... ۱۱۸	
تحول فرهنگ، راه دستیابی به هویت اصیل ... ۱۱۸	
فرهنگ باید از غربزدگی بیرون بیاید ... ۱۱۸	
پرهیز از غربزدگی برای نیل به استقلال ... ۱۱۹	
اگر وضعیت فرهنگمان عوض شود می توانیم روی پای خود بایستیم ... ۱۲۰	

- خارج شدن از فرهنگ وابسته ۱۲۱
- جایگزینی مغز انسانی - اسلامی، عامل رهایی از وابستگی ۱۲۲
- بزرگترین وابستگی، وابستگی درونی است ۱۲۳
- خودکفایی با کوشش در راه علم ۱۲۴
- وابستگی فکری، مانع استقلال ۱۲۴
- نجات ملت در گرو نجات فرهنگ ۱۲۵
- دانشگاه منشأ استقلال و خودکفایی ۱۲۵
- زدودن مظاهر فرهنگی غرب، عامل خودباوری است ۱۲۶
- تا فکر مستقل نباشد، کشور مستقل نمی شود ۱۲۸
- غرب را فراموش کنیم ۱۲۸
- چاره اساسی، زدودن وابستگی فرهنگی است ۱۲۹
- تا مغزهای استعماری، مستقل نشود به پیروزی نهایی نمی رسیم ۱۲۹
- استقلال و آزادی افکار ۱۲۹
- طولانی بودن راه خودباوری ۱۳۰
- جایگزینی مغز استقلالی به جای مغز استعماری ۱۳۱
- با مغز گمشده، مستقل نمی شویم ۱۳۱
- تأکید بر نقش فرهنگ در استقلال ۱۳۲
- فرهنگ مستقل و خودکفا، برنامه بلندمدت ۱۳۲
- وابستگی فکری منشأ بدیختی ملت ۱۳۲
- رشد حقیقی، در پرتو خروج از غربزدگی ۱۳۳
- در فرهنگ هم باید خودمان را پیدا کنیم ۱۳۴
- خودیابی مانع از وابستگی ۱۳۵
- باید افکارمان را آزاد کنیم ۱۳۵
- خودباوری، شرط اسلامی شدن دانشگاهها ۱۳۶
- لزوم بازگشت به فرهنگ اسلام ۱۳۶

۱۳۷	ملت‌ها، روشنفکران را از خودباختگی نجات دهند!
۱۳۷	تفکر استقلالی، راه پیشرفت
۱۳۸	متخصصین دانشگاه در خدمت خودمان باشند
۱۳۹	اصلاح دانشگاه و حوزه، استقلال کشور را بیمه می‌کند
۱۴۰	اقضای شرافت
۱۴۰	پیشرفت منهای شرافت را نمی‌خواهیم
۱۴۰	استقلال فرهنگی، اساس کشور مستقل
۱۴۱	با یافتن خویش، به استقلال دست می‌یابیم
۱۴۱	جدی گرفتن اصلاح فرهنگ
۱۴۲	عمده، شرافت انسانی است
۱۴۳	عمده این است که ذهنها را آماده کنیم
۱۴۴	جوانان ما در داخل باید خوب تحصیل کنند
۱۴۵	نباید خودمان را بیازیم
۱۴۶	پریزی استقلال علمی و فرهنگی
۱۴۶	انقلاب فرهنگی، راه مبارزه با نفوذ ریشه‌دار غرب
۱۴۷	از خارجیها بت نتراشیم
۱۴۹	فصل هفتم: زمینه‌های لازم خودباوری و خودکفایی
۱۵۱	□ تعلیم و تربیت نیروهای انسانی
۱۵۱	نقش جوانان در خودکفایی
۱۵۲	ذخایر مادی و انسانی، زمینه ساز خودکفایی
۱۵۲	استقلال کشور در گرو تعلیم توأم با تزکیه
۱۵۳	اشخاص امین صالح، ضامن استقلال کشور
۱۵۳	برگرداندن غریزده‌ها به حال طبیعی
۱۵۴	آموزش و پرورش حقیقی، ضامن خودکفایی

تریبیت صحیح آینده‌سازان موجب استقلال ۱۵۵
کارگران، ستون فقرات استقلال کشور ۱۵۵
دانشگاه در خدمت رفع وابستگی فکری ۱۵۶
در دانشگاهها، خودباختگان باید رسوا باشند ۱۵۷
فیضیه و دانشگاه امیدشان را از اجانب ببرند ۱۵۷
تریبیت بچه‌ها برای خودکفایی ۱۵۸
لزوم تربیت نیروی انسانی برای آینده ۱۵۹
آموزش و کار، دو رکن استقلال کشور ۱۵۹
جوانان مستعد، زمینه‌ساز خودکفایی ۱۶۰
تریبیت صحیح اسلامی - ملی برای استقلال کشور ۱۶۰
علم توأم با تهذیب، لازمه استقلال کشور ۱۶۰
□ توسعه تحقیقات و مراکز علمی ۱۶۰
باید استعدادها را کار بیندازید ۱۶۱
تقید به خودکفایی، زمینه‌ساز ابتکارات ۱۶۲
توسعه مراکز علمی، مهمترین عامل خودکفایی ۱۶۲
□ عزم ملی ۱۶۲
سازندگی با حضور تمام اقشار ۱۶۲
برای رهایی از غربیزدگی همت کنیم ۱۶۲
دفاع از حیثیت اسلامی و ملی ۱۶۳
فراخوان عمومی برای خودکفایی ۱۶۳
حضور مردمی در سازندگی موجب تقویت روحیه ۱۶۴
عزم ملت برای استقلال اقتصادی و رهایی از ننگ وابستگی ۱۶۴
جوانان ما از غرب نترسند و اراده کنند ۱۶۵
ملت شهادت طلب، حامی استقلال کشور ۱۶۵
باید «نمی‌شودها» را از مغزها بیرون کرد ۱۶۶

همه چیزتان را خودتان درست کنید	۱۶۸
قدم اول بیداری است	۱۶۹
باید بفهمیم که دیگران چیزی به ما نمی‌دهند	۱۷۷
عزم، لازمه استقلال و خودکفایی	۱۷۸
خودکفایی به دست خود ملت	۱۷۹
تسهیل کارها با پشتیبانی و موافقت مردم	۱۷۹
مبارزه با مشکلات برای رسیدن به استقلال	۱۷۹
توکل و اراده در خودکفایی	۱۸۰
جانبداری ملت از استقلال و خودکفایی	۱۸۰
□ انقلاب، وحدت و عوامل مذهبی	۱۸۰
اتحاد جوامع، ضامن استقلال آنها	۱۸۰
طرح استقلال ملل اسلامی در کنگره حج	۱۸۱
برپایه‌های اسلامی خوبیش تکیه زنید	۱۸۱
اسلام و قرآن، ضامن استقلال	۱۸۲
مقابله با تعریفه‌اندازی برای نیل به خودکفایی	۱۸۲
مفاهیر خودمان را از یاد نبریم	۱۸۳
باید فرم غربی برگردد به فرم اسلامی	۱۸۳
اسلام، منکر وابستگی	۱۸۴
فرهنگ اسلامی، عامل خودکفایی	۱۸۵
خودکفایی ضامن بقای نهضت	۱۸۵
خودکفایی، یک تکلیف	۱۸۶
روحانیت زنده، پاسدار استقلال کشور	۱۸۸
خودکفایی، ثمره انقلاب	۱۸۹
وحدة حوزه و دانشگاه متضمن استقلال کشور	۱۸۹
انقلاب اسلامی برپایه استقلال	۱۸۹

۱۹۰	اسلامیت دانشگاه ضامن استقلال کشور.....
۱۹۰	استقلال و خودکفایی، یک احساس الهی
۱۹۲	تفکر خودکفایی ناشی از معنویت انقلاب.....
۱۹۲	اتحاد و همدلی ضامن استقلال کشور
۱۹۲	□ اعتماد به نفس، تلاش و تحمل مشقات
۱۹۲	اعتماد به نفس داشته باشد.....
۱۹۳	دعوت همه اقشار به کوشش در راه استقلال کشور
۱۹۳	چندین سال زحمت برای رفع وابستگی
۱۹۴	ما غریزدگی را می‌زداییم
۱۹۵	وقتی نفس شما قوی شد، از شما حساب می‌برند.....
۱۹۵	اعتماد به نفس لازمه استقلال و خودکفایی
۱۹۶	خروج از غریزدگی، شرط استقلال
۱۹۶	ما همه چیز داریم
۱۹۷	خودباوری در دانشگاهها، شرط رشد است
۱۹۸	مسلمین باید فرهنگ و اصالت خود را بیابند.....
۱۹۹	به جوانان حالی کنید که خودمان همه چیز داریم.....
۲۰۰	خودکفایی ضامن استقلال کشور.....
۲۰۱	تا خودمان را پیدا نکنیم نمی‌توانیم مستقل شویم.....
۲۰۳	کار، رمز خودکفایی و رفع احتیاج
۲۰۳	اعتماد به نفس، رمز خودکفایی
۲۰۴	انزوای اقتصادی عامل استقلال و خودکفایی
۲۰۴	اتکای به خود، رمز پیشرفت و موفقیت
۲۰۵	عدم وابستگی نتیجه اراده ملت
۲۰۵	خودیابی عامل خروج از سیطره ظلم
۲۰۶	باور به توانایی، شما را توانا می‌کند

استقلال فقیرانه بهتر از وابستگی مرفه ۲۰۷
خود را ببابیم تا روی پای خویش بایستیم ۲۰۸
از هیچ کس کم نداریم ۲۰۸
محاصره اقتصادی، زمینه ساز خودکفایی ۲۰۹
مردم ما باور کنند چیزی از سایرین کم ندارند ۲۰۹
تحقیق خودکفایی با کار در تمام ابعاد ۲۱۰
باید عزم مان را جزم کنیم که پیش اجنبی دست دراز نکنیم ۲۱۰
باید معتقد شویم که «می توانیم» ۲۱۱
تلاش و جدیت آحاد جامعه، متنضم استقلال کشور ۲۱۲
متکی به خودمان باشیم نه خارج ۲۱۳
استقلال کشور نیازمند تحمل مشکلات ۲۱۳
تشویق جوانان و احیای روحیه استقلال ۲۱۳
انقطاع از شرق و غرب زمینه خودکفایی ۲۱۴
□ ثبات و امنیت ۲۱۴
امنیت و آرامش لازمه استقلال و خودکفایی ۲۱۴
پاسداران عامل ثبات استقلال کشور ۲۱۵
فعالیتهای اصلاحی در گرو تشنیج زدایی ۲۱۵
فراهم بودن زمینه های استقلال کشور ۲۱۶
□ کوتاه کردن دست غارتگران و عناصر فاسد ۲۱۶
استقلال و آزادی، شرط خودکفایی ۲۱۶
غربزدگان صلاحیت دخالت در امور ما را ندارند ۲۱۷
کوتاهی دست غارتگران، زمینه ساز خودکفایی ۲۱۷
تصفیه عناصر فاسد مقدمه استقلال کشور ۲۱۷
قطع رابطه با ابرقدرتها، لازمه استقلال کامل ۲۱۸
□ سیاست گذاریها و قوانین ۲۱۸

لزوم توجه به مسائل اساسی کشور در برنامه‌ریزی ۲۱۸
استقبال از سیاست انزوا، عامل خودکفایی ۲۱۹
سیاست خارجی برای خودکفایی ۲۲۰
□ توسعه کشاورزی ۲۲۲
خودکفایی در کشت مواد غذایی، اصل اول ۲۲۲
تحول در کشاورزی، به سوی خودکفایی ۲۲۲
توسعه کشاورزی، قدم اول خودکفایی ۲۲۳
وابستگی اقتصادی زمینه ساز شکست نهضت ۲۲۳
نگ وابستگی جامعه اسلامی به دشمنانش ۲۲۴
تقدم خودکفایی کشاورزی بر سایر امور ۲۲۴

فصل هشتم: نتایج و دستاوردهای خودکفایی ۲۲۷
استقلال کشور، اول نمود ترقی ۲۲۹
ملکت آرام مترقبی، حاصل فرهنگ مستقل اسلامی ۲۲۹
استقلال و آزادی حقیقی در گرو خودکفایی ۲۳۰
حکومت مستقل تهدیدی برای منفعت طلبان ۲۳۰
نفو اتکا به خارج عامل توسعه ۲۳۰
شرافت ۲۳۱
استقلال و عزت ۲۳۱
تحریم اقتصادی عامل شکوفایی قدرت ابتکار و پیشرفت ۲۳۲

فهرست مآخذ

ردیف	تاریخ	عنوان	صحیفه امام جلد صفحه
۱	۴۲/۳/۱۳	سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم (شاه و اسرائیل، اساس گرفتاریها)	کشف اسرار ۳۴
۲	۵۷/۳/۲۰	پیام به ملت ایران(هدف، واژگونی طاغوت و برپاداشتن اسلام است)	کشف اسرار ۱۸۲
۳	۵۷/۷/۲۱	اصلاحات امریکایی شاه	ولایت فقیه ۱۴-۱۳
۴	۵۷/۷/۲۹	سوی امریکا	۲۴۳ ۱ سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره اوضاع ایران و اصلاحات امریکایی شاه
۵	۵۷/۸/۱۱	اقتصاد و ایران ایران)	۴۲۲ ۳ پیام به ملت ایران(هدف، واژگونی طاغوت و برپاداشتن اسلام است)
۶			۵۲۱ ۳ سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره مأموریت شاه از سوی امریکا
۷			۹۰ ۴ سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (تغییر معانی الفاظ و اقتصاد و ایران ایران)
۸			۲۷۲ ۴ سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (تغییر معانی الفاظ و اقتصاد و ایران ایران)

۲۵۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۹۰	۴	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره جنایات پنجاه ساله پهلوی	۵۷/۸/۱۷	۹
۱۴۹	۵	مصاحبه با تلویزیون "پی.بی.اس" درباره ماه محرم و رابطه با امریکا	۵۷/۹/۱۰	۱۰
۴۰۵	۵	مصاحبه با تلویزیون "بی.بی.سی" درباره آینده ایران و نحوه بازگشت به ایران	۵۷/۱۰/۱۹	۱۱
۱۱۵	۶	سخنرانی در جمع نمایندگان شورای هماهنگی اعتصابات (سازاندگی کشور)	۵۷/۱۱/۲۰	۱۲
۳۲۹	۶	سخنرانی در جمع روحانیون (وظایف روحانیت - رفراندم - غیربیندگی)	۵۷/۱۲/۱۵	۱۳
۴۰۶	۷	سخنرانی در جمع دانشجویان (ریشه‌های انقلاب - دانشگاه و حوزه)	۵۸/۲/۳۱	۱۴
۵۸	۸	سخنرانی در جمع روحانیون و اشاره مختلف مردم (سالگرد قیام ۱۵ خرداد)	۵۸/۳/۱۵	۱۵
۲۸۸	۸	سخنرانی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران (تلash بیشتر کارگران و کشاورزان)	۵۸/۴/۴	۱۶
۳۹۷	۸	سخنرانی در جمع کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد (مواد مخدر)	۵۸/۴/۱۲	۱۷
۵۲	۹	سخنرانی در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی (اهمیت مجلس خبرگان)	۵۸/۴/۲۱	۱۸
۷۵	۹	سخنرانی در جمع فرهنگیان شهرستان شهرضا (همراهی پژوهش با آموزش)	۵۸/۴/۲۳	۱۹
۳۷۹	۹	سخنرانی در جمع اعضا نیروی هوایی (تبیغ اسلام و رهایی از غرب)	۵۸/۶/۱۰	۲۰

فهرست مأخذ / ۲۵۱

۳۹۰	۹	سخنرانی در جمع خانواده شهدا و بانوان مکب ولی عصر (توطنهای غرب)	۵۸/۶/۱۲	۲۱
۴۶۰	۹	سخنرانی در جمع اشاره مختلف مردم (رهایی از غرب زدگی)	۵۸/۶/۱۷	۲۲
۴۶۱	۹	سخنرانی در جمع اشاره مختلف مردم (رهایی از غرب زدگی)	۵۸/۶/۱۷	۲۳
۵۰۱	۹	سخنرانی در جمع بانوان فرهنگی (تحقیق اسلام - رهایی از غرب)	۵۸/۶/۲۲	۲۴
۴۲	۱۰	سخنرانی در جمع کارکنان آموزش و پرورش (گرفتاریهای مردم در رژیم پهلوی)	۵۸/۶/۲۸	۲۵
۵۲	۱۰	سخنرانی در جمع عشایر آذربایجان شرقی (عوامل پیروزی - حاکمیت اسلام)	۵۸/۶/۲۸	۲۶
۷۶	۱۰	سخنرانی در جمع بانوان عضو انجمن اسلامی (تدریجی بودن اصلاحات)	۵۸/۶/۲۹	۲۷
۳۷۳	۱۰	سخنرانی در جمع مسئولان جهاد سازندگی قم (رفع وابستگی - توطنه امریکا)	۵۸/۸/۶	۲۸
۳۸۵	۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانش آموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)	۵۸/۸/۶	۲۹
۳۹۰	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب زدگی)	۵۸/۸/۷	۳۰
۳۹۱	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب زدگی)	۵۸/۸/۷	۳۱
۴۴۴	۱۰	سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی (تلash برای خودکفایی)	۵۸/۸/۱۱	۳۲
۴۴۷	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان عربستانی مقیم ایران (بازیابی عظمت مسلمین)	۵۸/۸/۱۱	۳۳

۲۰۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۵۱	۱۱	۵۸/۸/۲۴ سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان (شرکت در رفاندم قانون اساسی)	۳۴
۴۷۶	۱۱	۵۸/۱۰/۷ سخنرانی در جمع پاسداران (هوشیاری ملی - خطر و استگی اقتصادی)	۳۵
۱۹	۱۲	۵۸/۱۰/۱۴ سخنرانی در جمع استاد دانشگاه تهران (ویژگیهای انقلاب اسلامی)	۳۶
۱۰۸	۱۲	۵۸/۱۰/۲۰ سخنرانی در جمع نمایندگان سازمانهای آزادیبخش جهان (ایران، سرمشی دیگران)	۳۷
۳۱۹	۱۲	۵۹/۲/۳۰ سخنرانی در جمع اعضا کادر مرکزی جنبش امل لبنان (لزوم پیداری مسلمین)	۳۸
۱۶۰	۱۳	۵۹/۶/۵ سخنرانی در جمع کارکنان مؤسسه اطلاعات؟ (رسالت مطبوعات در نظام اسلامی)	۳۹
۳۷۱	۱۳	۵۹/۸/۲۸ سخنرانی در جمع فارغ التحصیلان آموزشگاه افسری (وظایف نیروهای مسلح)	۴۰
۴۱۶	۱۳	۵۹/۹/۲۷ سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان (روز وحدت حوزه و دانشگاه)	۴۱
۱۹۷	۱۴	۵۹/۱۲/۲۵ سخنرانی در جمع بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم (نقش زن در جامعه)	۴۲
۳۰۶	۱۴	۶۰/۱/۳۱ سخنرانی در جمع پرسنل صنایع نظامی کشور (خودبازی و رهایی از استگیها)	۴۳
۴۳۵	۱۴	۶۰/۳/۲۴ سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی (اجتناب از مداخله در امور سیاسی)	۴۴
۲۴۳	۱۵	۶۰/۶/۳۱ پیام به دانشجویان و دانشآموزان (آثار فرهنگ مستقل و فرهنگ وابسته)	۴۵

فهرست مأخذ / ۲۵۳

۸۳	۱۶	۶۰/۱۲/۱۷ سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما (علل عقب ماندگی کشورهای وابسته)	۴۶
۸۵	۱۶	۶۰/۱۲/۱۷ سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما (علل عقب ماندگی کشورهای وابسته)	۴۷
۸۵	۱۶	۶۰/۱۲/۱۷ سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما (علل عقب ماندگی کشورهای وابسته)	۴۸
۱۱۳	۱۶	۶۰/۱۲/۲۵ سخنرانی در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی (اهمیت تبلیغات)	۴۹
۴۴۲	۱۶	۶۱/۶/۷ سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت (مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی)	۵۰
۶۲	۱۷	۶۱/۷/۲۶ سخنرانی در جمع اعضای دفتر مشاورت امام و متخصصان نیروی هوایی (خودکفایی)	۵۱
۲۸۲	۱۸	۶۲/۱۰/۱۳ سخنرانی در جمع فرمانداران، بخشداران و اعضای شوراهای روستایی	۵۲
۲۲۲	۱۹	۶۴/۱/۲۷ سخنرانی در جمع وزیر فرهنگ و آموزش عالی و معاونان (رهایی از وابستگی فرهنگی)	۵۳
۴۰۴	۲۱	۶۸/۳/۱۵ وصیتname سیاسی -الهی امام خمینی	۵۴
۲۶۲	۵	۵۷/۱۰/۱ سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (کمک به سربازان فراری و اعتصاب کنندگان)	۵۵
۳۵۱	۶	۵۷/۱۲/۱۷ سخنرانی در جمع فرهنگیان و دانشآموزان قم (رهنمودهایی به جوانان)	۵۶
۴۲۲	۶	۵۸/۱/۸ سخنرانی در جمع پژوهشکان قم (لزوم اتحاد و شرکت در رفاندم)	۵۷
۲۴	۸	۵۸/۳/۹ سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی (سلب استقلال فکری - غربزدگی)	۵۸

۲۵۴ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی(س)

۷۹	۸	۵۸/۳/۲۰	۵۹	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران (توطئه بر ضد فرهنگ و روحانیت)
۸۵	۸	۵۸/۳/۲۱	۶۰	سخنرانی در جمع وزرای امور خارجه ایران و ترکیه (عبرت دولتها از سرنوشت شاه)
۹۴	۸	۵۸/۳/۲۱	۶۱	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده پلیس (ضریبه به روحانی و دانشگاهی)
۹۹	۸	۵۸/۳/۲۱	۶۲	سخنرانی در جمع وزیر امور خارجه و سفرا (حفظ استقلال در سفارتخانه‌ها)
۳۴۳	۸	۵۸/۴/۸	۶۴	سخنرانی در جمع مهندسان وزارت کشاورزی (تبیین عوامل پیروزی انقلاب)
۷	۹	۵۸/۴/۱۷	۶۴	سخنرانی در جمع دانشجویان شیراز و پزشکان (تدوین قانون اساسی)
۸۰	۹	۵۸/۴/۲۳	۶۵	سخنرانی در جمع اعضای جامعه ورزشی اصفهان (توطئه استعمار)
۲۱۰	۹	۵۸/۴/۳۱	۶۶	سخنرانی در جمع اعضای نهضت رادیکال ایران (ضرورت حفظ وحدت)
۴۵	۱۰	۵۸/۶/۲۸	۶۷	سخنرانی در جمع کارکنان آموزش و پرورش (گرفتاریهای مردم در رژیم پهلوی)
۳۸۹	۱۰	۵۸/۸/۷	۶۸	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب‌زدگی)
۲۰	۱۲	۵۸/۱۰/۱۴	۶۹	سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران (ویژگیهای انقلاب اسلامی)
۳۰۲	۱۳	۵۹/۸/۱۲	۷۰	سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (شکست قدرتهای پوشالی)

فهرست مأخذ / ۲۵۵

۱۱۳	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	سخنرانی در جمیع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازاری برای خودکفایی)	۷۱
۱۱۵	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	سخنرانی در جمیع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازاری برای خودکفایی)	۷۲
۳۵۸	۱۴	۶۰/۳/۴	سخنرانی در جمیع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت (رسالت دانشگاه در جامعه)	۷۳
۴۴۶	۱۵	۶۰/۱۰/۷	پیام به فرهنگیان و دانشجویان مرکز تربیت معلم (هجوم دشمن به فرهنگ کشور)	۷۴
۸۳	۱۶	۶۰/۱۲/۱۷	سخنرانی در جمیع کارکنان صدا و سیما (علل عقب‌ماندگی کشورهای وابسته)	۷۵
۳۱۳	۱۶	۶۱/۳/۲۲	سخنرانی در جمیع فرماندهان نیروی زمینی ارتش (عمق پیشرفت‌های نظامی)	۷۶
۳۱۳	۱۶	۶۱/۳/۲۲	سخنرانی در جمیع فرماندهان نیروی زمینی ارتش (عمق پیشرفت‌های نظامی)	۷۷
۸۹	۱۸	۶۲/۶/۱۲	پیام به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت ایام حج (۹ تذکر به زائران)	۷۸
۹۰	۱۸	۶۲/۶/۱۲	پیام به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت ایام حج (۹ تذکر به زائران)	۷۹
۴۸۱	۱۹	۶۴/۱۱/۲۲	سخنرانی در جمیع مسئولان کشور و میهمانان خارجی دهه فجر (منشأ پیدایش نهضت)	۸۰
۹۰	۲۱	۶۷/۴/۲۹	پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه (۵۹۸	۸۱
۳۲۹	۲۱	۶۸/۱/۲	پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی (لزوم صبر واستقامت)	۸۲
۴۱۴	۲۱	۶۸/۳/۱۵	وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی	۸۳
۴۱۸	۲۱	۶۸/۳/۱۵	وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی	۸۴

۲۵۶ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۳۴	۲۱	وصیتname سیاسی -الهی امام خمینی ۶۸/۳/۱۵	۸۵
۲۰۱	۵	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج (تکلیف بودن قیام بر علیه سلطان جائز)	۸۶
۱۶۹	۸	سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی (قانون اساسی - غربزدگان)	۸۷
۲۸۶	۸	سخنرانی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران (تلاش بیشتر کارگران و کشاورزان)	۸۸
۳۶۶	۱۰	سخنرانی در جمع پاسداران سپاه و جهاد سازندگی اصفهان (کشاورزی - کمکاری)	۸۹
۴۳۳	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان (استقلال فرهنگی و اقتصادی)	۹۰
۴۳۵	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان (استقلال فرهنگی و اقتصادی)	۹۱
۴۴۲	۱۰	سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی (تلاش برای خودکفایی)	۹۲
۴۴۳	۱۰	سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی (تلاش برای خودکفایی)	۹۳
۳۹	۱۱	سخنرانی در جمع فرستاده پاپ و آقای بنی صدر (انتظار از پاپ - محاصره اقتصادی)	۹۴
۴۱۴	۱۱	سخنرانی در جمع کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان مریوان (توطئه بر ضد اسلام)	۹۵
۴۲۳	۱۱	سخنرانی در جمع اعضای مؤسسه مبارزه با اعتیاد (مبارزه با مواد مخدر)	۹۶
۴۲۴	۱۱	سخنرانی در جمع اعضای مؤسسه مبارزه با اعتیاد (مبارزه با مواد مخدر)	۹۷
۳۷۹	۱۲	سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران	۹۸

فهرست مأخذ / ۲۵۷

۴۱۶	۱۲	۵۹/۳/۲۰	۹۹	سخنرانی در جمع استانداران سراسر کشور (نگرانی از اختلاف در ارگانهای اسلامی)
۴۶۵	۱۳	۵۹/۱۰/۸	۱۰۰	سخنرانی در جمع خانواده شهدای نیروی هوایی (استقامت در مقابل تبلیغات دشمن)
۵۲۴	۱۳	۵۹/۱۰/۲۹	۱۰۱	سخنرانی در جمع افسار مختلف مردم (اغفال جهان سوم در جهت استثمار آنها)
۱۱۶	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	۱۰۲	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (پسوردت خودباوری برای خودکفایی)
۲۶۹	۱۵	۶۰/۷/۱۱	۱۰۳	سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی (استقلال و آزادی)
۸۵	۱۶	۶۰/۱۲/۱۷	۱۰۴	سخنرانی در جمع کارکنان صدا و سیما (علل عقب‌ماندگی کشورهای وابسته)
۱۲۵	۱۷	۶۱/۹/۱۱	۱۰۵	سخنرانی در جمع ائمه جماعت استان همدان و... (تحول روحی - مقابله با مشکلات)
۴۵۰	۲۱	۶۸/۳/۱۵	۱۰۶	وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی
۸۰	۸	۵۸/۳/۲۰	۱۰۷	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران (توطنه بر ضد فرهنگ و روحانیت)
۳۷۹	۹	۵۸/۶/۱۰	۱۰۸	سخنرانی در جمع اعضای نیروی هوایی (تبیخ اسلام و رهایی از غرب)
۱۵۹	۱۰	۵۸/۷/۷	۱۰۹	پیام به مسلمانان ایران و جهان (شناخت محتوای حج و وظایف مسلمانان)
۳۸۵	۱۰	۵۸/۸/۶	۱۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانش‌آموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)
۳۹۰	۱۰	۵۸/۸/۷	۱۱۱	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب‌زدگی)

۲۵۸ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۴۸	۱۰	۵۸/۸/۱۱	۱۱۲	سخنرانی در جمع دانشجویان عربستانی مقیم ایران (بازیابی عظمت مسلمین)
۴	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	۱۱۳	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)
۷	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	۱۱۴	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)
۱۰۵	۱۱	۵۸/۹/۱	۱۱۵	سخنرانی در جمع افسران ارتش پاکستان (جهان اسلام)
۱۰۸	۱۲	۵۸/۱۰/۲۰	۱۱۶	سخنرانی در جمع نمایندگان سازمانهای آزادیبخش جهان (ایران، سرمشق دیگران)
۳۲۱	۱۲	۵۹/۲/۳۰	۱۱۷	سخنرانی در جمع اعضای کادر مرکزی جنبش امل لبنان (لزوم بیداری مسلمین)
۱۶۷	۱۴	۵۹/۱۲/۱۰	۱۱۸	سخنرانی در جمع هیأت بررسی جنگ تحمیلی (تشريع وضعیت ایران در جنگ)
۴	۱۷	۶۱/۷/۱	۱۱۹	پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال تحصیلی (استقلال همه جانبه)
۴۲۹	۱۸	۶۳/۲/۲۳	۱۲۰	سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره جهانی ائمه جمعه (محورهای دعوت اسلام)
۳۴۰	۱۹	۶۴/۵/۲۵	۱۲۱	پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان (توصیه‌های اخلاقی، سیاسی و عبادی)
۴۴۷	۲۱	۷۸/۳/۱۵	۱۲۲	وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی
۲۹۹	۱	۴۳/۱/۲۶	۱۲۳	سخنرانی در جمع افشار مردم (۱۵ خرداد، عملکرد دولت و رسالت علماء)
۳۴۶	۲	۵۰/۲/۲۸	۱۲۴	نامه به آقای صادق طباطبائی (مقابله با رواج فرهنگ استعماری)

فهرست مأخذ / ۲۵۹

۳۰۶	۳	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره جنایات رژیم پهلوی	دی ۱۳۵۶	۱۲۵
۱۳۴	۴	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره ریشه‌های اختلاف مردم با شاه	۵۷/۸/۲	۱۲۶
۴۷	۶	سخنرانی در جمع روحانیون (نقش روحانیت در پیروزی انقلاب)	۵۷/۱۱/۱۴	۱۲۷
۵۷	۷	سخنرانی در جمع فرهنگیان رفسنجان (عوامل پیروزی - اهمیت کار فرهنگی)	۵۸/۱/۲۹	۱۲۸
۲۳	۸	سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی (سلب استقلال فکری - غربزدگی)	۵۸/۳/۹	۱۲۹
۷۸	۸	سخنرانی در جمع اعضای شورای آمار ایران (توطنه بر ضد فرهنگ و روحانیت)	۵۸/۳/۲۰	۱۳۰
۸۶	۸	سخنرانی در جمع وزاری امور خارجه ایران و ترکیه (عبرت دولتها از سرنوشت شاه)	۵۸/۳/۲۱	۱۳۱
۵۲	۱۰	سخنرانی در جمع عشاير آذربایجان شرقی (عوامل پیروزی - حاکمیت اسلام)	۵۸/۶/۲۸	۱۳۲
۳۵۷	۱۰	سخنرانی در جمع دیран انجمان اسلامی آذربایجان شرقی (اصلاح فرهنگی)	۵۸/۸/۴	۱۳۳
۵	۱۲	سخنرانی در جمع اعضای انجمان اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۵۸/۱۰/۱۲	۱۳۴
۳۱۹	۱۲	سخنرانی در جمع اعضای کادر مرکزی جنبش امل لبنان (لزوم بیداری مسلمین)	۵۹/۲/۳۰	۱۳۵
۴۳۰	۱۴	سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاهها (نقش دانشگاه در استقلال کشور)	۶۰/۳/۲۳	۱۳۶

۲۶۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۱۳۷	۶۰ / ۶ / ۳۱	پیام به دانشجویان و دانشآموزان (آثار فرهنگ مستقل و فرهنگ وابسته)	۲۴۳	۱۵
۱۳۸	۶۸ / ۳ / ۱۵	وصیت‌نامه سیاسی -الهی امام خمینی	۴۲۹	۲۱
۱۳۹		کشف اسرار	۲۸۰	
۱۴۰	دی ۱۳۵۶	سخنرانی در جمع روحانیون و طلاب درباره جنایات رژیم پهلوی	۳۰۶	۳
۱۴۱	۵۷ / ۷ / ۲۳	اسلام و روحانیت	۱۶	۴
۱۴۲	۵۷ / ۱۰ / ۱	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم پاریس درباره توطئه بر علیه	۲۶۳	۵
۱۴۳	۵۷ / ۱۱ / ۲۷	فراری و اعتصاب کنندگان	۱۶۰	۶
۱۴۴	۵۷ / ۱۲ / ۱۵	سخنرانی در جمع روحانیون (وظایف روحانیت - رفراندم - غربزدگی)	۲۳۱	۶
۱۴۵	۵۷ / ۱۲ / ۲۹	رهنمود به دولت موقت (عوامل پیروزی - رهنمود به دولت و ملت)	۳۹۶	۶
۱۴۶	۵۸ / ۱ / ۱۲	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت و اعلام «جمهوری اسلامی»	۴۶۰	۶
۱۴۷	۵۸ / ۳ / ۳	سخنرانی در جمع وزیر فرهنگ و رؤسای دانشگاهها (همراهی حوزه و دانشگاه)	۴۷۳	۷
۱۴۸	۵۸ / ۳ / ۹	سخنرانی در جمع پرسنل کمیته انقلاب اسلامی (سلب استقلال فکری - غربزدگی)	۲۴	۸
۱۴۹	۵۸ / ۴ / ۱۷	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز (تهذیب نفس در تعلیم و تربیت)	۳	۹
۱۵۰	۵۸ / ۴ / ۱۸	پیام به ملت ایران (هفت توصیه به دولت و ملت)	۲۵	۹
۱۵۱	۵۸ / ۴ / ۲۳	سخنرانی در جمع فرهنگیان شهرستان شهرضا (همراهی پرورش با آموزش)	۷۵	۹

فهرست مأخذ / ۲۶۱

۳۸۰	۹	سخنرانی در جمع اعضای نیروی هوایی (تبلیغ اسلام و رهایی از غرب)	۵۸/۶/۱۰	۱۵۲
۵۰۱	۹	سخنرانی در جمع بانوان فرهنگی (تحقیق اسلام - رهایی از غرب)	۵۸/۶/۲۲	۱۵۳
۵۱۵	۹	سخنرانی در جمع خانواده مرحوم طالقانی (تجلیل از مجاهدات ایشان)	۵۸/۶/۲۲	۱۵۴
۵۳	۱۰	سخنرانی در جمع عشایر آذربایجان شرقی (عوامل پیروزی - حاکمیت اسلام)	۵۸/۶/۲۸	۱۵۵
۷۹	۱۰	پیام به استادان، دانشجویان و دانشآموزان (کوشش دشمن جهت زدودن اسلام)	۵۸/۶/۳۱	۱۵۶
۸۰	۱۰	پیام به استادان، دانشجویان و دانشآموزان (کوشش دشمن جهت زدودن اسلام)	۵۸/۶/۳۱	۱۵۷
۲۲۹	۱۰	سخنرانی در جمع استادان و کارکنان دانشگاه شریف (اصلاح مراکز فرهنگی)	۵۸/۷/۱۴	۱۵۸
۳۵۶	۱۰	سخنرانی در جمع دیبران انجمن اسلامی آذربایجان شرقی (اصلاح فرهنگی)	۵۸/۸/۴	۱۵۹
۳۸۴	۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانشآموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)	۵۸/۸/۶	۱۶۰
۳۸۵	۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانشآموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)	۵۸/۸/۶	۱۶۱
۳۹۲	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب زدگی)	۵۸/۸/۷	۱۶۲
۳۹۳	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غرب زدگی)	۵۸/۸/۷	۱۶۳
۳۹۵	۱۰	پیام به ملت الجزایر (بازگشت به فرهنگ اسلامی)	۵۸/۸/۸	۱۶۴

۲۶۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۴۷۰	۱۰	۵۸/۸/۱۳	سخنرانی در جمع مریبان امور تربیتی تهران (حفظ نظام با قدرت ملت)	۱۶۵
۱۸۰	۱۱	۵۸/۹/۱۶	سخنرانی در جمع وزیر و مسئولان وزارت بهداشت و بهزیستی (استقلال فرهنگی)	۱۶۶
۱۹۶	۱۱	۵۸/۹/۱۸	سخنرانی در جمع شورای ۵ نفره صدا و سیما (جایگاه صدا و سیما)	۱۶۷
۲۲۲	۱۱	۵۸/۹/۲۱	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان (تلاش برای خودکفایی و استقلال)	۱۶۸
۲۲۳	۱۱	۵۸/۹/۲۱	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان (تلاش برای خودکفایی و استقلال)	۱۶۹
۴۴۳	۱۱	۵۸/۱۰/۵	سخنرانی در جمع اعضای مؤسسه مبارزه با اعتیاد (مبارزه با مواد مخدر)	۱۷۰
۴۴۶	۱۱	۵۸/۱۰/۷	پیام به ملت ایران (بسیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی)	۱۷۱
۴	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۱۷۲
۶	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۱۷۳
۷	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۱۷۴
۷	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۱۷۵
۲۵	۱۲	۵۸/۱۰/۱۴	سخنرانی در جمع استاد دانشگاه تهران (ویژگیهای انقلاب اسلامی)	۱۷۶
۲۵۱	۱۲	۵۹/۲/۱	سخنرانی در جمع دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاهها (اصلاح دانشگاهها)	۱۷۷

فهرست مأخذ / ۲۶۳

۳۲۱	۱۲	۵۹/۲/۳۰	۱۷۸	سخنرانی در جمع اعضای کادر مرکزی جنبش امل لبنان (لزوم بیداری مسلمین)
۲۱۱	۱۳	۵۹/۶/۲۱	۱۷۹	پیام به مسلمین جهان و حجاج (سیاست امریکا، اختلاف بین مسلمانان)
۱۱۷	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	۱۸۰	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازاری برای خودکفایی)
۳۵۹	۱۴	۶۰/۳/۴	۱۸۱	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت (رسالت دانشگاه در جامعه)
۴۳۲	۱۴	۶۰/۳/۲۳	۱۸۲	سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاهها (نقش دانشگاه در استقلال کشور)
۲۶۹	۱۵	۶۰/۷/۱۱	۱۸۳	سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی (استقلال و آزادی)
۳۲۹	۱۵	۶۰/۸/۶	۱۸۴	سخنرانی در جمع اعضای سازمان جنبش امل (سازش ناپذیری با قدرتها)
۲	۱۷	۶۱/۷/۱	۱۸۵	پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال تحصیلی (استقلال همه جانبی)
۴	۱۷	۶۱/۷/۱	۱۸۶	پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال تحصیلی (استقلال همه جانبی)
۳۲۲	۱۷	۶۱/۱۱/۲۲	۱۸۷	پیام به ملت ایران و مسئولین نظام (هفت تذکر به مردم و مسئولان)
۱۳۱	۱۸	۶۲/۶/۲۸	۱۸۸	سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری مراسم سالگرد جنگ (جنایات صدام)
۲۱۶	۱۸	۶۲/۸/۱۷	۱۸۹	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد (جایگزینی فرهنگ اسلامی)

۲۶۴ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۲۱۸	۱۸	۶۲/۸/۲۴	۱۹۰	سخنرانی در جمع مسئولین دانشگاه آزاد (هوشیاری در برابر القائات فرهنگ یگانه)
۲۱۹	۱۸	۶۲/۸/۲۴	۱۹۱	سخنرانی در جمع مسئولین دانشگاه آزاد (هوشیاری در برابر القائات فرهنگ یگانه)
۲۳۸	۱۸	۶۲/۱۱/۲۲	۱۹۲	سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان وزارت بهداشت (وظایف پزشکان و پرستاران)
۱۱۰	۱۹	۶۳/۹/۱۹	۱۹۳	پیام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (انتساب اعضای جدید)
۹۶	۲۱	۶۷/۴/۲۹	۱۹۴	پیام به ملت ایران در سالگرد کشtar خونین مکه (قبول قطعنامه (۵۹۸)
۴۴۹	۶	۵۸/۱/۹	۱۹۵	سخنرانی در جمع افسران نیروی زمینی (اختلاف میان ملت و روحانیت)
۵۱۷	۶	۵۸/۱/۱۹	۱۹۶	سخنرانی در جمع کارکنان مخابرات (لزوم سازندگی در کشور)
۳	۹	۵۸/۴/۱۷	۱۹۷	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز (تهذیب نفس در تعلیم و تریت)
۴	۹	۵۸/۴/۱۷	۱۹۸	سخنرانی در جمع دانشجویان اهواز (تهذیب نفس در تعلیم و تریت)
۵۳	۹	۵۸/۴/۲۱	۱۹۹	سخنرانی در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی (اهمیت مجلس خبرگان)
۴۹۰	۱۲	۵۹/۴/۱۰	۲۰۰	سخنرانی در جمع رؤسای آموزش و پرورش و اعضای انجمن اسلامی وزارت کشور
۲۴۶	۱۴	۶۰/۱/۱۱	۲۰۱	سخنرانی در جمع نمایندگان انجمنهای اسلامی دانش آموزان (وظایف انجمنها)
۳۲۶	۱۴	۶۰/۲/۱۰	۲۰۲	پیام به کارگران و ملت ایران (نقش کارگران در استقلال کشور)

فهرست مأخذ / ۲۶۵

۳۵۹	۱۴	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت (رسالت دانشگاه در جامعه)	۶۰ / ۳ / ۴	۲۰۳
۳۶۱	۱۴	سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت (رسالت دانشگاه در جامعه)	۶۰ / ۳ / ۴	۲۰۴
۴۳۱	۱۴	سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاهها (نقش دانشگاه در استقلال کشور)	۶۰ / ۳ / ۲۳	۲۰۵
۳۰۹	۱۵	سخنرانی در جمع مسئولان آموزش و پرورش (رسیدن به استقلال فرهنگی)	۶۰ / ۷ / ۲۳	۲۰۶
۴۳۴	۱۵	سخنرانی در جمع هیأت امنای دانشگاه ملی (جایگاه و نقش دانشگاه در کشور)	۶۰ / ۹ / ۲۲	۲۰۷
۴۱۰	۱۷	سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مریبان پرورشی (عصر هدم ارزش‌های انسانی)	۶۲ / ۲ / ۴	۲۰۸
۴۱۹	۱۷	سخنرانی در جمع پرسنل یگان هوایی سپاه (حضرت امیر(ع)، الگویی همه جانبی)	۶۲ / ۲ / ۶	۲۰۹
۳۳۸	۱۸	پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب (ارزیابی شرایط ایران)	۶۲ / ۱۱ / ۲۲	۲۱۰
۳۲۵	۱۹	سخنرانی در جمع مسئولان قضایی و وزارت امور خارجه (وظایف قضات و سفر)	۶۴ / ۵ / ۷	۲۱۱
۳۹۶	۱۳	بیانات در جمع سه تن از مختارین (تلاش برای استقلال و خودکفایی کشور)	۵۹ / ۹ / ۱۷	۲۱۲
۱۱۵	۱۴	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودداری برای خودکفایی)	۵۹ / ۱۱ / ۲۶	۲۱۳
۱۵۸	۲۱	پیام به ملت ایران (سیاستهای کلی نظام در دوران بازسازی)	۶۷ / ۷ / ۱۱	۲۱۴
۷۸	۶	سخنرانی در جمع صادرکنندگان خشکبار (کارنامه حکومت پهلوی)	۵۷ / ۱۱ / ۱۷	۲۱۵

۲۶۶ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۳۰	۶	۵۷/۱۲/۱۵ سخنرانی در جمع روحانیون (وظایف روحانیت - رفراندم - غربیزدگی)	۲۱۶
۱۵۹	۱۰	پیام به مسلمانان ایران و جهان (شناخت محتوای حج و وظایف مسلمانان)	۲۱۷
۴۴۳	۱۰	۵۸/۸/۱۱ سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی (تلاش برای خودکفایی)	۲۱۸
۴۵۶	۱۰	۵۸/۸/۱۲ سخنرانی در جمع ورزشکاران و اهالی قزوین (رهاوردهای انقلاب)	۲۱۹
۴۷۷	۱۱	۵۸/۱۰/۷ سخنرانی در جمع پاسداران (هوشیاری ملی - خطر وابستگی اقتصادی)	۲۲۰
۸	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲ سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)	۲۲۱
۳۷۸	۱۲	۵۹/۳/۱۴ سخنرانی در جمع شرکت‌کنندگان در کنفرانس بررسی مداخلات امریکا در ایران	۲۲۲
۸۵	۱۳	۵۹/۵/۱۸ سخنرانی در جمع اعضای کنگره آزادی قدس (بازگشت به اسلام واقعی)	۲۲۳
۲۲۶	۱۳	۵۹/۸/۱۴ سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی در آستانه ماه محرم (سیاسی بودن احکام اسلام)	۲۲۴
۵۳۸-۵۳۱	۱۳	۵۹/۱۰/۲۹ سخنرانی در جمع اشار مختلف مردم (اغفال جهان سوم در جهت استثمار آنها)	۲۲۵
۱۱۶	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶ سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازی برای خودکفایی)	۲۲۶
۲۴۶	۱۴	۶۰/۱/۱۱ سخنرانی در جمع نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشآموزان (وظایف انجمنها)	۲۲۷

فهرست مأخذ / ۲۶۷

۵۱۷	۱۵	سخنرانی در جمع افشار مختلف مردم (گرفتاری ایران و مسلمین)	۶۰ / ۱۱ / ۴	۲۲۸
۴۱۹	۱۶	سخنرانی در جمع ائمه جماعت استان بوشهر (توطه اختلاف بین شیعه و سنی)	۶۱ / ۵ / ۲۵	۲۲۹
۲۴۳	۱۷	سخنرانی در جمع مسئولان بخش‌های مختلف صدا و سیما (ضرورت توسعه تبلیغات)	۶۱ / ۱۱ / ۳	۲۳۰
۱۴۱	۱۸	سخنرانی در جمع متخصصان و کارگران مهارکننده چاه نفت نوروز (اتکا به خدا)	۶۲ / ۶ / ۳۰	۲۳۱
۲۰۰	۲۱	حکم انتصاب میرحسین موسوی به سمت سرپرست امور جانبازان	۶۷ / ۹ / ۳	۲۳۲
۳۳	۲	سخنرانی در جمع علمای نجف (وظیفه سران کشورهای اسلامی - مسئولیت علماء)	۴۴ / ۸ / ۲۳	۲۳۳
۳۲۲	۲	پیام به زائران بیت الله‌الحرام (مسلمانان فلسطین و افشاری جنایتها رژیم شاه)	۱۳۴۹ بهمن	۲۳۴
۱۳۳	۵	مصاحبه با تلویزیون «تايمز» درباره آينده ايران	۵۷ / ۹ / ۶	۲۳۵
۲۴	۷	سخنرانی در جمع پرسنل نيري هوايی (انقلاب اسلامی و نهضت‌های پيشين - ارتش)	۵۸ / ۱ / ۲۶	۲۳۶
۴۰۷	۷	سخنرانی در جمع دانشجويان (ريشه‌های انقلاب - دانشگاه و حوزه)	۵۸ / ۲ / ۳۱	۲۳۷
۴۶۹	۹	سخنرانی در جمع افشار مختلف مردم (رهایی از غرب‌زدگی)	۵۸ / ۶ / ۱۷	۲۳۸
۵۰۱	۹	سخنرانی در جمع بانوان فرهنگی (تحقیق اسلام - رهایی از غرب)	۵۸ / ۶ / ۲۲	۲۳۹
۵۱	۱۰	سخنرانی در جمع عشاير آذربایجان شرقی (عوامل پیروزی - حاکمیت اسلام)	۵۸ / ۶ / ۲۸	۲۴۰

۲۶۸ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۳۸۵	۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانشآموزان و جهاد سازندگی (آرایش در اصلاح امور)	۵۸/۸/۶	۲۴۱
۴۱۴	۱۱	سخنرانی در جمع کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان مریوان (توطئه بر ضد اسلام)	۵۸/۱۰/۴	۲۴۲
۴۲۵	۱۱	سخنرانی در جمع اعضاي مؤسسه مبارزه با اعتیاد (مبارزه با مواد مخدر)	۵۸/۱۰/۵	۲۴۳
۴۵۳	۱۱	بیانات خطاب به حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی (اهداف حکومت در اسلام)	۵۸/۱۰/۷	۲۴۴
۲۶۵	۱۲	پیام به ملت ایران به مناسبت روز جهانی کارگر (تجلیل از کارگران زحمتکش)	۵۹/۲/۱۰	۲۴۵
۳۴۱	۱۲	سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان (توطئه برای ایجاد تفرقه بین اقشار جامعه)	۵۹/۳/۳	۲۴۶
۲۱۳	۱۳	پیام به مسلمین جهان و حجاج (سیاست امریکا، اختلاف بین مسلمانان)	۵۹/۶/۲۱	۲۴۷
۱۷۰	۱۴	سخنرانی در جمع مردم و کارکنان مدرسه شهید مطهری (نهذیب مقدم بر تعلیم)	۵۹/۱۲/۱۰	۲۴۸
۴۳۴	۱۵	سخنرانی در جمع هیأت امنی دانشگاه ملی (جایگاه و نقش دانشگاه در کشور)	۶۰/۹/۲۲	۲۴۹
۳۱۳	۱۶	سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش (عمق پیشرفت‌های نظامی)	۶۱/۳/۲۲	۲۵۰
۴۱۱	۱۷	سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مریبان پرورشی (عصر هدم ارزش‌های انسانی)	۶۲/۲/۴	۲۵۱
ولایت فقیه ۱۵				۲۵۲
۳۱۷	۳	پیام به ملت ایران به مناسبت قیام ۱۹ دی مردم قم و نوید پیروزی	۵۶/۱۱/۲	۲۵۳

فهرست مأخذ / ۲۶۹

۵۱۳	۵	۵۷/۱۱/۱	۲۵۴	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره رمز پیروزی انقلاب
۲۷۴	۶	۵۷/۱۲/۱۰	۲۵۵	سخنرانی در جمع مردم (نتایج مبارزات ملت - تأکید بر «جمهوری اسلامی»)
۳۲۹	۶	۵۷/۱۲/۱۵	۲۵۶	سخنرانی در جمع روحانیون (وظایف روحانیت - رفاندم - غریزدگی)
۷۵	۹	۵۸/۴/۲۳	۲۵۷	سخنرانی در جمع فرهنگیان شهرستان شهرضا (همراهی پرورش با آموزش)
۴۶۲	۹	۵۸/۶/۱۷	۲۵۸	سخنرانی در جمع افشار مختلف مردم (رهایی از غریزدگی)
۷۶	۱۰	۵۸/۶/۲۹	۲۵۹	سخنرانی در جمع بانوان عضو انجمن اسلامی (تدریجی بودن اصلاحات)
۳۸۴	۱۰	۵۸/۸/۶	۲۶۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانشآموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)
۳۹۰	۱۰	۵۸/۸/۷	۲۶۱	سخنرانی در جمع دانشجویان مدرسه عالی مفیدی (غربزدگی)
۴۳۷	۱۰	۵۸/۸/۱۱	۲۶۲	سخنرانی در جمع دانشجویان (استقلال فرهنگی و اقتصادی)
۲۲۲	۱۱	۵۸/۹/۲۱	۲۶۳	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان (تلاش برای خودکفایی و استقلال)
۲۲۸-۲۲۶	۱۱	۵۸/۹/۲۱	۲۶۴	سخنرانی در جمع پیشه‌وران اصفهان (تلاش برای خودکفایی و استقلال)
۲	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	۲۶۵	سخنرانی در جمع کارکنان ذوب آهن اصفهان (کم کاری و بیکاری در ادارات)
۷	۱۲	۵۸/۱۰/۱۲	۲۶۶	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه اردبیل (استقلال فرهنگی)

۲۷۰ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۲۷۷	۱۳	۵۹/۷/۲۸	۲۶۷	سخنرانی در جمع سفرای کشورهای اسلامی (وظیفه دولتها در قابل تجاوز عراق)
۱۱۶	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	۲۶۸	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازی برای خودکفایی)
۱۱۷	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	۲۶۹	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازی برای خودکفایی)
۱۶۷	۱۴	۵۹/۱۲/۱۰	۲۷۰	سخنرانی در جمع هیأت بررسی جنگ تحمیلی (تشريع وضعيت ایران در جنگ)
۳۰۷	۱۴	۶۰/۱/۳۱	۲۷۱	سخنرانی در جمع پرسنل صنایع نظامی کشور (خودبازی و رهایی از وابستگیها)
۴۳۷	۱۴	۶۰/۳/۲۴	۲۷۲	سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی (اجتناب از مداخله در امور سیاسی)
۳۰۹	۱۵	۶۰/۷/۲۳	۲۷۳	سخنرانی در جمع مسئولان آموزش و پرورش (رسیدن به استقلال فرهنگی)
۳۱۰	۱۵	۶۰/۷/۲۳	۲۷۴	سخنرانی در جمع مسئولان آموزش و پرورش (رسیدن به استقلال فرهنگی)
۱۰۴	۱۶	۶۰/۱۲/۲۴	۲۷۵	سخنرانی در جمع کارکنان وزارت امور خارجه و پرسنل هوانیروز (جهل دشمن)
۱۱۳	۱۶	۶۰/۱۲/۲۵	۲۷۶	سخنرانی در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی (اهمیت تبلیغات)
۲۴۰	۱۷	۶۱/۱۰/۲۶	۲۷۷	سخنرانی در جمع کارکنان صنایع دفاع (خدمت به اسلام و کشور)
۱۴۱	۱۸	۶۲/۶/۳۰	۲۷۸	سخنرانی در جمع متخصصان و کارگران مهارکننده چاه نفت نوروز (اتکا به خدا)

فهرست مأخذ / ۲۷۱

۱۸۹	۱۸	سخنرانی در جمع کارکنان وزارت صنایع، مخترعان و متکران (خودکفایی)	۶۲/۸/۱	۲۷۹
۱۹۱	۱۸	سخنرانی در جمع کارکنان وزارت صنایع، مخترعان و متکران (خودکفایی)	۶۲/۸/۱	۲۸۰
۲۳۵	۱۸	سخنرانی در جمع مسئلان و کارکنان وزارت بهداری (وظایف پزشکان و پرستاران)	۶۲/۹/۱۶	۲۸۱
۲۰۰	۱۹	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران و مسلمانان جهان (تقدیر از استقامت ملت)	۶۴/۱/۱	۲۸۲
۹۶	۲۱	پیام به ملت ایران در سالگرد کشtar خونین مکه (قبول قطعنامه (۵۹۸	۶۷/۴/۲۹	۲۸۳
۴۴۱	۲۱	وصیتname سیاسی - الهی امام خمینی	۶۸/۳/۱۵	۲۸۴
۷۰	۷	سخنرانی در جمع اشار مختلف مردم (خطرگروهکها و لزوم رویارویی با آنان)	۵۸/۱/۳۱	۲۸۵
۳۷۱	۷	سخنرانی در جمع پاسداران مسجد الرضای تهران (وظایف دوران انقلاب)	۵۸/۲/۲۹	۲۸۶
۹	۱۲	سخنرانی در جمع کارکنان جهاد سازندگی و رادیو تلویزیون تبریز (حفظ آرامش)	۵۸/۱۰/۱۲	۲۸۷
۷۴	۱۵	سخنرانی در مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری آفای رجایی (نصیحت به مسئلان)	۶۰/۵/۱۱	۲۸۸
۱۰۴	۶	سخنرانی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان و معلمان (محسنات نهضت)	۵۷/۱۱/۱۹	۲۸۹
۱۹۱	۸	سخنرانی در جمع جامعه و عاظ تهران (جدایی دین از سیاست)	۵۸/۳/۲۷	۲۹۰
۸۴	۹	سخنرانی در جمع اعضای جامعه ورزشی اصفهان (توطئه استعمار)	۵۸/۴/۲۳	۲۹۱

۲۷۲ / خودبازی و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (س)

۸۲	۱۰	پیام به استادان، دانشجویان و دانشآموزان (کوشش دشمن جهت زدودن اسلام)	۵۸/۶/۳۱	۲۹۲
۲۲۳	۱۲	پیام به ملت ایران (قطع رابطه با امریکا)	۵۹/۱/۱۹	۲۹۳
۲۵	۱۱	سخنرانی در جمع اعضای انجمن تبلیغات فرهنگ اسلامی خرم آباد (قانون اساسی)	۵۸/۸/۱۸	۲۹۴
۳۱۲	۱۳	سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (شکست قدرتها پوشالی)	۵۹/۸/۱۲	۲۹۵
۱۷۶	۱۷	سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه (وظیفه و نقش این وزارتخانه)	۶۱/۱۰/۴	۲۹۶
۳۹۵	۶	سخنرانی در جمع هیأت دولت موقت (عوامل پیروزی - رهنمود به دولت و ملت)	۵۷/۱۲/۲۹	۲۹۷
۲۲۳	۱۰	سخنرانی در جمع شهردار و کارکنان شهرداری قائم شهر (کوشش برای سازندگی)	۵۸/۸/۲	۲۹۸
۳۸۴	۱۰	سخنرانی در جمع نمایندگان دانشآموزان و جهاد سازندگی (آرامش در اصلاح امور)	۵۸/۸/۶	۲۹۹
۴۱۳	۱۱	سخنرانی در جمع کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان مریوان (توطئه بر ضد اسلام)	۵۸/۱۰/۴	۳۰۰
۷۷	۱۲	سخنرانی در جمع راهپیمایان کفن پوش الیگودرز (سیاست امریکا)	۵۸/۱۰/۱۷	۳۰۱
۱۵۸	۲۱	پیام به ملت ایران (سیاستهای کلی نظام در دوران بازسازی)	۶۷/۷/۱۱	۳۰۲
۷۷	۴	سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره دخالت همه جانبه امریکا در ایران	۵۷/۷/۲۹	۳۰۳
۸۹	۸	سخنرانی در جمع وزرای امور خارجه ایران و ترکیه (عبرت دولتها از سرنوشت شاه)	۵۸/۳/۲۱	۳۰۴
۴۳۵	۱۰	سخنرانی در جمع دانشجویان (استقلال فرهنگی و اقتصادی)	۵۸/۸/۱۱	۳۰۵

فهرست مأخذ / ۲۷۳

۴۴۷	۱۱	۵۸/۱۰/۷	پیام به ملت ایران (پیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی)	۳۰۶
۱۱۵	۱۴	۵۹/۱۱/۲۶	سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت (ضرورت خودبازاری برای خودکفایی)	۳۰۷
۲۶۹	۱۵	۶۰/۷/۱۱	سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی (استقلال و آزادی)	۳۰۸
۲۰۰	۲۱	۶۷/۹/۳	حکم انتصاب میرحسین موسوی به سمت سرپرست امور جانبازان	۳۰۹
۴۴۳	۲۱	۶۸/۳/۱۵	وصیتنامه سیاسی -الهی امام خمینی	۳۱۰

فهرست منابع

خمینی، روح الله؛ کشف اسرار.

_____؛ ولایت فقیه؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)؛ چ ۱۲، ۱۳۸۱.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (گردآورنده)؛ صحیفة امام؛ ۲۲ ج، ۲، ۱۳۷۹.